

پرونده خانواده
اسلحه انتقادگر درون

پرونده چهره‌ها
شیخ محمد شبیری خاقانی



عملکرد سی و سه ساله

سخنرانی سید هاشم حسینی بوشهری
در نمایشگاه دستاوردهای موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی:

انقلابی بودن را
از امام پیام‌آموزیم

نگاهی به عملکرد موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

در گفت‌وگو با

سرپرست موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
مدیر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - دفتر قم
مدیر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - نمایندگی اصفهان
معاون پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در قم
مدیر عامل موسسه چاپ و نشر عروج

پیام آیت‌الله جوادی آملی

به نمایشگاه «حضور صد ساله خورشید»:

امام خمینی فرزندان را استین
ابراهیم خلیل بود

بسم الله الرحمن الرحيم



چراغ راه

از مهمات امور، تعهد و کلاهی مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد؛ و چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال یک اکثریت قلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً آمریکا خواستند، با دست همین منحرفان از خدا بی‌خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه، هیچ‌گاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد. قبل از رضاخان با تصدی غرب‌زدگان و مشتی خان و زمین‌خواران؛ و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن.

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم الشان سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان، بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند، و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود. وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات و کلاهی دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم - به سوی غرب یا شرق - و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی، به مجلس بفرستند.

وصیت‌نامه امام خمینی، ص ۴۳



هفته نامه حریم امام

صاحب امتیاز:

آستان مقدس امام خمینی

مدیر مسئول:

علی جوادی‌راد

سر دبیر:

علی عباسی

اعضای تحریریه:

وهاب آریان

سید مهدی حسینی دورود

رشید داودی

محمد رجائی‌نژاد

مصطفی سلیمانی

سید محمود صادقی

طراح و صفحه‌آرا:

محسن عبداللہی

نشانی:

تهران حرم مطهر امام خمینی

چاپ:

موسسه فرهنگی هنری عروج /واژه پرداز اندیشه

تماس با نشریه:

۰۹۳۶۷۸۰۳۳۳۶

ایمیل:

harim.emam@yahoo.com



امام خمینی فرزند راستین ابراهیم خلیل بود



أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على جميع الأنبياء والمرسلين والأئمة الهداة المهديين وفاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين بهم نتولى ومن أعدائهم نتبرء الى الله».

مقدم شما علما، فضلا، اساتید، نخبگان و فرهیختگان را گرامی می‌داریم. محور سخن در این محفل وزین علمی، تبیین برنامه‌های علمی و عملی یک قرنه امام راحل (قدس سره) است. یک قرن قبل، این مرد الهی هم زمان با تأسیس حوزه علمیه به برکت وجود مبارک آیت الله العظمی حائری (رضوان الله تعالی علیه) وارد حوزه قم شد. این حوزه سابقه یک قرنه دارد، گرچه قبل از این هم در قم حوزه بود و بزرگانی از اینجابر خاستند.

سز اینکه مرحوم امام (رضوان الله تعالی علیه) در این یک قرن شکوفا شد و در این یک قرن کار چند قرن را انجام داد، چون هر بیانش «یک شبهه صد ساله می‌رفت» و هر قلمش «یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود»؛ کاری که در طی بیش از ده قرن نشده بود به وسیله این مرد بزرگ الهی انجام شد، سز این است. برخی‌ها دست‌وپا دارند چشم و گوش دارند و از آنها بهره نمی‌برند؛ برخی‌ها بهره‌های علمی می‌برند اما بهره‌های عملی نمی‌برند؛ برخی‌ها بهره‌های عملی می‌برند اما از فیض و فوز علمی محروم‌اند. آنها هم که از فیض علمی بهره می‌برند گاهی تک‌بُعدی‌اند در یک رشته یا دو یا سه رشته جامع‌اند؛ برخی‌ها جامع‌اند و جمع بین معقول و منقول کرده‌اند اما جمع بین معقول و منقول و مشهود نکرده‌اند؛ آن که جامع بین معقول و منقول و مشهود باشد نیز گاهی ضعیف جمع کرد یعنی جمع کرده است اما به نحو جمع مکسر نه جمع سالم! آن که بین عقل و نقل و مشهود، جمع تام و جمع دقیق کرد، از او به عنوان اینکه جمع سالم دارد یاد می‌کنند.

امام امت (رضوان الله تعالی علیه) بین معقول و منقول و مشهود جمع سالم کرد، بین علم و عمل جمع سالم کرد، بین اندیشه و انگیزه جمع سالم کرد. آنچه را می‌فهمید درست می‌فهمید، آنچه را عمل می‌کرد درست عمل می‌کرد؛ نه علمش از عمل معزول بود و نه عملش از علم. جامع بین علم و عمل بود به جمع سالم، جامع بین عقل و نقل و مشهود بود به جمع سالم، جامع بین سیاست و درایت و مدیریت و فقاقت بود به جمع سالم، لذا به لطف الهی...

نقصی در برنامه‌های علمی و در برنامه‌های عملی این بزرگ‌مرد الهی دیده نشد.

رازش این است که او شاگرد ابراهیم خلیل بود. ابراهیم خلیل (علی نبینا و آله و علیه الصلاة و علیه السلام) را قرآن کریم صاحب‌دل، صاحب‌دست و صاحب‌چشم معرفی کرد؛ فرمود این خلیل من، پدر شماسست، شما فرزندان این خلیل هستید، می‌توانید دست داشته باشید می‌توانید چشم داشته باشید می‌توانید دل داشته باشید. آن دل را اگر کسی داشت می‌شود صاحب‌دل، آن دست را اگر کسی داشت می‌شود صاحب‌دست، آن چشم را اگر کسی داشت می‌شود صاحب‌چشم. اگر خدا خلیل حق را پدر مانمید، امام راحل فرزند راستین خلیل حق شد.

خدا ابراهیم خلیل را و برخی از انبیای ابراهیمی را به این وصف می‌ستاید که اینها «أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ» اند؛ همان گونه که اینها «أُولُوا الْأَلْبَابِ» اند یعنی صاحب‌دل‌اند، اینها دست دارند، اینها چشم دارند. آن که تیر می‌گیرد و بتها را ریز می‌کند او دست دارد، آن که کارد می‌گیرد که فرزندش را قربانی کند او دست دارد، پسرش که برای قربانی شدن حاضر است او دل دارد؛ او صاحب‌دل است نمی‌لرزد، او صاحب‌چشم است نمی‌لرزد، او صاحب‌دست است نمی‌لرزد؛ فرمود: «أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ»، آنها در بخش‌های قلب «أُولُوا الْأَلْبَابِ» اند، در بخش‌های علمی «أُولُوا الْأَلْبَابِ» اند، در بخش تعقلات «أُولُوا الْأَلْبَابِ» اند و در بخش عمل «أُولَى الْأَيْدِي» اند دست دارند.

آن که نمی‌لرزد و در درایت، شبهه‌ای در او راه پیدا نمی‌کند مثل امام راحل، می‌شود لیبب، صاحب‌دل، دل دارد و آن که قلم به دست می‌گیرد، بعد از حوادث تلخ، اعلامیه می‌دهد و فرمانی می‌دهد، او دست دارد و آن که این صحنه را نگاه می‌کند و دقیقاً بررسی می‌کند او چشم دارد. اینکه فرمود انبیای ابراهیمی دست دارند یعنی در مبارزه با بت‌ها اهل تبر هستند، در مبارزه با بت‌ها اهل قلم‌اند؛ امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) از نمونه‌های شاگردان و فرزندان خلیل حق بود که فرمود: «أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ». درباره بت بی روح فرمود: «أَلْهَمُ أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا أُمَّ لَهْمُ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا»، این بت است، آن کسی که دستی ندارد کاری بکند، پای ندارد که جایی برود، یک بت جامد بسته است؛ اما امام راحل در هر زمینه‌ای که لازم بود هم در

مطالب علمی قلم زد هم در مطالب عملی فریاد زد. هم آن دل را و هم این چشم را و هم این دست را خدا ستود و به ما فرمود: «مَلَأَ أَيْكُمُ الْإِبْرَاهِيمَ»؛ شما هم مانند پدرتان دست داشته باشید، شما هم مانند پدرتان چشم داشته باشید. ما به پدرتان که ابراهیم خلیل است دل دادیم، او اهل شهود بود: «كَذَلِكَ نُرَى الْإِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ او باطن عالم را دید شما نگاه کنید بلکه ببینید.

مستحضرید همانطوری که در فارسی بین دیدن و نگاه کردن فرق است، در عربی نیز بین نظر و رؤیت فرق است؛ فرمود او دید شما نگاه کنید بلکه ببینید. در سوره «اعراف» و در سوره «انعام» این دو بیان هست؛ در یک جا درباره خلیل حق فرمود: «وَكَذَلِكَ نُرَى الْإِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» که رؤیت است، درباره ما فرمود: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ چرا آسمان‌ها را نگاه می‌کنید؟ چرا زمین را نگاه می‌کنید؟ چرا آسمان‌آفرین را نگاه نمی‌کنید؟ چرا زمین‌آفرین را نگاه نمی‌کنید؟ چرا ملکوت آسمان را نگاه نمی‌کنید؟ منجم شدن کار سختی نیست، هیوی شدن کار سختی نیست، ملکوت عالم را دیدن مهم است؛ فرمود چرا درباره ملکوت فکر نمی‌کنید؟ او اهل رؤیت بود شما اهل نظر باشید؛ این نظر مقدمه رؤیت است؛ شما هم فرزند خلیل حق باشید، در ملکوت نظر کنید بلکه ببینید.

امام راحل هر قدمی که برداشت «یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود»، هر قدمی که برداشت «این طفل یک شبهه صد ساله می‌رود» که امیدواریم حشرش با صدیقین و صالحین باشد حشرش با انبیای الهی باشد! مادر نیایش‌ها می‌گوییم: «و الحقنا بال صالحين» ولی امیر ما علی بن ابی طالب (صلوات الله وسلامه علیه) فرمود اگر می‌خواهی این دعایت که گفتی «و الحقنا بال صالحين» مستجاب شود، «تخففوا تلحقوا»؛ سبکبار شوتابه صالحین ملحق شوی.

امیدواریم روح سبحان روح مطهر امام راحل و همه شهدا و علما و صلحا و صدیقین را با انبیای الهی محشور بفرماید! رهبر معظم ما، نظام ما، مسئولین ما و مردم ما را مشمول عنایت ویژه ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بدهد و این نظام الهی را به ظهور حضرت ختمی امامت متصل بفرماید!

«غفر الله لنا ولكم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

انقلابی بودن را از امام بیاموزیم

✽ امام خمینی عارفی واصل، حکیمی متأله، فقیهی جامع الشرائط، تجسم ارزش‌های اخلاقی و احیاگر دین و معنویت انسان معاصر است



مجاهدی دیده می‌شود و هم در آخرت برای چنین انسان‌هایی آن آثار دیده می‌شود.

جهاد معنای وسیع و گسترده‌ای دارد، اما همه جا آن جهاد مورد رضایت خدا نیست، جهادی مورد رضایت خداست که «فینا» باشد یعنی برای خدا باشد. معروف این است که می‌گویند جهاد بر دو قسم است: یک جهاد اصغر و دو جهاد اکبر؛ معروف این است، البته جهاد کبیر هم در فرمایشات سال‌های گذشته رهبر انقلاب با استفاده از این آیه کریمه: «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» که به وسیله قرآن جهاد انجام بدهید که همان جهاد فرهنگی است، منتها در کلمات بعضی از بزرگان و عرفا من دیدم تعبیر جالبی به کار برده بودند، آنجا سخنی از جهاد کبیر مطرح نکرده بودند به «جهاد اصغر» اشاره کرده بودند و به «جهاد اوسط» اشاره کرده بودند و به جهاد اکبر اشاره کرده بود.

گفته اند آنچه جهاد اکبر نامیده می‌شود حقیقتاً جهاد اوسط است و جهاد اصغر یعنی رویارویی با دشمنان، و جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس و یک نوع ساخته شدن انسان و مبارزه با نفس اماره که در حقیقت انسان یک انسان ارزشی بشود در پیشگاه پروردگار عالم.

اما آن جهادی که به عنوان جهاد اکبر هست این به عنوان جهاد اوسط. اما آنچه که به عنوان جهاد اکبر مطرح است یعنی این که انسان دل به عقل نبندد، دل به برهان نبندد، بلکه انسان به جای اینکه بیاندیشد عاشق بشود، عشق بورزد به ذات پروردگار عالم.

در آغاز جلسه از بیانات حکیم فقیه وارسته مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی حقیقتاً بهره بردیم. کلمات نغز، زیبا و دلنشین؛ و حق سخن را در باره امام ولو در فرصتی که من دیدم نزدیک به ۱۱ دقیقه به خوبی ادا کردند.

حالا بعد از آن بیانات ارزشمند و والا و آن آثاری که شما خواهید دید که هم موسوعه نوشتاری حضرت امام در پنجاه جلد، آن شرح‌ها و تعلیقات ارزشمند بر کتاب گرانسنگ «تحریر الوسیله» و همچنین تبیین و توضیح کتاب‌های عرفانی حضرت امام، شاید صحبت ما خیلی جا نداشته باشد ولیکن چاره‌ای نیست که چند دقیقه‌ای تصدیع محضرتان داشته باشم و به نکاتی اشاره کنم.

این آیه‌ای که در آغاز سخن بحث کردم شناسنامه قیام امام است «قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی»؛ یعنی همانگونه که خدای متعال به پیامبر فرمود: «قل انما اعظکم بواحدة»، بارها و بارها در بیانات امام و جملات زیبا و دلنشین، امام تمسک به این آیه می‌کردند؛ به صورت جمعی، به صورت فردی قیام برای خدا.

شاید مقصود از قیام «بصورت فردی» یعنی مبارزه با خویشتن خویش از نظر نفس اماره، و معنای «قیام همگانی» در مقابل سلطه مستکبران و شیطان‌های زمان. قیام برای خدا، و اگر بخواهیم تعبیر دیگری از قرآن پیدا کنیم همان آیه «الذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا» یعنی کسانی که در راه ما و برای ما و کسانی که هدفی جز ما ندارند «لنهیدنهم سبلنا» و آدم احساس می‌کند که در دنیا هم آثار چنین

«قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی»

قبل از آغاز سخن از آنجا که هنوز در فضای شهادت ششمین امام و پیشوا وجود مقدس امام صادق (ع) قرار داریم این مناسبت را محضر همه شما اساتید، بزرگان، آیات، حجج و فرهیختگان تسلیت عرض می‌کنم.

از اینکه امروز این توفیق یافت شد که در آستانه سی و سومین سالگرد ارتحال حضرت امام و در ایامی که نزدیک به صدمین سال هجرت حضرت امام به حرم اهل بیت قم المقدسه است در اینجا حضور پیدا کنم و چند دقیقه‌ای عرض ادب و ارادت کنم خدا را بر این نعمت سپاسگزاریم.

از همه دست‌اندرکاران این همایش و جلسه، یادگار حضرت امام و همه کسانی که سهمی در برگزاری این جلسه دارند و دفتر تبلیغات اسلامی لازم می‌دانم تقدیر و تشکر کنم.

فلسفه برگزاری چنین نشست‌هایی آن هم با فاصله تقریباً یک هفته به سالگرد رحلت امام که ان شاء الله در روز چهاردهم خرداد مانند سال‌های گذشته به استثنای این یکی دو سال گذشته به خاطر شرایط کرونا، رهبر فرزانه انقلاب شرائط ایجاد نشد که در کنار مرقد شریف حضرت امام افاضه فیض کنند و هر ساله با یک رویکرد جدیدی از ابعاد شخصیتی امام با مردم و جهان سخن بگویند. امسال خوشبختانه این فرصت فراهم آمده و در حقیقت این همایش امروز ما پیش در آمدی است برای آن جلسه با شکوه در کنار مرقد حضرت امام.

اگر انسان از مرتبه عقل عبور کرد از مرتبه استدلال و اجماع عقلی عبور کرد و به مرحله عشق رسید آن به عنوان جهاد اکبر است.

پس جهاد اصغر مبارزه با دشمن بیرونی است و جهاد اوسط مبارزه با نفس، و جهاد اکبر یعنی در گیر و دار استدلال و برهان باقی نماندن و در حقیقت انسان بشود عارف واصل.

و جالب این است که حضرت امام ما معتقدیم هر سه مرحله جهاد را به خوبی دارا بودند؛ هم در جهاد اصغر که روبروی جبهه استکبار «والکفر ملّة واحدة» و هم جهاد اوسط سالیانی مبارزه با نفس و ریاضت و از آن پختگی و صلابت و جز کار برای خدا نکردن.

نقل می کنند عالمی بزرگ از همدان آمده بود به قم. برادر این عالم در همدان به قول ما سینه چاک حضرت امام بود و در دوران مبارزات، خودش را وقف حضرت امام کرده بود. به امام پیشنهاد دادند مناسب است شما دیداری از این برادر این عالم داشته باشید آنجا در همدان برای شما همه چیز را گذاشته است. امام فرموده بود عالم مناسب نیست اما برای آمدن آن طوری نیست که عالم مناسب نباشد اما نمی آیم چون کار برای خدا انجام گرفته پاداشش را از آنجا خواهد گرفت.

امام ما را جمع کرد در دوران کوران مبارزه. می خواهم یک جمله به شما بگویم و آن جمله این است که اگر شما برای من می خواهید کار کنید و انتظار پاداش و اجر از من دارید مطمئن باشید از جانب من پاداشی به شما نخواهد رسید. من سعی می کنم برای خدا کار کنم شما هم برای خدا کار کنید.

ببینید سیاست مداران عالم چگونه عمل می کنند انسان هایی که هم در بعد سیاسی پیشتازند و هم در بعد اعتقادی پیشتازند هم در بعد رفاهی پیشتازند. محبوب دل ها هستند. سیاست مداران عالم از کوچکترین فرصت برای انتقال پیامشان آن هم در جهت رسیدن به هدف استفاده می کنند. خدا رحمت کند حاج احمد آقارامی فرماید مستقیماً پیام امام را از محل استقرار امام در فرانسه به دنیا مخابره می کردند. من کنار امام نشسته بودم. حضرت امام از من سوال کرد وقت ظهر رسیده است؟ گفتیم بله آقا! وقت ظهر رسیده است، یکبارہ سخن را قطع کرد. در مقابل صد دوربین، آن هم این فرصت برای رساندن پیام، فرمود: وقت نماز است باید به نماز برسیم و انسان به یاد وجود مقدس علی بن موسی الرضا و امیر المؤمنین می افتاد. علی ابن موسی الرضا گرما گرم مبارزه با ملحدین و صاحبان فکر آن روز در اوج بحث که نزدیک بود که بحث به نتیجه برسد وقت اذان شد امام فرمود: «نذهب و نرجع» می رویم و برمی گردیم. گفتند: آقا وقت نتیجه گرفتن است بحث را تمام کنید. فرمود: «نذهب و نرجع».

امیر المومنین در گرما گرم جنگ (در جنگ صفین) به آسمان نگاه می کند. به آقا می گویند دشمن جلوی شماست چرا به آسمان نگاه می کنید؟ فرمود می خواهم نگاه کنم آیا وقت زوال فرا رسیده است تا نماز بگزاریم؟ موقعی که به حضرت می گویند وقت نماز فرا رسیده، حضرت خودش را آماده برای نماز می کند می گویند دشمن دارد می جنگد با ما؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: «علی مانقاتل؟ انما نقاتل علی الصلاة».

فرزندش روح الله همین مسیر و راه را طی کرد و

مصاحبه را پایان نایافته ترک کرد و به نماز ایستاد. این چهره ماندگار و معنوی شخصیت حضرت امام است که اگر توصیف کنم اینگونه باید توصیف کنم: عارفی واصل، حکیمی متألّه، فقیهی جامع الشرائط، تجسم ارزش های اخلاقی، مجدد و احیاگر دین و معنویت انسان معاصر، بزرگ شخصیتی که همواره نام و یاد او از خاطر ها نخواهد رفت.

من به مبارزان و انقلابیون عرض می کنم که انقلابی بودن را اینگونه بیاموزیم. کسانی که گاهی در عرصه مبارزه و جهاد قدم بر می دارند از حوزه بحث و تحقیق و پژوهش باز می مانند، اما شخصیتی خود ساخته اولاً، از نظر علم به مراتب عالی علم رسیدن ثانیاً، در تبعید کتاب نوشتن ثالثاً و به عنوان یک چهره مبارز در مقابل تمام دنیای کفر ایستادن، این نماد واقعی یک چهره انقلابی است و آن کسی غیر از امام نیست.

این جمع بزرگواری که امروز حضور دارند حضرات آیات، حجج، فضلاء، بزرگان و اهل فکر و فرهنگ آمده اند به امام این جمله را بگویند: امام! تا چشمانمان را روی هم گذاشتیم سی و سه سال گذشت از ارتحالت، ولی آمده ایم با تو پیمان ببندیم و هم در سالگرد ارتحالت کنار مرقدت.

بزرگ مردی که سخن گفتن درباره او در این فرصت محدود حقیقتاً کاری سخت و دشوار است. اجازه بدهید همان جمله ای که ابوالعلا معری در مورد سید مرتضی علم الهدی گفت، من هم اینجا خطاب به امام بگویم:

لو جنته لرأیت الناس فی رجل
والدهر فی ساعة والارض فی دار
سید مرتضی آن روز و روح الله ما امروز، موقعی که نزد او بیایی کل مردم را در یک فرد می بینی، او چهره مجسم بشریت است. کل روزگار را در یک ساعت کنار او نشستن، کل کره هستی را در خانه او می بینی؛ خانه جمارانش و فضای معطر. این است امام ما و این است جایگاه او.

جالب این است که در رابطه با دعای حضرت ابراهیم، حضرت استاد علامه جوادی آملی تعبیر جالبی مطرح کردند، نام حضرت ابراهیم تقریباً از آغاز سخن تا پایان سخن یک انطباقی بین ابراهیم زمان ما، ابراهیم بت شکن ما و ابراهیم خلیل الرحمان که به مقام خلت رسید. یک خواسته دارند حضرت ابراهیم و من فکر می کنم که گویا این خواسته، خواسته حضرت روح الله است: (رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ * وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ)

هم حکمت نظری را از خدا می خواهد، هم حکمت عملی را از خدا می خواهد رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا دانستی به من بده که بتوانم بین حق و باطل جدا کنم. خوب جایگاه حق و خوب جایگاه باطل را بشناسم. حکمت عملی را به من بده و من را در جرگه صالحان قرار بده و جالب این نکته سومی است که از خدای خواهد بلکه ماندگار تاریخ باقی خواهد ماند همانطور که ابراهیم ماندگار خواهد ماند (وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ) همیشه یاد من و نام من بر زبان ها باشد. گویا این دعا و این خواسته از خدا در زمان ما تکرار شد. خمین کجا؟ عراق کجا؟ قم کجا؟ حاج شیخ کجا؟ بهره مندی از استاد بزرگش مرحوم شاه آبادی کجا؟ این شخصیت در حوزه آن روز هنوز قدم به میدان مبارزه نگذاشته بود، در حضور آیت الله بروجردی

چهره برجسته بود و هر گاه او وارد مجلسی می شد حقیقتاً نگاهی که به او می شد، رفتاری که از او دیده می شد با دیگران متفاوت بود.

امام زمانی که سید جوانی بود به دیدن مرحوم کاشانی رفته بود. بعد از اینکه گفتگویی انجام شده بود بعد از رفتن امام، مرحوم آیت الله کاشانی فرموده بودند: اگر امیدی به آینده باشد به این سید است. اگر احیاگری باشد این سید است؛ یعنی کسی که با او نشست و برخاستی داشت افق روشن و آینده او را در چهره زیبا و روحانی او مشاهده می کرد.

این ویژگی حضرت امام ماست، پدر شهید؛ فرزندش حاج آقا مصطفی شهید، نه تنها مصطفای او شهید شد بلکه او فرزندان شهید فراوانی دارد، همه آن شهدا فرزندان امام محسوب می شوند، تمام شهدای دوران دفاع مقدس و شهدایی که در سراسر دنیا به عشق امام به شهادت رسیدند، فرزندان شهید امامند.

این جایگاه عزیز و عظیم امام است. او تنها در فقه و اصول پیشتاز نیست، او تنها در فلسفه پیشتاز نیست، او تنها در عرفان پیشتاز نیست، من نگاه کردم توی این حوزه! امروز ما باید ببینیم، نگاه کنیم، در سن ۲۳ سالگی تا ۳۰ سالگی یک اثر عرفانی بزرگ «مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية».

طلاب و فضلاء ما علاوه بر درس استکبار ستیزی و مبارزه با دشمن و ادامه راه انقلاب در سایه رهبر به عنوان خلف صالح او، باید بیاموزند این حوزه جای تحصیل است، جای تعلیم است، جای علم است، جای رسیدن به قله های عالی علم و معرفت است، خط زیبای او، انشای او گاهی بدون یک خط خوردگی بلکه بیشتر اوقات آنچنان قلم رسا به حاجیان خطاب می کند: ای نشستگان در کنار خانه خدا به ایستادگان در مقابل آمریکا دعا کنید، این جمله نغز و زیبا را چه کسی می تواند در بیانش اینگونه بگنجاند.

و ده ها پیام که من معتقدم اساتید ما، طلاب ما، فضلاء ما در این عصر طلایی روح الله و این عصر رهبر عزیز انقلاب که من هر موقع رهبری در مورد امام سخن می گوید احساس می کنم که با تمام وجود از امام سخن می گوید، علاقه ای که امام به این شخصیت داشت و علاقه متقابل این شخصیت نسبت به امام، هر چه بگویم کم گفته ام.

بُعد معنوی امام، بعد اخلاص امام، بُعد عرفانی امام و همه ویژگی هایی که باید در یک انسان باشد. آن روزی که از همین قم او را به تهران می بردند؛ این جمله جمله ساده ای نیست: والله نترسیدم، بلکه به سربازانی که کنار امامند و مراقب امامند امام به آنها دل داری می داد.

این گوهر گرانبها را و این گوهر شب چراغ را کجا پیدای می کنید!؟

انقلابیون باید بیاموزند که با هم باشیم زیر لوای امام، زیر لوای رهبری، این انقلاب را ما باید به مقصد برسانیم. در بیانیه گام دوم رهبری وعده دادند پایان انقلاب ظهور حضرت بقیة الله الاعظم است.

اول خود را بسازیم دلها را به هم نزدیک کنیم و با هم در این حوزه مقدسه و در جای جای این کشور حرمت امام را، جایگاه امام را پاس بداریم. و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی کمساری:

باید در راستای ترویج اندیشه حضرت امام اقدامات جدی‌تری انجام دهیم

✽ این نمایشگاه آغازی است برای حضور جدی‌تر موسسه در میان مردم

✽ دستگاه‌های فرهنگی نباید نسبت به امام غفلت کنند



حجت‌الاسلام و المسلمین علی کمساری سرپرست موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) با نگاهی جامع به سیاست‌های کلان موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، به تبیین این سیاست‌ها و اجرایی شدن آنها از آغاز تاکنون پرداخت و چشم‌انداز آینده این مجموعه ارزشمند را مورد توجه و بررسی قرار دهد. تالیف کتاب «اقیانوس در بر که» روایت داستانی و ادبی از غدیر خم (ویژه جوانان) و کتاب «بر شانه‌های دانایی» از جمله آثار منتشر شده ایشان است.

اعم از انتشارات است. نشر یعنی هر آنچه که اقدام ترویجی قلمداد و تلقی شود. در همین اساسنامه به برگزاری جشنواره‌ها، نشست‌ها، همایش‌ها و مجامع علمی، فرهنگی و هنری اشاره شده است، به اقدامات و فعالیت‌ها در حوزه داخل و خارج از کشور اشاره شده است، به حوزه بین‌الملل توجه داده شده است. به کار رسانه‌ای اشاره شده، به ایجاد موزه و نمایشگاه و اقداماتی از این دست اشاره شده است. لذا وقتی می‌گوییم نشر اعم از انتشارات است مراد این است.

🏠 **برای کسانی که به انتشار مطالب کذب نسبت به مؤسسه و مسئولین آن اقدام کرده‌اند چه توصیه‌ای دارید.**

بعضی‌ها از سر عدم اطلاع و البته بعضی غرض‌ورزان تکرار می‌کنند مگر امام چقدر کتاب داشتند که شما بعد سی سال هنوز آنها را نشر می‌دهید؟ یا مؤسسه تنظیم و نشر با بودجه‌های فلان و بهمان و با بودجه‌هایی کذایی اداره می‌شود. طبیعتاً ما سعی می‌کنیم به کسانی که اطلاع ندارند اطلاع‌رسانی کنیم که نشر بر اساس آنچه که در اهداف و برنامه‌های مؤسسه و اساسنامه مؤسسه ذکر شده اعم از انتشارات است. اما کسانی که بنا ندارند با هر توجیه و توضیحی اقناع شوند و بنای دست برداشتن از بداندیشی و تخریب و شبهه‌پراکنی را ندارند و علیرغم همه توضیحاتی که داده می‌شود متأسفانه هم چنان بر این مسئله پافشاری می‌کنند و البته از دشمنان جز این انتظاری نیست. دشمن اگر دشمنی نکند بایستی تعجب کرد. اما از کسانی که متأسفانه با اغراض سیاسی و جناحی بر این شبهه نادرست آن هم با ادعای انقلابی‌گری یا با ادعای دفاع از امام دامن می‌زنند بایستی تعجب کرد. ممکن است بعضاً نگرانی ایجاد شود که خدای ناکرده بعضی‌ها در قالب انقلاب‌گری نفوذ و مبانی را زیر سؤال ببرند.

🏠 **مؤسسه در قالب چند معاونت اداره می‌شود؟**
مؤسسه در قالب چهار معاونت؛ یک معاونت پشتیبانی

به این موضوع داریم؛ اعم از هر آنچه که عرض کردم و همچنین نامه‌هایی که مردم در طول این ده سال برای امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در زمانی که امام در قید حیات بودند نوشته‌اند و همچنین نامه‌هایی که در طول این سالها به امام داده شده است. ما چند صد هزار نامه داریم که در اسناد عادی، محرمانه و فوق محرمانه به عنوان گنجینه اسناد مربوط به امام و انقلاب و نظام نگهداری می‌شود. جمع‌آوری، تنظیم و دسته‌بندی اسناد و آثار امام به خصوص در آن سال‌ها و آن شرایط خاص، اقدام بسیار بزرگی بوده است.

در گام بعدی انتشار آن چه که قابل انتشار بود از مکتوبات مخطوطات و آثار علمی، فقهی، عرفانی، فلسفی، تفسیری و اصولی حضرت امام و همچنین انتشار سخنرانی‌های امام در قالب صحیفه و در قالب موسوعه پنجاه جلدی امام، اسناد مبارزاتی یاران امام، اسناد مربوط به امام در ساواک از دیگر فعالیت‌های مؤسسه است.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام اخیراً «دانشنامه امام خمینی» را در کنار چند صد عنوان کتاب دیگری که پیرامون حضرت امام نوشته شده و تعلیقات فقهی و حوزوی که در قالب کتب سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی پیرامون اندیشه امام و آراء حضرت امام نوشته شده را به چاپ رسانده است. البته اینها در خلاء صورت نگرفته بلکه تشکیلات و سازکارهایی ایجاد و سازمان‌هایی در کنار مؤسسه تشکیل شده است.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام در قالب یک مؤسسه تشکیلاتی کار خود را دنبال و البته روز به روز متناسب با شرایط پیشرفت کرده است و کار پررنگ‌تر شده است. مؤسسه برای اهدافی که در حوزه حفظ و تنظیم و نشر دارد سازوکارهای دیگری نیز دارد. لازم است به این نکته اشاره کنم بر اساس اساسنامه مؤسسه که به امضای فرزند امام مرحوم سید احمد خمینی رحمت‌الله‌علیه رسیده است منظور از نشر

🏠 **بحث ما درباره دستاوردهای سی‌وسه ساله موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمت‌الله‌علیه است. علاقمندییم درباره رویکردها و سیاست‌های کلی مؤسسه از زمان تاسیس تاکنون از زبان شما بشنویم.**

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی با فرمان مستقیم حضرت امام در واپسین ماه‌ها و روزهای حیات نورانی ایشان تشکیل شد. امروز که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که تشکیل این مجموعه اقدامی بسیار دوراندیشانه، آینده‌نگرانه و مبارکی بوده است. مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، یادگار فقید حضرت امام پیشنهاد این امر را به حضرت امام می‌دهند و نگرانی خود را از اینکه ممکن است بعدها در خصوص احکام، نامه‌ها و سخنرانی‌ها و هر آنچه از حضرت امام به عنوان میراث معنوی به جای می‌ماند شبیه به وجود بیاید یا آثار امام اعم از مکتوب و غیر مکتوب، ممکن است دست‌خوش انحراف و یا تفاسیر ناپجا قرار بگیرند به امام می‌رسانند. حضرت امام در ۱۷ شهریور سال ۱۳۶۷ با صخه گذاشتن بر این مسئله اجازه تاسیس مجموعه‌ای برای حفظ و تنظیم آثار خود را دادند. با فرمان و دستور مبارک حضرت امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام در قالب یک اساسنامه، ساختار و تشکیلات آن تدوین و فعالیت خود را آغاز نمود.

🏠 **عمده فعالیت‌های مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در این سه دهه چه بوده است؟**

به اعتقاد من مؤسسه تا به الان سه دوره ۱۰ ساله قابل ارزیابی را طی کرده است. در دوره ده ساله اسناد مربوط به حضرت امام، نامه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، اعلامیه‌ها و اطلاعاتی‌ها که در قالب اسناد مکتوب وجود داشته است جمع‌آوری، تنظیم و دسته‌بندی شد. بحث فراهم کردن زمینه برای محافظت از این اسناد اقدام مهمی بوده که در طول این سالها انجام شده است. ما امروز در مؤسسه و در گنجینه اسنادمان صدها هزار سند مربوط

و سه معاونت کاربردی، فرهنگی، هنری و ارتباطات و معاونت پژوهشی و معاونت بین الملل فعالیت می کند. مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام در حوزه های فرهنگی، هنری، رسانه ای، در حوزه پژوهش، آموزش و در حوزه بین الملل دستاوردهای بسیار ارزشمندی در طول سه دهه به وجود آورده و خلق کرده است که جا دارد من به عنوان یک خدمتگزار از سهم خودم از زحمات همه کسانی که در طول این سالها زحمت کشیدند به خصوص کسانی که سنگ بنای اولیه این مجموعه نورانی را گذاشتند تشکر و قدردانی کنم؛ کسانی که با دست خالی و از یک اتاق در دفتر امام کار را شروع کردند و کم کم تشکیلات مجموعه را توسعه دادند و سازوکارهای تشکیلاتی مؤسسه را هم زمان با فعالیت ها جلوبردند و این مجموعه بالنده، پویا، تأثیرگذار و جریان ساز در کشور را مدیریت کردند. از برادران عزیز حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی انصاری و جناب آقای دکتر حمید انصاری و همه مدیران، مسئولان و کارکنان سابق مؤسسه تشکر می کنم.

نظر به اهمیت بررسی اندیشه و سیره بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (س)، به ویژه در بین نسل جوان و انتقال اندیشه های گران سنگ آن حضرت چه اقدامات و فعالیت هایی را آغاز کرده اید؟

امروزه با توجه به ضرورت هایی که به وجود آمده و با توجه به اینکه خیال موسسه و متولیان مجموعه از حفظ تنظیم و دسته بندی اسناد و آثار راحت است و در شرایط استاندارد نگهداری می شوند، از این جهت دست مجموعه نظام پر هست. در شرایط جدید ضرورت اقتضا می کند که در حوزه فرهنگی و تربیتی گام های بلند تر و جدی تری را برداریم. در دوره جدید با تأکید و راهبری تولید محترم موسسه حضرت آیت الله سید حسن خمینی، یادگار فاضل و دانشمند حضرت امام قرار شده ان شاء الله در حکمی که ایشان به من حقیر دادند مقرر کردند؛ مجموعه مؤسسه علاوه بر تأکید و پافشاری بر استمرار حرکت ها و سیاست های گذشته در حوزه فرهنگی و ترویجی گام های جدی تری بردارد، در حوزه تعامل با نسل جوان و در حوزه فرهنگ سازی و به ویژه توجه به فرهنگ عمومی گام های جدی تری بردارد. بر اساس این راهبرد مؤسسه در این یکی دو سال اخیر و به ویژه در سال جاری که الحمدلله محدودیت های ناشی از کرونا را به فضل الهی پشت سر گذاشتیم با جدیت بیشتری در حوزه فرهنگی ترویجی و رسانه ای به خصوص با تأکید بر تعامل و مخاطب با نسل جوان گام های جدی تری را طراحی کردیم و حرکت هایی را آغاز کردیم. نمونه آن همین نمایشگاه حضور صدساله خورشید در قم است که در واقع آغازی است برای حضور جدی تر موسسه در میان مردم بدون واسطه با هدف آشناسازی مردم با دستاوردهای مجموعه.

همایش بزرگ دختران روح الله در مرقدمطهر امام راحل با چه هدفی برگزار شد؟

ما به منظور آشناسازی بیشتر مردم با آثار و اندیشه های حضرت امام روز چهارشنبه یازدهم خردادماه ۱۴۰۱، مصادف با روز دختر که میلاد کریمه اهل بیت سلام الله علیها بود در حرم مطهر حضرت امام همایش چهار هزار نفره ای را با حضور دختران جوان شانزده تا بیست و پنج ساله تحت عنوان دختران روح الله برگزار کردیم. این همایش آغازی بر رویکرد جدید موسسه در حوزه های مختلف است.

مؤسسه در راستای تأکید رهبر انقلاب بر مسئولیت همگان به خصوص جوانان و افراد موثر بر افکار و فضای عمومی در جهت حرکت و جهاد تبیین چه اولویت هایی را در نظر گرفته است؟

تولیت محترم بارها تأکید کردند و ما هم بر این نکته اذعان و اعتقاد داریم که بر اساس فرمایش رهبر معظم انقلاب امروز ضرورت دارد که ما به جهاد ترکیبی در تبیین اندیشه امام و دستاوردهای امام و انقلاب بپردازیم. من در سخنرانی افتتاحیه نمایشگاه به این فراز از فرمایش رهبر معظم انقلاب اشاره کردم. ایشان فرمودند: اگر امروز ما روایت درستی را انجام ندهیم و روایت صحیح را از انقلاب و دستاوردهای انقلاب و اندیشه های امام انجام ندهیم؛ دشمنان روایت سازی می کنند.

البته وظیفه ما در این عرصه سنگین تر است. مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام یک دستگاهی است که چون تخصصی در حوزه امام کار می کند این وظیفه را بر دوش دارد اما این وظیفه انحصار به موسسه ندارد. وظیفه همه ارکان و دستگاه های نظام از بالاترین تا پایین ترین ارکان است. همه ما در دستگاه های سیاست گذاری، در شوراهای فرهنگی، در شورای عالی انقلاب فرهنگی، در شورای فرهنگ عمومی، در شورای اجتماعی، در شورای زنان، در شورای جوانان، در شورای عالی، در آموزش و پرورش و در همه جاهایی که تصمیم سازی های کلان می شود می بایست در راستای ترویج اندیشه حضرت امام اقدامات جدی تری انجام دهیم.

موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام به عنوان یک دستگاه تخصصی آمادگی خود را بارها اعلام کرده و باز هم اعلام می کند آماده پشتیبانی محتوایی از همه اقدامات در این عرصه است و البته به سهم خودمان اقداماتی را به عنوان اقدامات نمونه ساز و الگوساز انجام می دهیم. اینکه ما ورود مستقیم به بعضی عرصه ها داریم به این عنوان نیست که دیگران از خودشان رفع تکلیف کنند. خیر مراکز، دستگاه ها، جشنواره ها، یادواره ها، نشست ها، اردوها همه و همه وظیفه دارند که موضوع امام و ترویج اندیشه امام و باز نشر اندیشه و تبیین شخصیت حضرت امام را در دستور کار خود داشته باشند.

در رأس اردوهایی که برگزار می شود از جمله اردوی راهیان نور و در رأس همه اقدامات فرهنگی که به منظور آشناسازی نسل جوان با دفاع مقدس و ارزش های حاکم بر دفاع مقدس و آشنایی با شهدای گلگون کفن انجام می شود بایستی کار فرهنگی صورت گیرد و در راستای تبیین نقش امام به عنوان فرمانده کل قوا در دفاع مقدس و عشقی که رزمندگان به امام داشتند صورت گیرد. در واقع آنچه که بعد از رضایت خداوند برای همه شهدا مهم بوده رضایت امام بوده است. ترجیح بند تکرار شدنی در وصیت نامه شهدا توصیه به شخص امام و تأکید بر امام بوده است. در اردوهای راهیان نور، در اردوهای جهادی، در جشنواره های سازمان فرهنگ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه های مختلف، همایش های سازمان تبلیغات باید وصیت نامه های شهدا پررنگ تر شود تا نشود که در این کشور یک اقدام فرهنگی و یک اقدام اجتماعی انجام شود اما متولیان امر بگویند ما فراموش کردیم که نام امام را بیابوریم. نشود که سرودی در این کشور ساخته شود و با کمک فرهنگ سازی و جریان سازی دستگاه ها و رسانه های

مختلف و دستگاه های فرهنگی این کار به یک سرود مورد توجه تبدیل شود که البته اقدام پسندیده ای است اما نباید به امام در این سرود بی توجهی شود. حتماً نباید اتفاقی بیفتد که بزرگان نظام نظر بدهند، خیر همه متولیان فرهنگی، دستگاه های فرهنگی و کسانی که به برکت امام در جمهوری اسلامی مسئول هستند و به برکت مجاهدت و رهبری حضرت امام و به برکت خون شهیدان در این نظام مسئولیت گرفتند نباید نسبت به امام غفلت کنند که به تعبیر مقام معظم رهبری این انقلاب بی نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست. یعنی هویت این انقلاب از امام است و هویت انقلابی بودن ما با امام معنا پیدا می کند. اینکه غفلت شود و به جای جبران غفلت در واقع به گونه ای منتقدان این اقدام را زیر سوال ببرند نشان دهنده بی توجهی و غفلت است که خدای ناکرده موجب فاصله گرفتن ما از هویت اصلی مان می شود.

به هر حال همه ما وظیفه داریم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام هم بر اساس اقتضانات و توان و شرایطی که دارد این وظیفه را به صورت ویژه تر بر دوش خود احساس می کند. ما ان شاء الله در دوره جدید مؤسسه بنا داریم به فضل الهی و به برکت دعاهای خود حضرت امام و به برکت همراهی همه مردم عزیز به خصوص نسل جوان در این عرصه ترویجی و تبیینی به تعبیر رهبر معظم انقلاب ان شاء الله گام های بلندتری برداریم.

به عنوان سوال پایانی در این راه پر پیچ و خم و البته پر فراز و فرودی که پیش گرفتید و آن حضور بی واسطه و ضروری در بین مردم چه چالش هایی را پیش بینی می کنید و چه توقعی دارید و چه پیشنهاداتی دارید برای کسانی که در این زمینه شمارا همراهی می کنند؟

اولین نکته ای که به نظر مهم است این است که همه ما بدانیم امروز کار برای امام یک تکلیف شرعی است. امروز کار برای امام به اعتقاد حقیر یکی از مصادیق شعائر الهی است. بزرگداشت امام در دوره ما یکی از شعائر الهی است؛ چون امام احیاگر دین و احیاگر تشیع در عصر حاضر هستند. همه دستگاه های فرهنگی و همه بخش ها و نهادهای مذهبی، نهادهای مدنی و غیردولتی بایستی فراتر از دسته بندی های سیاسی به این جریان نگاه کنند. من استدعا می کنم به موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام به عنوان یک دستگاه فرا جناحی نگاه شود. ما هم تلاش خود را در این دوره جدید مضاعف خواهیم کرد که از این پایگاه به فعالیت بپردازیم. مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام باشگاه نیست، یک جریان سیاسی نیست و ما بر اساس سیاستی که در مؤسسه وجود دارد و مورد تأکید فراوان تولید موسسه نیز می باشد بر مدار اندیشه امام و در چارچوب اصول انقلاب و در استمرار راه امام و در خط مستقیم امام که امروز توسط رهبر معظم انقلاب پرچم داری و استمرار پیدا می کند به فعالیت خودمان ادامه می دهیم. به هیچ عنوان هیچ گونه حرکتی را در قالب یا از منظر هیچ جریان جناحی جلو نخواهیم برد. از همه کسانی که دل داده امام و انقلاب هستند دعوت می کنیم مؤسسه را در انجام مأموریت هایش یاری کنند. به هر حال اقداماتی که ما در این یک سال اخیر انجام دادیم حاکی از آن است که بر اساس اصلی که عرض کردم کاملاً معتقدانه و وفادارانه حرکت می کنیم.

عباس کمساری:

در ترویج امام باید از زبان فرهنگ و هنر بهره ببریم

❁ مردم می‌توانند از طریق این نمایشگاه با عملکرد، دستاوردها و توانمندی‌های مؤسسه آشنا شوند



حجت‌الاسلام والمسلمین عباس کمساری مدیر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - دفتر قم است. ایشان در این گفتگو به تشریح فعالیت‌های این نمایندگی از زمان تأسیس تاکنون پرداخت و از برنامه‌های آینده خود سخن گفت. آقای کمساری چندین جلد کتاب و مقاله به رشته تحریر در آورده است که از آن جمله می‌توان به «سیمای نورانی امام زمان در قرآن و نهج البلاغه»، «ابعاد تربیتی قیام عاشورا»، «نقش امامت در وحدت اسلامی» اشاره کرد

اللّه علیه) که در دسترس نبوده در دسترس مؤسسه قرار گرفته که در حال حاضر در مرحله کارهای ابتدایی است. حاج آقا سید مصطفی در اوان جوانی و در سن بیست و سه سالگی درس خارج و اصول داشتند. از ایشان دو جزوه به یادگار مانده که البته مختصر است و ما در مراحل اولیه آن برای چاپ هستیم. باید اشاره کنم آثار حاج آقا مصطفی بیش از این مقداری است که تا به حال چاپ شده و ان شاء الله در آینده بقیه تألیفات ایشان نیز چاپ خواهد شد.

این مؤسسه در راستای رسالت خطیر و فرهنگی خود چند جلد کتاب و آثار قلمی حضرت امام و مرتبط با اندیشه‌های ایشان را در زمینه‌های مختلف چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است؟

کتابی که در مؤسسه قم چاپ شده بیش از سیصد و بیست عنوان کتاب است که به چاپ رسیده است که موضوع تمامی آنها امام بوده و توسط محققین و پژوهشگران تألیف شده و بیشتر جنبه تبیین موضوعات و اندیشه مرتب به اندیشه امام را دارند که این نیز قابل توجه است و گام بسیار خوبی در این حوزه محسوب می‌شود. البته این بدان معنا نیست که ما به اینها بسنده خواهیم کرد. در حال حاضر مؤسسه و پژوهشگران ما به دنبال موضوعات جدید مخصوصاً موضوعات اخلاقی و عرفانی هستند که کمتر به آنها پرداخته شده و برآیند آثار جدیدی را خلق کنیم.

لطفاً درباره نشست‌ها و کنگره‌های این مؤسسه نیز توضیحاتی را بفرمایید.

تعداد کنگره‌ها و نشست‌های تخصصی بسیار زیاد است که بعضی از آنها کنگره بین‌المللی و برخی از آنها ملی بوده است از جمله آنها می‌توانم به بررسی

متعددی از دروس امام به وسیله شاگردانش نوشته شده که تعدادی از آنها تاکنون چاپ گردیده است. جمع‌آوری تقریرات، اخذ تقریرات و شناسایی کسانی که این تقریرات را در اختیار داشتند یک پروژه زمان‌بر و بزرگ بوده است. از تقریرات اخذ شده یک نسخه پیرینت گرفته شد و اصل نسخه به صاحب اثر بازگردانده شده است. ما تاکنون بیش از بیست و پنج عنوان از تقریرات امام را در شصت و سه جلد چاپ کرده‌ایم.

شروح و تعلیقات بر آثار امام خمینی در چند جلد چاپ شده است؟

شروح و تعلیقات بر آثار امام خمینی در بیش از صد جلد چاپ شده است. لازم به ذکر است برخی از شروح از جمله شرحی که مرحوم آیت‌الله فاضل بر تحریر امام زده‌اند بیست و هشت جلد است. خود اینها آثار بسیار نفیس، علمی و ماندگاری است که قابل توجه است و باید از کسانی که در این حوزه کار کردند تقدیر کرد. البته شروح دیگری داریم که در دست چاپ است؛ از جمله شرح حضرت آیت‌الله سید علی محقق داماد و آقایان و بزرگان دیگر که در مرحله ابتدایی کار از جمله تایپ و صفحه‌آرایی هستیم. ان شاء الله بتوانیم آنها را کامل و ارائه کنیم.

تألیفات حاج آقا مصطفی تاکنون در چند جلد چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است؟

تألیفات حاج آقا مصطفی که به صورت پراکنده بود توسط مؤسسه جمع‌آوری و در دوازده عنوان و در بیست و هشت جلد به صورت منظم چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

لازم است اشاره کنم با همت و پیگیری‌های آیت‌الله سید حسن خمینی، تولید مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تألیفات حاج آقا سید مصطفی خمینی (رحمت

دفتر قم موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در چه سالی و با چه هدفی در قم تأسیس شد؟

نماینده‌ی موسسه و تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) در قم در سال ۱۳۷۰ با نظر و دستور یادگار حضرت امام خمینی، تأسیس شد. هدف اساسی از تأسیس این نمایندگی تصحیح، تحقیق و عرضه تألیفات حوزوی حضرت امام و تقریرات دروس و شروح تدوین شده بر کتب آن حضرت بوده است که الحمدلله در این سال‌ها تلاش‌های خوبی صورت گرفته و کارهای خوبی ارائه شده است که جای تقدیر دارد. در ابتدای کلام لازم می‌دانم از مدیران قبلی این نمایندگی که زحمات بسیاری را متحمل شدند یاد کنم و از همه آنها تقدیر و تشکر کنم. اینکه امروز ما کارنامه سی ساله مؤسسه را ارائه می‌کنیم و ادعای می‌کنیم کارنامه مؤسسه بدون تردید حاصل تلاش همه مدیران و همه همکاران مجموعه است. عده‌ای به عنوان پژوهشگر و محقق در این مؤسسه فعالیت کرده و تلاش کردند که لازم است از تلاش همه این عزیزان تشکر و قدردانی نمایم. اولین مأموریتی که در سال ۱۳۷۰ به نمایندگی مؤسسه در قم داده شد؛ جمع‌آوری آثار حضرت امام بود. تا آن زمان آثار امام به صورت پراکنده بود و جمع‌آوری منظمی نداشت. از ابتدای کار، آثار امام جمع‌آوری شد و امروز که من در خدمت شما هستم بیست و هفت عنوان از آثار امام در پنجاه جلد با عنوان «موسوعة» چاپ و در معرض استفاده همه مخاطبین قرار گرفته است.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در زمینه جمع‌آوری و چاپ تقریرات دروس امام خمینی چه اقداماتی انجام داده است؟

جدای از تألیفات حضرت امام که پنجاه جلد است، تقریرات دروس امام نیز چاپ شده است. تقریرات

مبانی فقهی حضرت امام در مورد نقش زمان و مکان در اجتهاد و اندیشه حکومت اسلامی امام اشاره کنم. کنگره‌ای تحت عنوان «تحریر الوسیلة» داشتیم که جایگاه خاص خود را داشت. مقالات بسیاری به این کنگره‌ها رسیده و چاپ شده است. موضوع جدیدی که در این نشست‌ها دنبال می‌شود تبیین مکتب امام خمینی است؛ زیرا اعتقاد ما بر آن است که امام در حوزه‌هایی که ورود کرده‌اند صاحب اندیشه و مکتب هستند و نوآوری داشتند. در حوزه فقه و مباحث فقهی امام نواندیشی داشتند و مبانی تازه‌ای را در حوزه اصول و فلسفه و عرفان بیان کردند. اتفاقاتی که در حوزه عرفان عملی به وسیله حضرت امام رقم خورده است در این سالها از سوی سایر علمای عرفان و بزرگان عرفانی در این عرصه کم بوده است. می‌خواهم بگویم امام تأثیرگذار بودند و ان شاء الله بناداریم این نشست‌ها در راستای تبیین مکتب امام خمینی تداوم داشته باشد و به مسائل فقهی، اصولی، فلسفی، اخلاقی، سیاسی و از این مسائل پرداخته شود. ان شاء الله در آینده با تداوم این نشست‌ها بنا داریم آنها را به عنوان یک پروسه پژوهشی و تحقیقی تبیین کنیم تا بتوانیم شاخصه‌هایی که مکتب امام در حوزه‌های مختلف داشته است را شناسایی و معرفی کنیم و اگر چنین نکنیم یقیناً در حق امام جفا کرده‌ایم. امام در حوزه علمیه قم و نجف که بودند در مباحث علمی صاحب اندیشه و نوآوری بودند که حتماً باید به اشکال مختلف تبیین و جمع‌آوری بشود و این نیز از نکاتی است که باید توجه کرد.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تاکنون اقدام به برگزاری چه دوره‌های آموزشی نموده است و محتوای دوره‌های آموزش مجازی چیست؟

یکی از کارهایی که توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام صورت گرفته در حوزه آموزش بوده است. ما بیش از دو هزار فارغ التحصیل داریم که به شکل کوتاه مدت، شش ماهه اندیشه امام را آموخته و در کلاس‌های ما شرکت کردند یا به صورت بلندمدت که یک طرح دو ساله بود یا مبانی اندیشه امام در موضوعات مختلف آشنا شدند. به واسطه بحث آموزش، دوستان سرفصل‌های آموزش را رصد کرده و منابع آموزشی را به عنوان درسنامه تولید کردند که گنجینه بسیار خوبی است. این درسنامه‌ها برای خود مؤسسه و مراکز علمی مثل حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها قابل استفاده است زیرا تخصصی هستند و اساتید مشهوری اقدام به جمع‌آوری آنها نموده‌اند و در این راستا زحمات بسیاری کشیده شده است. این درسنامه‌ها وجود دارد و ما می‌توانیم آنها را در اختیار همه مراکز آموزشی قرار دهیم.

مؤسسه قم در حوزه آموزش مجازی نیز در سال‌های اخیر ورود پیدا کرده است. البته دوره‌های آموزش مجازی در حال حاضر به صورت محدود برگزار می‌شود و ما بنا داریم آن را توسعه دهیم. ارتباطاتی که این مؤسسه با مراکز آموزشی دارد نیز قابل توجه است.

این مؤسسه در راستای ارتباط با مراکز فرهنگی، علمی و تحقیقاتی چه فعالیت‌هایی داشته است؟

در جایی که پژوهش یا آموزشی اتفاق می‌افتد حتماً در کنار آن رسانه و فرهنگ و ارتباطات باید حضور داشته باشد تا بتواند پیام خود را به جامعه و مخاطبان برساند و به شکلی ارتباط بین مجموعه مؤسسه و

مخاطبین باید برقرار باشد. لذا در حوزه ارتباطات مؤسسه قدم‌های خوبی برداشته است. ما در زمینه ارتباط با مراکز فرهنگی و مراکز هنری و در راستای تولیدات فرهنگی و هنری در حوزه رسانه به خصوص فضای مجازی فعالیت می‌کنیم چون اعتقاد داریم لازم است در این حوزه حضور و تولیداتی داشته باشیم؛ لذا گروهی از جوانانی که در این حوزه صاحب نام هستند و تجربیاتی دارند شروع به کار کرده و ان شاء الله بتوانیم در آینده‌ای نزدیک از محصولاتشان رونمایی و بهره‌برداری کنیم. این نکته‌ای است که مجموعه ما به آن توجه دارد.

ما تا به حال بیشتر کارهای پژوهشی انجام می‌دادیم ولی الان حوزه ترویج را مد نظر داریم لذا کارهای ترویجی حتماً باید اتفاق بیفتد و ارتباطات با مراکز مختلف باید برقرار شود. با آموزش و پرورش و بعضی از مدارس و دانشگاه‌ها ارتباط داریم. دانشجویان در مؤسسه حضور پیدا کرده و یک روز با امام و بیت امام می‌گذرانند و از کتابخانه تخصصی ما بازدید می‌کنند، این ارتباطات می‌تواند تداوم داشته باشد و بیشتر شود و قاعدتاً مؤثر خواهد بود.

در باره اهداف برگزاری نمایشگاه «حضور صد ساله خورشید» توضیح بفرمایید.

این نمایشگاه به مناسبت یکصدمین سالگرد ورود حضرت امام به شهر قم و در آستانه سی و سومین سالگرد بزرگداشت حضرت امام در قم برگزار می‌شود و اتفاق بسیار خوبی است که جای آن در این سال‌ها خالی بود. مردم می‌توانند از طریق این نمایشگاه با عملکرد، دستاوردها و توانمندی‌های مؤسسه آشنا شوند. ضمن آشنایی گروه‌های مختلف نخبگان و فرهیختگان و حتی مجموعه‌ها با مؤسسه و توانمندی‌های آن زمینه برای ایجاد

کانال دو طرفه ارتباطات فراهم خواهد شد. در این نمایشگاه حضور بعضی از مجموعه‌ها و انجمن‌های بعضی تفاهم‌نامه‌ها را شاهد بودیم. این تفاهم‌نامه‌ها، مسیر را در راستای همکاری‌های بیشتر هموار خواهد کرد.

ما در قم بیت حضرت امام را داریم. بیت حضرت امام در راستای ترویج اندیشه حضرت امام جایگاه خاصی دارد. در دیداری که با مدیر کل گردشگری و دیگر مجموعه‌ها داشتیم همگی اذعان داشتند بعد از اماکن مقدس قم یعنی حرم بی بی دو عالم حضرت معصومه و جمکران بیشترین مراجعه‌کنندگان ما به بیت امام هستند. لذا ما باید با توجه و عنایت خاص برای این بیت و زائرینی که برای زیارت به قم می‌آیند برنامه‌ریزی داشته باشیم. خیلی‌ها که از کشورهای اسلامی به قم می‌آیند در دیوار بیت امام را می‌بوسند و آنجا را زیارت می‌کنند. در بیت امام نماز می‌خوانند. مردم با چنین دیدی به بیت امام مراجعه می‌کنند، لذا باید در جهت محتوای ترویجی اقدامات بیشتری انجام دهیم. در این راستا در حال آماده‌سازی بسته‌های فرهنگی هستیم تا آنها را در اختیار زائرین قرار دهیم تا زائران با یک شناخت نسبی از امام از آنجا خارج شود. برنامه‌های مختلف برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است، بسیاری از مدارس جشن تکلیف خود را در آنجا برگزار می‌کنند. خوشبختانه فعالیت‌ها بعد از کرونا افزایش داشته است و ان شاء الله بتوانیم با کمک همه دلسوزان، قدم‌های مفید و مؤثری در جهت ترویج اندیشه حضرت امام برداریم.

اهم فعالیت‌ها و برنامه‌های این مؤسسه برای آینده چیست؟

کلیت بحث پژوهش و در کنار آن ترویج است. قبلاً در قم به پژوهش پرداخته می‌شد. سیاست کلی و کلان مؤسسه یعنی ترویج امام و ترویج اندیشه امام پروسه عظیمی است و راهکارهای جدیدی را می‌طلبد، بنابراین همانند گذشته در حوزه پژوهش فعال هستیم، دوستان روی موضوعات مختلف کار می‌کنند. یک شورای پژوهشی داریم که در آنجا طرح‌های پژوهشی مطرح و طرح‌هایی که قابلیت و تأثیرگذاری دارند انتخاب می‌شود. لذا در بحث پژوهش با قدرت ورود پیدا کرده‌ایم. بحث آموزش مدتی کم‌رنگ شده بود الان مصرّ هستیم بحث آموزش حتماً پررنگ تر شود و آن را با جدیت بیشتر دنبال می‌کنیم. به دنبال آن هستیم تا موافقت مدیران حوزه را به دست بیاوریم که یک رشته تخصصی و موضوعی با عنوان امام داشته باشیم و ان شاء الله در شورای عالی نیز تأیید شود. حوزه علمیه خواران و جامعه الزهرا را پیگیر هستیم. در حوزه آموزش و در حوزه آموزش همگانی سمت و سوی کار ما و نشانه‌گذاری ما به سمت آموزش مجازی است. ان شاء الله بتوانیم در این حوزه گام‌های مؤثری برداریم به ویژه که جامعه تشنه چنین موضوعی است. اگر در حوزه آموزش مجازی ورود پیدا کنیم و امکانات متناسب را مهیا کنیم یقیناً جامعه از آن استقبال خواهد کرد. لذا بحث آموزش بسیار مهم است. استفاده از زبان فرهنگ و هنر در ترویج نیز قاعدتاً کارساز خواهد بود و ان شاء الله در این راستا با برنامه‌ریزی به جلو حرکت خواهیم کرد.

یکی از کارهایی که توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام صورت گرفته در حوزه آموزش بوده است. ما بیش از دو هزار فارغ التحصیل داریم که به شکل کوتاه مدت، شش ماهه اندیشه امام را آموخته و در کلاس‌های ما شرکت کردند یا به صورت بلندمدت که یک طرح دو ساله بود یا مبانی اندیشه امام در موضوعات مختلف آشنا شدند. به واسطه بحث آموزش، دوستان سرفصل‌های آموزش را رصد کرده و منابع آموزشی را به عنوان درسنامه تولید کردند که گنجینه بسیار خوبی است. این درسنامه‌ها برای خود مؤسسه و مراکز علمی مثل حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها قابل استفاده است زیرا تخصصی هستند و اساتید مشهوری اقدام به جمع‌آوری آنها نموده‌اند و در این راستا زحمات بسیاری کشیده شده است. این درسنامه‌ها وجود دارد و ما می‌توانیم آنها را در اختیار همه مراکز آموزشی قرار دهیم

حسن پویا:

عظمت علمی امام مغفول مانده است



Photo: Mahmood

حجت الاسلام والمسلمین حسن پویا معاون پژوهشی
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی دفتر قم و مدیر
«نمایشگاه حضور صد ساله خورشید» از اهداف، برنامه‌ها
و محتویات نمایشگاه و تعداد غرفه‌های آن سخن گفت و
عملکرد آن را مورد بحث و بررسی قرار داد.

حوزویان مغفول مانده است برگزار شد. من گاهی که در دانشگاه تدریس می‌کردم از دانشجویانی که در سطح دکترا بودند درباره تفسیر امام سؤال می‌کردم که آیا امام راجع به قرآن مطلبی دارند؟ دانشجویانی که در سطح دکترا بودند اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. وقتی می‌گفتم ده پایان‌نامه قرآنی برای امام نوشته شده تعجب می‌کردند. کتاب «تفسیر و شواهد قرآنی» حدود ۱۵۰۰-۱۶۰۰ صفحه و راجع به حرف‌های قرآنی امام است. کتاب «تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام» در پنج جلد از جمله کارهای قرآنی حضرت امام است. امیدوارم این نمایشگاه بتواند این خلأ را در بخش‌هایی حداقل جبران کند.

در برگزاری نمایشگاه اولویت‌ها به چه بخش‌هایی داده شده است و ترکیب نمایشگاه و ساز و کار غرفه‌ها چگونه طراحی شد؟

طراحی هنری توسط افراد کارشناس صورت گرفت و پیش از نمایشگاه ماکت‌های آن را دیدیم. کار عظیم مؤسسه در بخش پژوهش است و کارهای آموزشی و هنری در مراحل بعدی قرار دارند. کار عظیم مؤسسه کارهای پژوهشی است و نمایندگی قم در راستای پژوهش در آثار امام تشکیل شده است. بر این اساس قرار شد به بخش پژوهش اهتمام بیشتری شود. اما این بدان معنا نیست که بخش‌های دیگر مغفول مانده یا کوتاهی شده است. خیر این گونه نبود. ما از بخش پژوهش آغاز کردیم. مجموعه آثار امام که پنجاه جلد است و تقریرات ایشان که اگر همگی آنها چاپ شود شصت جلد خواهد بود و نمونه‌های خطی آن را در نمایشگاه در معرض دید قرار دادیم. همچنین شروح آثار فقهی، فلسفی و اصولی و عرفان امام در این نمایشگاه ارائه شده است.

در نمایشگاه به معرفی کتابخانه تخصصی مؤسسه که

آیا برگزاری نمایشگاه در قم دلایل دیگری نیز داشت؟

بله، برگزاری نمایشگاه در قم دلایل دیگری نیز داشت. حوزه خاستگاه همه علماء، فضلاء و مراجع بزرگ است و بیشترین ترویج جنبه علمی، فقهی، و اصولی امام باید در حوزه صورت بگیرد. در مراکز عمومی کتاب‌های خاص امام مثل چهل حدیث و آداب الصلاه به نمایش گذاشته شده و مابه کتاب‌هایی مثل سر الصلاه و شرح دعای سحر که فهم آن بسیار دشوار است کاری نداریم. لازمه این کار بود که این نمایشگاه در حوزه برگزار شود و حوزویان با آن آشنا شوند. الحمدلله با تلاش‌هایی که همه دوستان و همه مجموعه و به ویژه همکاران ما در قم انجام دادند این نمایشگاه برگزار شد. مراسم افتتاحیه نمایشگاه با حضور مدیر حوزه علمیه، امام جمعه قم و نماینده مجلس خبرگان، آیت‌الله مقتدایی و برخی از آیات و مدرسین برگزار شد. حضور این عزیزان در مراسم افتتاحیه به این نمایشگاه عظمت داد. به نظر من کسانی که به دلایلی خاص از نمایشگاه دیدن نکردند ضرر کردند. این جا صحبت از شخص و مؤسسه نیست. صحبت از امام است. چه کسی می‌تواند بگوید امام نقش نداشته است یا چه کسی می‌تواند بگوید آنچه که وجود دارد منشأ آن امام نیست؟ این هم گلایه کوچکی بود که عرض کردم. این دلایل باعث شد که این نمایشگاه در قم برگزار شود و الحمدلله این نمایشگاه در سالنی مناسب، تمیز و فضایی شایسته برگزار شد. دوستان و عزیزانی که از موزه دفاع مقدس برای بازدید تشریف آورده بودند اظهار می‌داشتند این نمایشگاه باید در موزه دفاع مقدس برگزار می‌شد. ان شاء الله در سال‌های آینده در زمینه برگزاری نمایشگاه در جاهای دیگر نیز تصمیم‌گیری خواهد شد.

به هر حال این نمایشگاه بنا به دلایلی که عرض کردم و همچنین تأکید بر عظمت علمی امام که حتی در میان

لطفاً درباره اهداف و انگیزه‌های برگزاری نمایشگاه «حضور صدساله خورشید» توضیح دهید.

از اواخر سال گذشته صحبت‌هایی شد که ما چگونه می‌توانیم آنچه را که مؤسسه تا به امروزه در مجموع - و نه فقط در قم - انجام داده به منصف ظهور برسانیم تا مردم ببینند و باخبر شوند؛ زیرا مؤسسه فعالیت‌های زیادی داشته است و اینکه من اینجا باشم یا نباشم مهم نیست. مهم آن است که چه کارهایی تا الان صورت گرفته است. متأسفانه در طول همه این سال‌ها در زمینه تبلیغات و ترویج این کارها کوتاهی شده است. یادم هست در سال ۹۲ که ما اقدام به برگزاری نمایشگاه تحریر الوسیله در فیضیه نمودیم و اصل تحریر الوسیله و شروح و تعلیقات زده شده بر این کتاب ارزشمند را به نمایش گذاشتیم. کثرت شروح و تعلیقات نگارش شده بر کتاب تحریر الوسیله تعجب بزرگان حوزه از جمله آیت‌الله فاضل و آیت‌الله صالحی مازندرانی را به دنبال داشت. این کوتاهی واقعا باید در طی این سالها جبران می‌شد. یادم هست حتی آیت‌الله صالحی مازندرانی رحمت الله علیه به مؤسسه تشریف آوردند و گفتند من شخصا به اینجا آمده‌ام تا از شما تشکر کنم که این کار را انجام دادید.

در متن حوزه نیاز هست امام معرفی شود. ترویج سیاسی بودن امام و غربت امام در حوزه باید رفع شود که با کارهای این چنینی امکان‌پذیر است. به دنبال همین مسائل ما تصمیم به برگزاری نمایشگاه گرفتیم و تأکید داشتیم که حتماً این نمایشگاه در قم برگزار شود که مهد ظهور و بروز امام است و بهترین زمان برگزاری نمایشگاه سال ۱۴۰۱ است که مصادف با یک‌صدمین سال ورود امام راحل به قم است؛ امام خمینی (ره) بیشتر عمر خود را در قم گذرانده است و در حالی که اهل خمین بودند خود را قمی می‌دانستند.

تنها کتابخانه شخص محور در ایران است پرداخته شده است. البته ما کتابخانه امام علی در مشهد و کتابخانه‌های تخصصی عنوانی مانند فقه و اصول، فلسفه و کلام و تاریخ را در قم داریم که به زحمت آیت‌الله سیستانی تأسیس شده است. این کتابخانه شخص محور راجع به امام است که ۲۵۰۰ نسخه کتاب و پایان‌نامه، مقاله و امثال آن درباره امام در آن وجود دارد.

یکی از سیاست‌های مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، برگزاری همایش‌ها و کنگره‌هاست. هدف از برگزاری این همایش‌ها و کنگره‌ها چیست؟

یکی از کارهایی که مؤسسه در طول این سالها انجام داده برگزاری همایش‌ها و کنگره‌ها بوده است. کنگره داخلی، بین‌المللی و نشست‌های علمی محدود در قم توسط مؤسسه برگزار شده که خروجی‌های خوبی داشته است. اخیراً مکتب امام خمینی که به آن کمتر توجه شده یا نشده در قم را آغاز کردیم. امیدواریم که ادامه پیدا کند و این مکتب تبیین شود. به تقویت این بخش‌ها پرداختیم و آثار فراوانی که بیش از صد جلد است را به نمایش گذاشتیم.

مجموعه در بخش آموزش اقدام به برگزاری چه کلاس‌هایی نموده است؟

مجموعه در بخش فرهنگی چه در قم و چه در جاهای دیگر کارهای زیادی را انجام داده است. در بخش آموزش اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی بسیاری در زمینه فلسفه، قرآن، تفسیر، تاریخ، تاریخ انقلاب و وصیت‌نامه امام در قم کردیم، البته در کنار آن به آموزش مجازی نیز توجه شده است. یادداشت‌ها و مقالات کوتاه و بلندی که در سایت و فضاهای مجازی منتشر شده است را برای اولین بار در اینجا به نمایش گذاشتیم و آنها را به صورت مکتوب ارائه دادیم.

در امور فرهنگی و هنری چه کارهایی انجام شده است؟

در امور فرهنگی و هنری هم کارهای خوبی انجام شده است. عمده کارهای هنری در اصفهان انجام شده چون رسالت آنها در این زمینه بوده است. کارهای هنری بسیار فاخر و زیبایی به این نمایشگاه رسیده است. بیان احساس نسلی که امام را دیده یا ندیده در تابلو و نقاشی و خطاطی است. البته در تهران نیز کارهای زیادی صورت گرفت. تابلوهای زیادی که در نمایشگاه می‌بینید همه کارهای هنری است که افراد با علاقه شخصی خود انجام داده‌اند.

یکی از بخش‌های مهم این نمایشگاه معرفی سازمان رسانه‌ای مؤسسه است که فعالیت‌های موثری در ترویج نام و سیره حضرت امام در سطح رسانه‌ای بر عهده دارند.

در بخش رسانه؛ پرتال امام خمینی، حریم امام، جماران و امثال آن هر کدام در بخش خودشان الحمدلله موفق بودند. البته کار بشری بی‌نقص نیست ولی هر کدام در زمینه خودشان تا حدودی موفق بودند. جماران یک سایت خبری است و نباید توقع داشته باشیم که کار علمی انجام دهد. پرتال یک سایت علمی است و نباید توقع داشت کار خبری انجام دهد. سایت قم هم همین طور. هر کدام در یک زمینه ضعیف و در زمینه دیگر قوی هستند.

لطفاً به فعالیت‌های پژوهش‌کننده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی در زمینه پژوهش در جوانب مختلف حیات و اندیشه امام و معرفی دیدگاه‌های ایشان و انقلاب اسلامی ایران بپردازید.

پژوهش‌کننده امام خمینی و انقلاب اسلامی بخشی است که وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) بوده و هست. این پژوهش‌کننده در امور آکادمیک و

دانشگاهی فعالیت دارد و از پایان‌نامه‌های دانشجویی حمایت می‌کند. افراد علمی و گروه‌های علمی بسیاری سال‌ها در این پژوهش‌کننده کار کرده‌اند از جمله عروس حضرت امام و دیگر اساتید مثل آیت‌الله سیدمحمد بنجوردی که واقعا استوانه کارهای علمی در پژوهش‌کننده هستند. پایان‌نامه‌های فراوانی در اندیشه امام نوشته شده که آمار آن مشخص است.

یک غرفه خاص جهت نمایش وسایل شخصی حضرت امام و یادگار ایشان در نمایشگاه برپا شده است.

بله، بخش کوچکی از وسایل شخصی امام برای اولین بار است که در معرض دید عموم قرار گرفته و مردم می‌توانند این آثار را از نزدیک ببینند و لمس کنند. این اقدام ذوق و شوق بسیاری در مردم ایجاد کرده است. همه افراد و به ویژه کسانی که امام را ندیدند با دیدن عبا، پتو یا شال گردن امام آنچنان ذوق‌زده می‌شوند که دوست دارند این وسایل را ببوسند. این مختصر بودن، جمع و جور بودن و تمیزی وسایل یکی از گوشه‌های مغفول زندگی امام است. یادم هست در اوایل انقلاب یکی از پزشکان متخصص برایم تعریف می‌کرد: دستمالی که امام با آن اشک‌های خود را پاک می‌کردند با دستمالی که صورتشان را تمیز می‌کردند فرق دارد پس این آدم یک آدم حسابی است. مردم با دیدن وسایل مختصر امام ذوق‌زده می‌شوند و از اینکه وسایل امام به این خوبی نگهداری شده است تعجب می‌کنند و می‌گویند کاش می‌شد این وسایل را تکثیر کرد. این وسایل در موزه جماران نگهداری می‌شود. این کار برای اولین بار در این نمایشگاه انجام گرفت.

آیا مؤسسه در بحث معرفی مکان‌هایی که حضرت امام خمینی (ره) در آن‌ها زندگانی کرده‌اند کتابی چاپ کرده است؟

در بخش اماکن، هفت یا هشت جا هست که مردم نسبت به آن خیلی بی‌اطلاع هستند و ما کتابی در این زمینه تحت عنوان هفت اقلیم نوشتیم. در این کتاب به معرفی کامل و دقیق تمامی اماکن و مناطقی که حضرت امام خمینی (ره) در آن‌ها اقامت داشته یا به نوعی مرتبط با ایشان بوده‌اند، پرداخته شده و همچنین خاطرات و حوادث آن اماکن نیز خلاصه‌وار ذکر گردیده است. البته مطالعه کتاب زمان‌بر هست و بنا بود از خانه‌های امام، مقابر خاندان امام عکس تهیه و در نمایشگاه در معرض دید قرار داده شود که متأسفانه دیر اقدام شد.

منشورات و مکتوبات و مجلات منتشر شده توسط مؤسسه از جمله اقلامی است که در نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفته و با تخفیف خیلی زیادی ارائه می‌شود.

حضور هفته‌نامه حریم امام در این نماشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هفته‌نامه حریم امام هر چند جزو منشورات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی نیست اما کاری است که در حوزه جا افتاده است. علامه حکیمی هفته‌نامه حریم امام را مطالعه می‌کردند و آن را یک کار حوزوی می‌دانستند. البته ممکن است برخی از افراد نسبت به فلان مصاحبه اعتراضاتی داشته باشند که این اختلاف سلیقه است. به هر حال نمی‌توان بر کاری که صورت نگرفته اشکال گرفت. در کاری که انجام می‌شود اشکال به وجود می‌آید. اما انصافاً زحمات زیادی در این نشریه کشیده می‌شود.

من سال‌ها در کار نشریه فعالیت داشتم؛ به خوبی می‌دانم فراهم کردن یک نشریه خیلی مشکل است. آماده کردن یک نشریه آن هم چهار رنگ با مصاحبه و عکس واقعا کار پرهزحمتی است. کسانی که در حوزه رسانه و نشریه

فعالیت می‌کنند می‌دانند این کار چه زحماتی دارد. ما می‌خواستیم یک فصلنامه بدهیم باید کلی تلاش می‌کردیم تا این کار به ثمر بنشیند. هفته‌نامه حریم امام از کارهای بسیار خوب است که الحمدلله در میان حوزویان جایگاه مناسبی دارد. نشریه حضور از نشریات خوب بود. نشریه متین پژوهش‌کننده نشریه بسیار عالی است. مجله «دوست» از محصولات فرهنگی مؤسسه است که در گذشته برای خردسالان، کودکان و نوجوانان محتوا تولید می‌کرد، ولی با توجه به افزایش قیمت کاغذ در حال حاضر این محصول فقط برای خردسالان محتوا تولید می‌کند. ولی قرار شده هفته‌ای یا دو هفته‌ای یک بار منتشر شود.

بازدید بیوت، علماء و بزرگان چگونه بود؟

ما علاقمند بودیم حوزویان، بیوت و مراکز و مدارس علمی اهتمام بیشتری نشان می‌دادند که به دلایل همزمانی نمایشگاه با امتحانات حوزه و غیر حوزه آن اهتمام را شاهد نبودیم. اما در عین حال برخی نمایندگان برخی از بیوت و مراجع در جلسات افتتاحیه شرکت کردند و از نمایشگاه بازدید کردند و از کارهایی که در نمایشگاه انجام شده به وجد آمدند. برای مؤسسه افتخاری است که مراجع بزرگ اهتمام بورزند و نمایندگان خود را بفرستند که از نمایشگاه بازدید کنند.

مراسم افتتاحیه نمایشگاه چگونه بود؟

دوستان و همکاران ما در بخش کمیته مدعوین تلاش زیادی کردند. می‌توانم بگویم از حوزویان جایی نبوده است که مادعوت نکرده باشیم. آیت‌الله حسینی بوشهری لطف کردند و در افتتاحیه صحبت کردند. سخنرانی ایشان برای ما و برای مجموعه مناسب بود و برای ایشان به عنوان رئیس شورا عالی حوزه افتخاری بود که راجع به امام صحبت کنند. آیت‌الله حسینی بوشهری در جمعی به نام امام بسیار عالی صحبت کردند. آیت‌الله العظمی جوادی آملی پیام تصویری دادند. این خیلی برای ما ارزشمند است و اشک ما را جاری ساخت که اولاً ایشان قبول کردند و پیام بسیار زیبایی دادند.

بدون هیچ مبالغه‌ای عرض می‌کنم پیام آیت‌الله جوادی آملی به افتتاحیه عظمت داد. کسی نمی‌تواند منکر شود که پیام آیت‌الله جوادی چه تأثیر مهمی داشت. برنامه‌های دیگری در مراسم افتتاحیه داشتیم دو سه کلیپ از کارهای مؤسسه آماده شده بود که با استقبال خوبی مواجه شد به خصوص آن کلیپ آخری که سه دقیقه بیشتر نبود ولی به صورت فهرست‌وار و تاریخی تصویر ورود امام به قم، ورود امام به اراک، اولین تألیف امام، اولین تدریس امام، اولین استاد عرفان امام؛ آیت‌الله شاه‌آبادی را نمایش داد.

غرفه کودکان و نوجوانان از دیگر بخش‌های نمایشگاه است. با چه هدفی این غرفه راه‌اندازی شد؟

یکی از جذابیت‌های نمایشگاه‌ها فراهم‌سازی زمینه حضور کودکان است. یک غرفه برای جذب کودکان و خردسالان و آشنایی آنها با امام در نظر گرفته شده است. مجری خوبی که از شاگردان مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین راستگو هستند این غرفه را اداره می‌کرد. بچه‌ها در این غرفه داستانی می‌شنوند یا شعری می‌خوانند و به آنها یادکنکی داده می‌شود. امام خمینی امام بچه‌ها نیز بودند. ایشان نامه‌های بچه‌ها را می‌خواندند و جواب می‌دادند و خودشان را پدر همه بچه‌ها می‌دانستند. این افتخاری برای ماست که امام ما این قدر نسبت به کودکان مهربان و رؤوف بودند و همه بچه‌ها را بچه‌های خودشان می‌دانستند. امام پیام‌های تربیتی بسیاری برای بچه‌ها و دانش‌آموزان داشتند.

مهدی بنکدار:

یکی از بزرگترین دستاوردهای نمایندگی راهاندازی دوره‌های آشنایی با سیره و اندیشه امام خمینی است



آقای مهدی بنکدار مدیر موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (نماینده اصفهان) با اشاره به دستاوردها و فعالیت‌های آن نمایندگی در سال‌های گذشته از برنامه‌های آینده در دفتر اصفهان سخن به میان آورد.

۱۳- برگزاری بیش از ۳۰۰ وورک شاپ [مغازه کار] تخصصی فیلمسازی؛
۱۴- برگزاری کارگاه‌های تخصصی فیلمسازی، مستند، داستانی، اصول بازیگری، فیلمنامه‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی، عکاسی با رویکرد به اندیشه‌های حضرت امام خمینی (س)؛
۱۵- گروه فیلمسازی مؤسسه تا به حال بیش از ۵۶۰۰ نفر عضو فعال داشته که عده‌ای از این عزیزان در حال حاضر به عنوان هنرمند ملی در بدنه سینمای کشور مشغول به کار می‌باشند؛
۱۶- تولیدات بیش از ده‌ها فیلم داستانی و مستند که شاخص‌ترین آنها فیلم مستند «با او در مسیر بندگی»، «راه بیداری»، «آرامشی برای تو»، «قلم»، «بورسا»، «هجران»، «لبخند بر گل»، «پا به پای آفتاب» است؛
۱۷- تولید و اجرای (تئاتر) بیش از ده‌ها نمایش نامه و تئاتر حرفه‌ای تولید و اجرای عموم گردید که شاخص‌ترین آنها «تپه افلاک»، «نگین»، «شیران پرده»، «رنگ فرار»، «در سوگ آفتاب» می‌باشد؛
۱۸- جمع‌آوری خاطرات با نوار کاست از حدود ۳۰۰ نفر از مبارزان انقلاب اسلامی با میانگین هر نفر ۱۰ ساعت؛
۱۹- برگزاری همایش ادبی عروج، هفته دوره؛
۲۰- برگزاری همایش ادبی بهمن، پانزده دوره؛
۲۱- برگزاری همایش ادبی رسول صبح، یازده دوره؛
با توجه به اینکه از مهمترین اهداف مؤسسه نمایندگی اصفهان خلق آثار هنری با هدف ماندگار نمودن اندیشه امام خمینی است لطفاً بفرمایید در چه رشته‌هایی و چه تعداد اثر هنری به تفکیک در این راستا خلق شده است؟
رشته‌های هنری که آثاری از آن در آرشیو موجود می‌باشد شامل موارد ذیل است:
الف) خوشنویسی با خطوط مختلف اعم از: نستعلیق، شکسته، ثلث، معلا، کوفی و شکسته نستعلیق؛
ب) نقاشی در گرایش‌های مختلف اعم از نقاشی با

۱- تولید بیش از ۵۰۰ اثر هنری از هنرمندان شاخص استان و کشور؛
۲- برگزاری هفت دوره کارگاه هنری مهر در سطح استانی و ملی با بیش از ۳۵۰ هنرمند و خلق همین تعداد اثر در رشته‌های مختلف؛
۳- گردآوری بانک اطلاعاتی هنرمندان استان؛
۴- راه‌اندازی اولین سامانه اطلاع‌رسانی مؤسسه در سال ۱۳۸۳ با بودجه استانی و جذب بیش از ۶ میلیون مخاطب ظرف ۳ سال اول؛
۵- برگزاری اولین دوره کارگاه هنری مهر به صورت تمام مجازی در سال ۱۳۸۸؛
۶- حمایت از تعداد محدودی هنرمند شاخص و تولید آثار فاخر بین‌المللی از آنان از جمله مرحوم استاد فضایی (استاد خوش‌نویس بین‌المللی)، استاد توکلی (سوخ و معرق کار)، مرحوم استاد امامی (نقاش خالق مکتب نور)، مرحوم استاد معین‌الکتاب (استاد برتر خوشنویسی کشور)؛
۷- گردهمایی و نشست‌های هم‌اندیشی هنرمندان و فعالان فرهنگی استان اصفهان به صورت سالیانه؛
۸- راه‌اندازی سامانه آموزش مجازی در استان اصفهان برای اولین بار در کشور با گرایش ترویج اندیشه امام خمینی (س) در سال ۸۹-۱۳۸۸؛
۹- تولید دو درس از اندیشه‌های امام خمینی (س) و برگزاری دو دوره ملی آموزش مجازی اندیشه امام خمینی (س) و آموزش بیش از ده هزار نفر در کشور با استادی خانم دکتر طباطبایی؛
۱۰- برگزاری دهها نمایشگاه آثار هنری با گرایش‌ها و فعالیت‌های مختلف در محل نگارستان و خارج از آن طی دو دهه؛
۱۱- دوره همایش فیلمسازان جوان استان اصفهان با رویکرد اندیشه‌های حضرت امام خمینی (س)؛
۱۲- طراحی و پایه‌گذاری جشنواره فیلم و فیلمنامه آئینه و آفتاب (۵ دوره که ۲ دوره به صورت استانی و ۳ دوره به صورت ملی برگزار گردید)؛

لطفاً در ابتدا به نحوه تأسیس مؤسسه نمایندگی اصفهان و ساختمان نگارستان امام خمینی اشاره بفرمایید.

با توجه به نقش مردم اصفهان در تشکیل، حفظ و تداوم جمهوری اسلامی و علاقمندی شهروندان دارالمومنین اصفهان به حضرت امام خمینی (س) و پایگاه رفیع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایشان به پیشنهاد جمعی از یاران حضرت امام و موافقت یادگار گرامی ایشان مرحوم حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی (ره) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) نمایندگی اصفهان در آذر ماه سال ۱۳۷۳ آغاز به کار نمود.

همچنین با مساعدت مسئولین محترم وقت استان، استاندار محترم جناب آقای جهانگیری، شهردار مهندس عظیمیان و نماینده ولی فقیه حضرت آیت‌الله طاهری ساختمان نیمه تمام گالری هنر متعلق به شهرداری اصفهان به مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س) اصفهان واگذار و با سرمایه مؤسسه تکمیل و به صورت یک مرکز فرهنگی-هنری با ارائه آثاری از حضرت امام خمینی (س) و آثاری از هنرمندان برتر اصفهان و دیگر نقاط کشور در زمینه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۵ و با حضور یادگار حضرت امام خمینی (س) آیت‌الله حاج سید حسن خمینی و نماینده ولی فقیه حضرت آیت‌الله طاهری و مسئولین شهر، استاندار محترم جناب آقای جهانگیری، شهردار مهندس عظیمیان و... مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

لطفاً گزارشی فهرست‌وار از دو دهه فعالیت تخصصی مؤسسه در عرصه فرهنگی و هنری ارائه دهید.

طی دو دهه فعالیت و اهتمام ویژه کلیه مدیران قبلی و همکاران پر تلاش و کاربلد نمایندگی اصفهان دستاوردهای بزرگی محقق شده است که به صورت فهرست‌وار تقدیم می‌دارم:

آبرنگ، نگارگری، نقاشی خط، رنگ روغن، سیاه قلم، کلاژ و تذهیب؛

(ج) حجم، (د) معرق، (ه) سوخت، (و) مینا، (ز) مشبک کاری، (ح) مجسمه سازی، (ط) کاشی کاری و (ی) قلم زنی؛

در حال حاضر تعداد ۴۸۷ اثر هنری در آرشیو مؤسسه نمایندگی اصفهان نگهداری می‌گردد و افتخار است آثاری خلق شده که قدرت رقابت با آثار فاخر هنری در رشته‌های گوناگون تجسمی را دارد.

لطفاً ادامه از تولیدات صوتی و تصویری نیز گزارشی ارائه دهید.

در کل ۳۰/۰۰۰ (سی هزار) دقیقه فیلم در آرشیو مؤسسه نمایندگی اصفهان نگهداری می‌گردد که شامل موضوعات زیر است:

مستند، داستانی، پویانمایی، سخنرانی، خاطرات، شب شعر، همایش‌ها و جشنواره‌های شعر/داستان/فیلم/فیلمنامه/تئاتر/عکس، و بی‌شک این حجم از تولیدات صوتی و تصویری رکوردی قابل دفاع از فعالیت همکارانم در بخش سمعی و بصری است.

لطفاً بخشی از موضوعات تولیدات را به تفکیک اعلام کنید.

۱- ۹۸۰ دقیقه تولید سمعی بصری؛ فیلم‌های داستانی مستند با موضوع اندیشه حضرت امام (س) که هنرمندان در مورد امام (س) آثار خلق کرده‌اند؛

۲- مشارکت فیلم‌سازان ۴۰۰۰ دقیقه؛ تولیدات جشنواره آئینه و آفتاب (شش دوره) ۴۰۰۰ دقیقه (مستند، داستانی، پویانمایی، نماهنگ)؛

۳- ۱۷۰۰ دقیقه همایش‌های مختلف؛ ۴- ۱۵۰۰ دقیقه جشنواره‌ها شامل جشنواره‌های: شعر، داستان، فیلم، عکس، تئاتر و...؛

۵- ۴۰۰۰ دقیقه نمایشگاه‌ها، گزارش‌ها و افتتاحیه‌ها از سال ۱۳۷۴ نمایشگاه‌های شاخص با موضوع اندیشه امام (س) تا به امروز ۱۳۹۹؛

۶- کارگاه‌های اجرا شده فیلم و نمایش (۳۰ کارگاه) ۱۸۰۰ دقیقه؛

۷- فیلم‌های آرشیوی جمع‌آوری شده ۳۵۰۰ دقیقه که شامل فیلم‌های مستند، داستانی که در سالن نگارستان از سال ۱۳۷۵ تاکنون به نمایش درآمده است؛

۸- خاطرات یاران امام (س) و انقلاب ۲۲۰۰ دقیقه

۹- شعر خوانی شاعران ۲۲۰۰ دقیقه؛

۱۰- سخنرانی شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ۷۰۰۰ دقیقه.

در فعالیت‌های مستمر اصفهان طی بیش از دو دهه گذشته جشنواره‌ها و نشست‌های ادبی به چشم می‌خورد، لطفاً گزارشی جامع از آن ارائه دهید.

حسب سابقه و استمرار در برگزاری نشست‌ها و جشنواره‌ها به ترتیب مواردی را تقدیم می‌کنم.

نشست ادبی عروج؛ تعداد نشست‌های ادبی عروج ۱۶ نشست که ۶ نشست آن استانی و مابقی کشوری برگزار شده است. تعداد آثار رسیده به نشست ادبی عروج جمعاً تعداد ۲۱۷۰ شعر و ۸۰ داستان می‌باشد.

جشنواره شعر روح الله؛ تعداد ۱۵ جشنواره تحت عنوان مهر بهمن و شانزدهمین آن با نام روح الله در سال ۱۳۹۸ برگزار شد. جشنواره روح الله به مناسبت ایام الله دهه مبارک فجر و بزرگداشت پیروزی انقلاب

شکوهمند اسلامی برگزار می‌شود. از ۱۶ جشنواره فوق ۶ مورد استانی و مابقی کشوری برگزار گردیده است. تعداد آثار رسیده به جشنواره و نشست‌های فوق الذکر جمعاً تعداد ۴۶۶۲ شعر و تعداد ۲۱۰ داستان می‌باشد.

جشنواره استانی داستان روح‌الله؛ نخستین جشنواره داستان روح‌الله در سال ۱۳۹۷ برگزار شد. آثار رسیده به این جشنواره ۱۲۰ داستان از ۱۰۰ نویسنده که از مجموعه آثار رسیده توسط هیئت داوران ۱۲ اثر برگزیده شد.

جشنواره فوق در رشته داستان کوتاه، کوتاه کوتاه و کودک برگزار شد.

نشست ادبی رسول صبح؛ تعداد نشست‌های ادبی رسول صبح ۱۱ مورد که سه مورد آن آرشیو شده که جمعاً ۶۱ اثر در رشته شعر و ۷۰ اثر در رشته داستان و قطعه ادبی به نشست ادبی فوق رسیده است. نشست ادبی شعر استانی آئینه حضور؛ نشست ادبی آئینه حضور در سال ۱۳۸۷ با حضور انجمن‌های ادبی استان و انجمن‌های ادبی شاهد برگزار شد.

مجموع آثار رسیده به این نشست ۲۰۰ اثر که از آثار رسیده تعداد ۲۰ نفر برگزیده شدند.

نشست ادبی استانی کوثر عشق؛ نشست ادبی کوثر عشق به مناسبت میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امام خمینی (س) در سال ۱۳۷۷ برگزار شد. تعداد آثار رسیده به این نشست ادبی در رشته شعر ۳۰۰ اثر و در رشته داستان و قطعه ادبی ۵۷ اثر می‌باشد. برگزیدگان رشته شعر ۱۵ اثر و در رشته داستان ۱۱ اثر برگزیده شده‌اند.

نشست ادبی عاشورا؛ نشست ادبی عاشورا در سال ۱۳۸۵ در رشته شعر و داستان برگزار شد. نشست فوق استانی و تنها تعداد اندکی اثر از خارج استان به نشست فوق رسیده بود.

تعداد آثار رسیده در رشته شعر ۲۲۰ اثر و در رشته داستان ۴۰ اثر می‌باشد.

جشنواره استانی شعر فجر؛ جشنواره استانی شعر فجر با همکاری اداره کل ارشاد اسلامی استان به مناسبت ایام الله دهه فجر ۱۳۹۲ برگزار شد.

آثار رسیده ۳۰۰ اثر از ۱۸۰ شاعر که ۱۲ اثر برگزیده و یک اثر قابل تقدیر اعلام شد.

آیا از آثار به دست آمده کتابی هم به چاپ رسیده است؟

کتاب «به ساحت آفتاب» منتخبی از اشعار، همایش‌های ادبی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س) اصفهان می‌باشد. این کتاب توسط مؤسسه چاپ و نشر عروج در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است که شامل ۲۲۰ قطعه شعر از ۹۵ شاعر گرانمایه است.

اخیراً مؤسسه نمایندگی اصفهان به سمت حمایت از هنرمندان تئاتر نیز رفته است، در این رابطه چه اقداماتی را محقق نموده‌اید؟

جشنواره تئاتر و نمایشنامه نویسی روح‌الله از سال ۱۳۹۶ تاکنون سه دوره برگزار شده است که تعداد آثار رسیده و رشته‌های مربوطه شامل:

بخش‌های جشنواره: تئاتر صحنه‌ای، تئاتر خیابانی، نمایشنامه نویسی، نمایشنامه خوانی، تئاتر بخش کودک و تعداد کل آثار دریافت شده ۶۱۴ اثر، تعداد آثار در بخش صحنه‌ای ۱۷۴ اثر، تئاتر خیابانی ۱۱۳ اثر،

تعداد آثار در بخش نمایشنامه نویسی ۲۹۷ اثر، بخش نمایشنامه خوانی ۱۵ اثر می‌باشد. تعداد آثار تئاتر و نمایشنامه ویژه کودک نیز ۱۵ اثر می‌باشد.

برنامه‌های جنبی نیز در جشنواره تئاتر اجرا شده است که شامل برگزاری تعداد ۲۳ کارگاه آموزشی با حضور اساتید، اجرای بیش از ۴۰ تئاتر از نمایش‌های منتخب در سطح شهر اصفهان و سالن‌های نمایش، تولید ۴۰ قطعه عکس و برپایی نمایشگاه از تصاویر منتخب اجراهای می‌باشد.

مؤسسه نمایندگی اصفهان پیش‌تاز آموزش مجازی نیز بوده است و دستاوردهای بزرگی در این رابطه داشته، لطفاً گزارشی از آموزش مجازی ارائه دهید.

یکی از بزرگترین دستاوردهای نمایندگی اصفهان در استان که قطب بزرگ مراکز آموزش‌های تکمیلی کشور است و بالغ بر یک صد دانشگاه و پژوهشگاه را در خود جای داده، راه اندازی دوره‌های آشنایی با سیره و اندیشه امام خمینی است.

با توجه به اهمیت نشر و ترویج اندیشه به کمک ابزار مدرن و روزآمد فضای مجازی متخصصین مؤسسه نمایندگی اصفهان از سال ۱۳۸۹ تاکنون توانسته‌اند بالغ بر ده دوره آموزشی از وصیت‌نامه و سیره و اندیشه امام برگزار نمایند که در این دوره‌ها بالغ بر پنجاه هزار نفر شرکت نمودند و صدها صفحه نقد و نظر درباره مباحث علمی در تالارهای گفتگو و کلاس‌های مجازی تولید گردید.

در این دوره‌ها بیش از سیصد عضو در هیأت علمی و بالغ بر پنج هزار دانشجوی نزدیک به بیست هزار کارمند دستگاه‌های اجرایی از سراسر کشور شرکت نمودند.

مؤسسه از آموزش مجازی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

با توجه به اجرای موفق یک دهه آموزش مجازی در اصفهان در صدد هستیم تا دوره‌های تخصصی آموزش در رشته‌های گوناگون هنری و ادبی را به مرحله اجرا بگذاریم که در آن برترین استادان به آموزش متقاضیان رشته‌های گوناگون خواهند پرداخت و امید داریم خروجی این دوره‌ها محصولات ادبی و هنری ارزشمند منبعت از اندیشه‌های امام خمینی باشد.

در پایان اگر نکته‌ای هست به عنوان حسن ختام بفرمایید؟

مقام معظم رهبری در جمله‌ای کلیدی می‌فرمایند: «هر آنچه که در قالب هنر بیان شود ماندگار خواهد بود». و در جمله‌ای دیگر در مورد حضرت امام می‌فرمایند: «امام خمینی یک حقیقت همیشه زنده است». در واقع جمع بین این دو جمله یعنی بیان اندیشه و سیره حضرت امام در قالب هنر، برای ماندگاری و ارتباط با نسل جدید و آینده رسالت و تعریف مأموریت مؤسسه تنظیم و نشر در اصفهان است. ما در مؤسسه اصفهان بر آنیم که در سه عرصه آموزش، تولید و عرضه به ویژه در رسانه و فضای مجازی در همه رشته‌های هنری که عرض شد پیشگام باشیم. امیدواریم با همکاری و مساعدت نهادهای فرهنگی و هنری استان و کشور و همچنین حمایت‌های گسترده‌تر و بیشتر مسئولین فرهنگی و هنری بتوانیم قدم‌های موثرتر و ماندگاری در عرصه فعالیت‌های هنری با محوریت اندیشه و حیات فکری و سیره عملی حضرت امام برداریم.

موسسه عروج به صورت مستقل و بدون وابستگی مالی به جایی اداره می شود



آقای علی یوسفی مدیر عامل مؤسسه چاپ و نشر عروج در گفتگو با حریم امام با اشاره به استقبال کم نظیر آثار حضرت امام در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و نمایشگاه حضور صدساله خورشید، به معرفی تولیدات و بخش های مختلف و فعالیت های موسسه عروج پرداخت.

فوق العاده بود و این برای خودمان بسیار جالب بود. مدیران سابق قبل از شما چه کسانی بودند؟ از آنها نیز یاد کنید.

دو سال و نیم و سه سال است که من مدیریت این مؤسسه را بر عهده دارم. پیش از من آقای ابراهیمی تقریباً یک سال، یک سال و نیم مدیریت مؤسسه را بر عهده داشتند. چند ماهی آقای بیگری مدیر بودند. قبل از ایشان آقای غفاری بودند که ۱۲ سال مدیریت عروج را بر عهده داشتند. آقای آشفته نیز پیش از آقای غفاری در سمت مدیریت بودند.

چند نفر نیرو دارید؟

ما تقریباً ۴۵ تا ۵۰ نفر نیروی ثابت داریم. البته نیروهای پروژه ای به صورت دوره ای و در زمان برگزاری نمایشگاه کتاب یا دیگر کارهای چاپ و صحافی به ما اضافه می شوند که تقریباً هفتاد نفر می شوند. پیش بینی ما این است که با افتتاح فازهای جدید در بحث چاپ و نشر و بالاخص چاپخانه ظرفیت پرسنل به ۲۰۰ نفر ارتقاء پیدا کند. این پیش بینی برای امسال بود ولی متأسفانه با توجه به شرایط بد اقتصادی تا انتهای سال آینده زمان می برد.

چه دغدغه ها و چالش هایی پیش رو دارید؟

امام یک نفر بودند و تکرار شدنی نیستند. مسئولین باید قدر این موضوع را بدانند که امام و انقلاب دو کلید واژه هستند که از هم جدایی ناپذیرند و نمی توان آنها را از هم جدا کرد. دغدغه ما نباید پیدا کردن غرفه در نمایشگاه کتاب باشد. باید در ورودی نمایشگاه، بهترین و بزرگترین غرفه اختصاص به حضرت امام خمینی داشته باشند این که ما به دنبال پیدا کردن غرفه باشیم. امام استثنای هستند. اگر مسئولین به خودشان اجازه می دهند استثنای را برای امام نگذارند بدانند اگر امام نبودند، آنها مسئول نبودند. مسئولین باید قدرشان باشند. دوم بحث حمایت های چاپی است. دولت باید در بحث تأمین کاغذ و زینک حمایت های لازم را انجام دهد. تقریباً دو سال است که ما کاغذ دولتی دریافت نکردیم. قیمت های ما نسبت به دیگر ناشران خیلی ناچیز است و این در بحث نشر جوابگو نیست. دولت باید حمایت کند تا ما بتوانیم با کاغذ یارانه ای کتاب را با قیمت مناسب به دست مخاطب و دوستداران حضرت امام برسانیم. امسال بنا داریم به عنوان مرجع تولید و فروش قاب عکس حضرت امام در قالب وسایزهای مختلف تولید و روانه بازار کنیم.

تألیفات و کتاب هایی که منتشر می کنید آیا اختصاص به حضرت امام یا کتاب های امام دارد یا شامل کتاب های دیگر نیز می شود؟

موسسه چاپ و نشر عروج کتاب و آثار قلمی حضرت امام و مرتبط با اندیشه های گرانسنگ ایشان را در زمینه های مختلف و گوناگون چاپ و در اختیار علاقه مندان، دانش دوستان و پژوهشگران قرار می دهد. آثار قلمی حضرت امام بیش از ۵۰ جلد است که در موسسه حضرت امام روانه بازار نشر شده است. صحیفه حضرت امام که مجموعه سخنرانی های ایشان است در بیست و دو جلد است. باید بگویم مؤسسه عروج ناشر آثار حضرت امام است. هر کتابی که در خصوص حضرت امام و مرتبط با حضرت امام و یاران امام و انقلاب باشد چاپ می کنیم. هر کتابی که محوریت آن حضرت امام باشد چاپ می کنیم. تا به حال تقریباً بالای هزار عنوان کتاب چاپ کرده ایم. امسال تصمیم داریم ۵۰ چاپ اول داشته باشیم. تقریباً صد و پنجاه عنوان تجدید چاپ داریم. در بحث صفحه آرایی و طراحی جلد و صحافی های نوین برنامه داریم. می خواهیم از کاغذ بالکی نروژی که خیلی سبک است استفاده کنیم اگر چه به لحاظ قیمت خیلی گران است ولی نیاز روز بازار است و ما باید با نسل جدید حرکت کنیم یعنی کارمان به روز باشد تا مخاطب را جذب کنیم.

بیشترین کتابی که تجدید چاپ شده است و متقاضی مردمی داشته است کدام کتاب است؟

کتاب چهل حدیث و دیوان حضرت امام است. اگر اجازه دهید گزارشی درباره نمایشگاه کتاب امسال خدمت شما ارائه کنم. در نمایشگاه کتاب امسال اتفاق خیلی عجیبی افتاد. ما امسال محوریت را تصویر حضرت امام قرار دادیم و بیش از ۲۰ تصویر حضرت امام طراحی و با جملات حضرت امام، غرفه آرایی صورت گرفت. برای اولین بار غرفه حضرت امام یکی از پر مخاطب ترین غرفه ها بود. مستحضرید که ما نشر خاصی هستیم و مخاطب خاص داریم. امسال خیلی جالب بود. روزانه بین هفت هزار تا ده هزار نفر از غرفه ما بازدید کردند که این رکورد خوبی بود. توانستیم مستندهای تصویری و صوتی و گزارش های خوبی تهیه کنیم. موجودی خیلی از کتاب های ما صفر شد. استقبال بسیار خوبی از دیوان و رساله حضرت امام شد. کتاب چهل حدیث رو به انتها رفت. موجودی کتاب جنود صفر شد. استقبال

مؤسسه چاپ و نشر عروج در چه سالی و بر اساس چه اهدافی تأسیس شد؟

موسسه چاپ و نشر عروج حدود سال ۱۳۷۲ در حوزه نشر آثار تولیدی موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی تأسیس شد که با گسترش و استقبال خوبی که از آثار حضرت امام شد با خرید یک چاپخانه به موسسه نشر و چاپ ارتقا یافت و وظیفه چاپ و نشر آثار حضرت امام را بر عهده گرفت. تقریباً بالغ بر سه دهه از فعالیت این مؤسسه می گذرد. مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) بیش از هزار عنوان کتاب چاپ و روانه بازار نشر کرده است. بسیاری از کتاب های ما به چاپ بالای پنجاهم رسیده است.

این مؤسسه چند فروشگاه دارد؟

موسسه چاپ و نشر عروج دو فروشگاه در حوزه نشر دارد؛ فروشگاه مرکزی آن روبروی دانشگاه تهران و در سه طبقه ساختمان است و فقط در فضای نشر کار می کند. یک فروشگاه در پل کالج داریم. فروشگاه کالج نیز در بحث نشر فعالیت دارد.

یک چاپخانه مجهز و بزرگ در حدود پنج هکتار داریم که بعد از مرقد امام به سمت تهران قرار دارد. از دو سال گذشته با تجهیز چاپخانه چاپ دیجیتال، نشر دیجیتال و کتاب صوتی داریم که ان شاء الله به زودی ماحصل و خروجی آن بیرون می آید. در بحث چاپ چاپخانه افسست، لیتوگرافی و صحافی قدرتمندی داریم و بدون محدودیت می توانیم از هر کتابی در هر قطعی در تیراژهای مختلف چاپ و تولید کنیم.

به لحاظ ردیف آیا اعتبار دولتی دارید؟

عروج در سال های گذشته دچار زیان شده بود. امروز با تیم مدیریت جدید ردیف اعتبار دولتی نداریم. عروج خودگردان و به صورت مستقل و بدون وابستگی مالی به جایی اداره می شود. مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام است ولی در سال های اخیر به لحاظ مالی مستقل عمل کرده است. امیدواریم با تجهیز و راه اندازی واحدهای جدید در چاپخانه با توجه به شرایط بد اقتصادی و اتفاقاتی که در حوزه نشر اتفاق افتاده بتوانیم فعالیت های اقتصادی سودمندی داشته باشیم تا یارانه خوبی به کتاب ها و آثار حضرت امام تعلق بگیرد و قیمت کتاب ها خیلی بالا نرود.

گزارش تصویری از نمایشگاه «حضور صدساله خورشید»





بزرگداشت آیت‌الله محمد شبیری خاقانی

میراث‌دار علم و اجتهاد

در خرمشهر، دفتر فرهنگی و نمایندگی در مصر، نظارت بر مؤسسات آیت‌الله خوئی در لندن، نوسازی و بازسازی مسجد امام صادق (ع) در خرمشهر که در جریان جنگ تحمیلی ویران شده بود، بنا و اداره مسجد در کویت، تأسیس مرکز فرهنگی اسلامی در اندونزی و مشارکت در تأسیس بنای مساجد، حسینیه‌ها، مراکز علمی، مراکز دینی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌های اسلامی و...

آیت‌الله شبیری خاقانی برای تبادل آراء و تبلیغ مذهب تشیع و رساندن پیام حقه مذهب در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی زیادی شرکت کرده است. برخی از این کنفرانس‌های علمی و دینی به شرح زیر است:

شرکت و ارائه مقاله در کنگره شیخ انصاری در ایران، شرکت و ارائه مقاله در کنگره اسلامی در آمریکا، شرکت و ارائه مقاله در کنگره عمان (مسقط) پیرامون اجتهاد، شرکت و ارائه مقاله در کنگره سوریه (دمشق) پیرامون تقریب مذاهب اسلامی، شرکت و ارائه مقاله در کنفرانس «فاطمه زهرا (س) و روش‌های علمی» در ایران و شرکت و ارائه مقاله در کنفرانس غدیر در لندن.

آیت‌الله شبیری خاقانی با شرکت در مناظره‌های تبلیغی و رعایت اصول اخلاقی موجب هدایت اقشار فرهنگی و دانشگاهیان به مذهب تشیع شد.

از دیدگاه وی نقش مدرسه اعلام سه گانه نائینی، آقا ضیاء عراقی و کمپانی؛ محور تکامل فکری حوزه قم و نجف است و دوری از این محوریت، دوری از تکامل و پیشرفت علمی است.

پرورش فضلا اهتمام ورزید.

مهاجرت به کویت و سوریه

آیت‌الله محمد شبیری خاقانی در اواخر دهه ۱۳۸۰ قمری که عراق تحت سیطره رژیم بعث بود، مجبور شد این کشور را ترک گفته و به کویت مهاجرت کند. پس از مدتی فعالیت علمی و تأسیس مراکز علمی در کویت به دلیل هجوم رژیم بعث به این کشور، کویت را ترک و عازم سوریه شد و در آنجا درس فقه و اصول را شروع کرد. وی در سال ۱۳۷۹ شمسی به دعوت جمعی از علما به قم مهاجرت و تدریس را در این شهر آغاز کرد. پس از نابودی رژیم بعث عراق، آیت‌الله شبیری خاقانی از نخستین علمایی بود که به شهر نجف بازگشت و با تأسیس دفتر، حوزه درس و موسسه علمی به فعالیت‌های علمی و دینی مشغول شد.

فعالیت‌های اجتماعی و دینی

آیت‌الله شبیری خاقانی در طول فعالیت‌های خود اقدام به تأسیس مراکز علمی و اسلامی نموده است. همچنین مؤسساتی که پدرشان تأسیس کرده را اداره می‌کند.

این مراکز و مؤسسات عبارت است از:

تأسیس مؤسسه علمی - فقهی امام صادق (ع) در قم، تأسیس مؤسسه فقهی - علمی امام صادق (ع) در نجف، تأسیس پژوهشکده علوم معرفتی در نجف، تأسیس مرکز استنباط علمی در نجف، تأسیس مرکز علمی امام صادق (ع) در خرمشهر، تأسیس مرکز علمی در کویت، تأسیس حوزه علمی دینی در کویت، تشکیل حوزه علمیه دینی در سوریه، مرکز علمی و مدرسه علمیه در قم، مرکز علمی و مدرسه علمیه

آیت‌الله شیخ محمد شبیری خاقانی در اول شهریور ۱۳۱۹ شمسی در محله العماره نجف اشرف در بیت علم دیده به جهان گشود.

پدر او مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی از علما و بزرگان خرمشهر بود؛ اجداد او از عالمان و مجتهدان وارسته و مورد توجه عموم مردم و خواص بودند و بیش از سه قرن است که فرزندان خاندان شبیری خاقانی در راه خدمت به مذهب تشیع و علوم و معارف اهل بیت (ع) فعالیت می‌نمایند. مادر او از بیت مرحوم آیت‌الله زین العابدین است که از خاندان‌های مشهور جنوب ایران می‌باشند.

آیت‌الله شیخ محمد شبیری خاقانی نزد پدر مراحل ابتدایی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و در ۱۲ سالگی معمم شد. پس از پایان دروس مقدمات، کفایه و رسائل را نزد آیت‌الله شیخ علی زین الدین، آیت‌الله شیخ صدر ابادکوبی، آیت‌الله سید عبدالکریم کشمیری، آیت‌الله شیخ محمد جواد آل راضی و آیت‌الله شیخ هادی حموز تلمذ کرد.

وی در نجف از شاگردان امام خمینی و حضرات آیات خوئی، سید حسن بجنوردی، میرزا باقر زنجانی، شیخ عباس قوچانی و شیخ حسین حلی بود و با آیت‌الله سیستانی در درس آیت‌الله خوئی هم بحث بود.

از جمله اساتید وی در قم؛ آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله شریعتمداری و میرزا هاشم آملی بود. آیت‌الله شبیری خاقانی از پدر خویش و آیت‌الله میرزا هاشم آملی مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردید و پس از دریافت اجازه اجتهاد، به تربیت طلاب علوم دینی و

انقلاب امام، انقلابی برای بیداری و آگاهی شیعه بود



آیت‌الله شیخ محمد شبیری خاقانی فرزند مرحوم آیت‌الله محمد طاهر آل شبیری خاقانی است. ایشان در دورانی که امام خمینی (ره) در نجف بودند در درس آن مرحوم شرکت و از شاگردان ایشان به شمار می‌آید. ارتباط پدر آیت‌الله شبیری خاقانی و حضرت امام و حضور امام خمینی (ره) در بیت ایشان در قم و تصاویر به جای مانده از آن دیدار، از افتخارات این بیت شریف به حساب می‌آید به گونه‌ای که همان اتاق با همان شکلی که در تصاویر است، دست نخورده باقی مانده است.



آملی و مرحوم والد بود. در نجف از شاگردان آیات معظم خونی، سید حسن بجنوردی، میرزا باقر زنجانی، شیخ عباس قوچانی و شیخ حسین حلی بودم و با آیت‌الله سیستانی در درس آقای خونی هم بحث بودیم.

درباره حشر و نشر با شهید سید مصطفی خمینی بگویید.

با مرحوم سید مصطفی خمینی دوست صمیمی بودیم و در مناسبت‌های مختلف دیدارهای زیادی داشتیم؛ سید مصطفی صاحب اخلاق خوب و اهل مزاح بود.

اوضاع و احوال حوزه نجف را چگونه می‌بینید؟
باید نقطه التقاء جامعی بین عقل قم و عقل نجف وجود داشته باشد و این امر حاصل نمی‌شود مگر از راه رجوع و برگشت به محوریت مدرسه اعلام سه گانه یعنی میرزای نائینی، شیخ عراقی و شیخ اصفهانی. چون این‌ها مؤسس حرکت علمی استنباطی هستند و نباید در کتم نسیان و فراموشی واقع شوند؛ اینها اقطاب و ثقل واقعی هستند و ارتباط بین قم و نجف و تکامل این دو مدرسه عظیم ممکن نیست مگر از راه برگشت به محوریت این سه مدرسه، و اگر برگشت به این سه اساس حاصل شد پس مدرسه قم و نجف در جامع واحدی جمع می‌شوند. چون این مدارس بر اساس اعلی‌ت، ابداع و ابتکار در کبریات مبانی اصولی بوده‌اند.

جایگاه امام را در شکوفایی تشیع چگونه می‌بینید؟

انقلاب امام، انقلابی برای بیداری و آگاهی شیعه بود. در این امر باید دقت شود چون تشیع باید از جهت علمی و اعتقادی و همه جهات تکامل یابد و نه تکامل سیاسی فقط.

رمز موفقیت خود را در چه اموری می‌دانید؟
رمز موفقیت خود را در توجه به اهل بیت (ع) می‌دانم و درس من در زمینه بحث‌های اعلام سه گانه است و رأی خود را بعد از آن مطرح می‌کنم.

شد. بعداً مرحوم والد گفت که از حضرت امام درباره مسائل ایران سؤال کردم و امام در جواب فرمودند، لویح شش گانه‌ای که شاه اعلام کرده، مخالف شرع است و باید رفع شود؛ در غیر این صورت مادام‌العمر با آن مخالفت می‌کنم. مرحوم والد پرسیده بود، آیا می‌توانید شاه را از منصب خود بردارید؟ امام در جواب با تبسم فرموده بود که رفع آن از طریق صبر و با استقامت ممکن است و امر ممتنعی نیست. مگر این دیدارها ادامه داشت و دو طرف مسائل مختلف علمی و سیاسی ایران را مطرح و گفتگو می‌کردند.

در یکی از روزها جمعی از تجار خرما از بصره آمده بودند و قصد زیارت مراجع را داشتند؛ من هم آنها را خدمت مراجع می‌بردم. نزد آیت‌الله خونی رفتیم و شوخ‌طبعی از ویژگی‌های اخلاقی ایشان بود تا مردم را جذب کند؛ این ویژگی علمای نجف است که مقتضای طبع مردم اهل منطقه باشند. همچنین آنها را خدمت آیت‌الله سید محمود شاهرودی بردم. ایشان نیز اهل مزاح و اخلاق عالی بود. بعد به دیدار مرحوم حضرت امام (ره) رفتیم و بعد از دیدار با تجار، امام از وضعیت مرحوم والد در ایران سؤال کردند، اندکی نشستیم و بلند شدیم.

کیفیت درس و بحث حضرت امام چگونه بود؟
تدریس ایشان دقیق بود و با جدیت مطالب را مطرح می‌کردند؛ شاگرد می‌بایست قواعد و زیربنای علمی ایشان را بفهمد؛ صاحب مطالب عمیقی بودند و این را بدون هیچ مجامله می‌گویم که امام مبانی و کبریات را به صورت عمیق و قوت علمی مطرح می‌کردند؛ این قول را از این جهت که اهل خیره هستم مطرح می‌کنم. البته در درس امام، اکثر افرادی که شرکت می‌کردند فارسی زبان بودند و حضرت امام به زبان فارسی تدریس می‌کرد.

از جمله اساتید من در درس خارج در قم آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله شریعتمداری و میرزا هاشم آملی بود، و اجازه اجتهاد من در قم از مرحوم میرزا هاشم

درباره ارتباط خود با حضرت امام بگویید.

ارتباط ما با مرحوم امام (ره) از قدیم‌الایام قبل از سفر ایشان به نجف اشرف بود. از آن جهت که در آن زمان در نجف کسی غیر از خواص، ایشان را نمی‌شناخت و از باب شناخت سابق، در روز عید غدیر با جمعی از طلاب خدمت ایشان رفتیم و حضرت امام با کمال تواضع و با دست مبارکشان برای ما شیرینی و چای آورد؛ در هنگام خروج به فضایی که همراه من بودند گفتم ایشان از جهتی فقیه وارسته و از جهت دیگر متواضع و صاحب اخلاق است، اما عالمی مجهول است و باید رفت و آمد زیادی خدمتشان داشته باشیم.

در نجف در درس خارج مکاسب حضرت امام در مسجد شیخ انصاری شرکت کردم و از جمله کسانی که در درس ایشان حضور داشتند شهید مصطفی خمینی بود که خیلی اشکال می‌کرد و اشکالات ایشان بیشتر در زمینه‌های فلسفی بود و حضرت امام اشکال را رد می‌کردند و می‌فرمودند، بهتر است اشکالات در مورد بحث فقهی باشد و نه فلسفی. از جهت دیگر ارتباط مرحوم والد آیت‌الله شیخ محمد طاهر شبیری خاقانی با حضرت امام، استوار و پایدار بود و دیدارهای زیادی با یکدیگر داشتند؛ هم مرحوم امام به منزل ما تشریف می‌آوردند و هم مرحوم والد به بیت ایشان می‌رفت. من هم به صورت خصوصی خدمت ایشان می‌رسیدم، دست مبارکشان را می‌بوسیدم، سؤالات و اشکالات علمی خود را به حضرت امام عرض می‌کردم و ایشان با کمال تواضع، برخی اشکالات را تأیید و برخی دیگر را رد می‌کردند.

یادم می‌آید، یکی از روزها شخصی از طرف حضرت امام آمد و گفت، سید قصد زیارت والد شما را دارند. حضرت امام بعد از چند ساعت به منزل ما در محله عماره آمدند و چون منزل ما کوچک بود پرده‌ای بین خانواده و مجلس گذاشتیم. حضرت امام به همراهان اشاره کردند که مجلس را ترک کنند. من هم مجلس را ترک کردم و مجلس بین والد و امام کاملاً خصوصی

محمد قادری:

از تجملات زندگی به دور بوده، خوش بر خورد و خوش اخلاق است

✿ آیت‌الله شبیری خاقانی در تمام دوران تحصیل خود هیچ‌گاه از سهم امام استفاده نکرده است



تبیین ویژگی‌های اخلاقی، سیره عملی و روش درس و بحث آیت‌الله شبیری خاقانی از جمله مباحثی بود که مورد توجه حجت‌الاسلام والمسلمین محمد قادری مدیر دفتر و شاگرد ایشان قرار گرفت. آقای قادری دانش‌آموخته حوزه‌های علمیه کاشان و قم است.

ایشان به‌قم، الحمدلله افتتاحیه حسینیه موسسه امام صادق (ع) و انتشار موسوعه مدرک العروة برگرفته از مسائل فقهی روز را داشتیم. آیت‌الله شبیری خاقانی انسان زاهدی است، از تجملات زندگی به دور بوده، خوش بر خورد و خوش اخلاق است. همیشه با طلاب جوان با روی گشاده و اخلاق نیکو ساعت‌ها به بحث و تبادل نظر می‌پردازد؛ به گفته‌های مخاطب و سخنان آنان گوش می‌کند و به خوبی به سؤالات آنان پاسخ می‌گوید. از خصوصیات بارز ایشان دائم الوضو بودن است و عقیده دارد که وضو، موجب نورانیت نفس انسان است.

ایشان نظم را سرلوحه اعمال خود قرار داده است و طلاب را نیز به آن سفارش می‌کند تا در طی مسیر دانش موفق باشند. دقت در وقت نماز، ساعات عبادات و زمان تدریس از ویژگی‌های برجسته آیت‌الله شبیری خاقانی است. ایشان حتی دیدارهای خصوصی و عمومی خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که لطمه‌ای به فعالیت‌های علمی و مباحث درسی نزنند.

🕌 **نگاه آیت‌الله شبیری خاقانی به انسان، جامعه و حوزه‌های علمیه چگونه است؟**

آیت‌الله شبیری خاقانی بر این عقیده است که یکی از اصول اساسی و مهم تعالیم قرآن دعوت به تفکر و تدبر است. فهم مهم‌ترین مسائل اعتقادی و دینی، به نیروی تفکر و اندیشه محول شده است و راه شناخت مبدأ و معاد از طریق فهم و تفکر است. پرداختن به این اصل از سفارشات اکید ایشان به حوزه و جامعه است.

طی کند و نصف دیگر، دست خود شخص است که چه مقدار جدیت برای فراگیری علوم داشته باشد. خداوند به آیت‌الله شبیری خاقانی این موهبت را عنایت کرد که ادامه دهنده راه خاندان خود در علم‌آموزی باشد.

پدر آیت‌الله شبیری خاقانی، آیت‌الله شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی تحصیل‌کرده نجف اشرف بود و از آقا ضیاء‌الدین عراقی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) اجازه اجتهاد مطلق داشت. ایشان در اصول هم بحث و هم درس آیت‌الله خوئی بود.

آیت‌الله شبیری خاقانی در تمام دوران تحصیل خود هیچ‌گاه از سهم امام استفاده نکرده و اکنون نیز بر این رویه و روش پدران و اسلاف خود است.

خداوند استعداد عجیبی به آیت‌الله شبیری خاقانی عنایت کرده و آن اهل قلم بودن است. یکی از دوستان نزدیک و صمیمی نقل می‌کرد که آیت‌الله بروجردی به ایشان توجه خاصی داشت و در وجود وی می‌دید که از همان اوایل طلبگی صاحب قلم است و تأکید داشت که خداوند به شما ذهن عجیبی داده، من از شما در امر نوشتن کتاب حمایت می‌کنم.

آیت‌الله شبیری خاقانی قلم توانا و روانی دارد و در مباحث فقهی، اصولی، اجتماعی، اقتصادی اعتقادی و ... کتاب‌های متعددی نوشته که برخی از آنها به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. اخیراً با یک تیم هفت نفره در موسسه علمی - فقهی امام صادق (ع) روی موسوعه فقهی «مدرک العروة» آیت‌الله شبیری خاقانی به مدت ده سال کار کردیم. در سفر اخیر

🕌 **از دیدگاه شما مهمترین ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله شبیری خاقانی چیست؟**

مهمترین نکته در ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله شبیری خاقانی، علاقه ایشان به اهل بیت (ع) است. هر کس با سواد یا بی‌سواد به در خانه اهل بیت (ع) برود، در کارهای خود موفق خواهد بود و اهل بیت (ع) جایگاهی به آن‌ها می‌دهند که به ذهن کسی نمی‌رسد و تصور نمی‌کند.

ایشان هر زمان در خفا یا آشکار همیشه به من گوشزد می‌کنند که از در خانه اهل بیت (ع) کوتاهی نکنید و لو در هر هفته یک بار مراسم زیارت عاشورا را در دفتر برگزار کنید. در چند سال اخیر که جریان کرونا پیش آمد، آیت‌الله شبیری خاقانی تأکید می‌کرد که هر هفته، با پنج یا شش نفر در دفتر زیارت عاشورا قرائت کنید

به سفارش و تأکید ایشان هر هفته روز پنجشنبه در دفتر، منبر اباعبدالله (ع) داریم؛ افرادی دعوت می‌کنیم و آنان خطابه و روضه می‌خوانند، در دفتر ده‌ها نفر حضور پیدا می‌کنند و در پایان پذیرایی صورت می‌گیرد. آیت‌الله شبیری خاقانی توصیه می‌کند که حتماً توسل به اهل بیت (ع) در مناسبت‌های گوناگون صورت گیرد و ما تا آنجا که در توان داریم خواسته ایشان را انجام می‌دهیم.

همچنین ایشان علاقه و آفری به زیارت بارگاه ملکوتی ائمه اطهار (ع) دارد و همواره مراقب است که در سفر به شهرهای مذهبی به زیارت حرم اهل بیت (ع) برود. «ولسد العالم نصف العالم» در خانواده مجتهد و عالم بودن باعث می‌شود که انسان نصف پله‌های ترقی را

از سوی دیگر ایشان در طول فعالیت‌های علمی خود بر اخلاق تأکید فراوان دارد و آن را زیربنای قواعد اسلامی می‌داند؛ چرا که اهل بیت (ع) نیز اسوه‌های اخلاق هستند.

همچنین آیت‌الله شبیری خاقانی معتقد است که گسترش اسلام در جامعه با حذف فرهنگ منحط و مخرب غربی و اجرای موازین و قوانین اسلامی با تمسک به اخلاق و اسوه قرار دادن اسطوره‌های دین، میسر و شدنی است و همواره مخاطبان و طلاب علوم دینی را به این امر مهم سفارش می‌کند و در نوشته‌های خود آورده است.

ایشان نیاز فعلی جهان اسلام را داشتن نیروهای متخصص، متعهد و کاردان می‌داند که بتوانند در برابر هجمه‌های دشمن و شبهه‌های فکری و انحرافی آنان به مقابله و مبارزه بپردازند و این امر میسر نمی‌شود مگر با تربیت طلاب و فضایی که بتوانند به صورت دقیق و عمیق، همراه با اخلاق و منش اجتماعی مناسب به مقابله و پاسخگویی بپردازند.

آیت‌الله شبیری خاقانی تأکید می‌کند که طلاب همیشه باید بین مردم باشند. به قول رهبر معظم انقلاب، طلاب باید جهاد تبیین انجام دهند تا مردم از عملکرد آنان مطلع شوند چون جامعه از عملکرد طلاب اطلاعات کافی ندارد.

در دوران شیوع کرونا، طلاب از مبتدی تا سطوح عالی، کارها و خدماتی انجام دادند که هیچ کس حاضر به انجام آن‌ها نبود. طلاب و روحانیون با اخلاقی که در وجود علمای اعلام است که برگرفته از اخلاق ائمه علیهم السلام است، حرکت کردند و با همراهی کادر درمان، نیروهای جهادی و مسئولین شرف این ویروس از کشور ما رفع شد. یعنی اینکه روحانیت باید خادم مردم باشد و به مردم خدمت کند. فردی نصف شب درب دفتر آیت‌الله بروجردی را دق الباب کرد. خادم گفت، چه می‌خواهی؟ او پاسخ داد، زمستان و سرد است آمده‌ام دنبال ذغال! خادم گفت، مگر اینجا ذغال فروشی است! آقا بیدار شد و پرسید چه خبر است؟ عرض کردند، شخصی نصف شب آمده و ذغال می‌خواهد! آقا در پاسخ فرمود، درست است که اینجا ذغال فروشی نیست اما سرما فشار آورده و برای وی ذغال تهیه کنید. خادم می‌گوید، آقا پول دادند و برای او ذغال تهیه کردم. علمای اعلام اینگونه خود را در اختیار مردم قرار می‌دادند.

آیت‌الله شبیری خاقانی نیز در زندگی مادی، مساعدت به دیگران را جزء سلوک عبادی خود دانسته و علی‌رغم فعالیت‌های بسیار علمی از این مقوله فارغ نبوده و در کمک به نیازمندان پیشتاز است. لذا بخشی از دفتر ایشان محل رجوع طبقات مختلف گردیده و دفتر بر اساس وسع و توان به محرومین کمک می‌کند.

ایشان مبالغی کنار گذاشته و هر هفته می‌فرماید که به افراد تهی دست کمک کنم. همچنین بسته‌های معیشتی و آذوقه تدرک می‌کنیم و به دست مستمندان و فقرا می‌رسانیم.

عمده فعالیت‌های دفتر آیت‌الله شبیری خاقانی در قم چیست؟

بخشی از کارهای دفتر شامل پاسخ‌دهی به استفتاءات و جواب‌گویی به مسائل مستحدثه روز است. سوال‌های گوناگونی که جنبه فقهی دارد

به دفتر می‌آیند، اگر جواب آن موجود باشد، گفته می‌شود و اگر نباشد به دفتر آقا در نجف ارجاع می‌دهیم و پاسخ آن ظرف دو روز می‌آید.

برپایی مجالس روضه و مراسم‌ها در وفیات و موالید اهل بیت (ع) از دیگر برنامه‌های دفتر است. دفتر، جوابگوی خواسته‌های اقشار مختلف مردم است و کمک‌های نقدی و غیر نقدی به نیازمندان پرداخت می‌کنیم. اخیراً مقداری از بودجه دفتر را برای کمک به ایتم اختصاص داده ایم و ماهیانه به این عزیزان کمک‌هایی پرداخت می‌کنیم.

در مناسبت‌ها و در آغاز بازگشایی مدارس، آیت‌الله شبیری خاقانی دستور داده است تا به خانواده‌هایی که وضعیت مالی مناسبی ندارند لوازم التحریر، پوشاک و... از طریق دفتر کمک شود.

ایشان به طلاب شهریه می‌دهند؟
بله، شرکت کنندگان در درس آقا، ماهیانه شهریه دریافت می‌کنند.

درباره ویژگی‌های درس و تدریس آیت‌الله شبیری خاقانی بگویید.

آیت‌الله شبیری خاقانی از پدر خویش و اصولی بزرگ آیت‌الله میرزا هاشم آملی مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردید و پس از دریافت اجازه اجتهاد، به تربیت طلاب علوم دینی و پرورش فضلا اهتمام ورزید.

آیت‌الله شبیری خاقانی بنا بر ضرورت و مقتضیات زمان به کشورهای مختلف از جمله ایران، عراق، کویت، سوریه و بحرین برای تبلیغ و تدریس مهاجرت کرده است. وی چند سالی برای تبلیغ و تدریس علوم حوزوی ساکن کویت شد اما پس از حمله عراق به این کشور، به سوریه مهاجرت کرد و با تأسیس مدرسه و حوزه به تدریس علوم حوزوی پرداخت.

وی از هر فرصتی برای تدریس و فعالیت‌های دینی استفاده می‌کند و سعی می‌کند مسائل دقیق علمی، فقهی و کلامی را با بیانی شیوا طرح کند تا مورد استفاده عموم قرار گیرد.

تسلط ایشان به دو زبان عربی و فارسی موجب شده که در بستری گسترده، دانش دینی خود را پر بار نماید و از هر دو زبان در کسب معارف الهی استفاده کند.

از ویژگی‌های آیت‌الله شبیری خاقانی این است که درس‌ها را با صوت دلنشین بیان می‌کند و به مسائل روز آگاهی دارد؛ چون امروزه صرفاً فقاهت ملاک نیست و مجتهد باید از اقتضائات روز آگاه و به سلاح علمی روز مسلح باشد. امروزه مسائل مستحدثه بسیاری به دفتر می‌آید که اگر مجتهد تسلط لازم بر مباحث علم روز را نداشته باشد نمی‌تواند پاسخگو باشد.

آیت‌الله شبیری خاقانی نوآوری‌ها و ابداعاتی در اجتهاد دارد؛ در فقه دارای منشی است که عبارت از توجه داشتن به روح استدلال، تطبیق کبری بر مصادیق جزئی و در نظر داشتن فروع است و ابتکار کبریات قواعد اصولی و ذکر آن در مناسبت‌های مختلف فقهی که همین اصل، پایه و اساس تشخیص اعلم در نظر ایشان است.

ایشان با شیوه نوین و بدیع به ساحت تفسیر وارد شده و علاوه بر تفسیر روایی و ادبی به تفسیر فلسفی

و فقهی ورود کرده و از تفسیر آیه به آیه نیز غافل نبوده است.

همچنین ایشان پس از تدریس، چند دقیقه برای پاسخگویی به سؤالات طلاب وقت می‌گذارد تا اشکالات آنها را رفع کند.

درباره فعالیت‌های اجتماعی و دینی ایشان بفرمایید.

آیت‌الله خاقانی در طول فعالیت‌های خود اقدام به تأسیس مراکز علمی و اسلامی نموده است. همچنین مؤسساتی که پدرشان تأسیس کرده را اداره می‌کند. این مراکز و مؤسسات عبارت است از:

تأسیس مؤسسه علمی - فقهی امام صادق (ع) در قم، تأسیس مؤسسه فقهی - علمی امام صادق (ع) در نجف، تأسیس پژوهشکده علوم معرفتی در نجف، تأسیس مرکز استنباط علمی در نجف، تأسیس مرکز علمی امام صادق (ع) در خرمشهر، تأسیس مرکز علمی در کویت، تأسیس حوزه علمی دینی در کویت، تشکیل حوزه علمیه دینی در سوریه، مرکز علمی و مدرسه علمیه در خرمشهر، دفتر فرهنگی و نمایندگی در مصر، نظارت بر مؤسسات آیت‌الله خوئی در لندن، نوسازی و بازسازی مسجد امام صادق (ع) در خرمشهر که در جریان جنگ تحمیلی ویران شده بود، بنا و اداره مسجد در کویت، تأسیس مرکز فرهنگی اسلامی در اندونزی و مشارکت در تأسیس بنای مساجد، حسینیه‌ها، مراکز علمی، مراکز دینی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌های اسلامی و...

آیت‌الله شبیری خاقانی برای تبادل آراء و تبلیغ مذهب تشیع و رساندن پیام حقه مذهب در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی زیادی شرکت کرده است. برخی از این کنفرانس‌های علمی و دینی به شرح زیر است:

شرکت و ارائه مقاله در کنگره شیخ انصاری در ایران، شرکت و ارائه مقاله در کنگره اسلامی در آمریکا، شرکت و ارائه مقاله در کنگره عمان (مسقط) پیرامون اجتهاد، شرکت و ارائه مقاله در کنگره سوریه (دمشق) پیرامون تقریب مذاهب اسلامی، شرکت و ارائه مقاله در کنفرانس "فاطمه زهرا (س) و روش‌های علمی" در ایران و شرکت و ارائه مقاله در کنفرانس غدیر در لندن.

آیت‌الله شبیری خاقانی آثار زیادی تألیف کرده است، ویژگی آثار ایشان چیست؟

بله، تألیفات منتشر شده از آیت‌الله شبیری خاقانی به صدها جلد می‌رسد که هر کدام از آنها چندین بار در تیراژهای مختلف چاپ شده است و به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. البته برخی از نوشته‌های ایشان هنوز به زیور طبع آراسته نشده که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

از مقوله‌های برجسته ایشان، آزادی فکر و جولان باز اندیشه است و با این خصوصیت و پشتوانه علمی و اجتهادی وارد ساحت علوم مختلف شده و اظهار نظر می‌نماید.

وی در تمامی سخنرانی‌ها و آثار خود بر بُعد عرفانی و سیر معنوی و اتصال به مبدأ اساسی تأکید دارد و به علوم روز ورود کرده و فکر و اندیشه خود را عرضه کرده است.

قائل به نوآوری بر اساس اتکاء به سنت قدیم است



حجت الاسلام و المسلمین امیر شبیری خاقانی فرزند آیت الله شیخ محمد شبیری خاقانی و مدرس حوزه علمیه در گفت و گو با حریم امام ضمن اشاره به درخشش خاندان خاقانی در عرصه های علمی و حوزوی در سه قرن گذشته به معرفی آثار و تبیین جایگاه علمی ایشان پرداخت.

که مارکسیسم و مادی گرایی را نقد می کند. آیت الله شبیری خاقانی در این کتاب به نقد مکاتب تجربی پرداخته است و بیان می دارد که آنچه مکتب های گوناگون در آخرین دستاوردهای محدود خود به آن رسیده اند، نتیجه اش سردرگمی و گمراهی بشر است. مؤلف در این کتاب طرح رسیدن فلسفه عقلانی و انتزاعی به یقین و ثبات را بحث کرده که فلسفه عقلانی و انتزاعی می تواند در همه بررسی ها و نتایجش به نتیجه یقینی و ثابت برسد، بدون اینکه هیچگونه شک و تردیدی در بررسی های موضوع و معیارهای ثابت آن رخ دهد. نویسنده در این کتاب ماتریالیسم جدلی را که بر پایه تناقض استوار است و هگل و هم مسلکان او به آن اعتقاد دارند را به نقد کشیده و آن را متزلزل دانسته است. در نتیجه این نقد، بیش از هفتاد دلیل منطقی و برهان فلسفی برای اثبات حق تعالی ارائه شده است. این کتاب جوایز مهمی را در اروپا و آمریکا به خود اختصاص داده است.

این کتاب در زمان مادی گراها خیلی معروف شد و محققان در کتابخانه های دانشگاهی و تخصصی از آن استفاده می کنند. این کتاب در مورد تجرید حقائق بحث می کند که اصالت در تجرید است و نه در امور مادی؛ همه مادیات برای اصل واقع و اصل وجودی، طریق هستند و نویسنده اصل عقلی و عقلایی را معیار قرار داده است.

آیت الله شبیری خاقانی در کتاب «الاخلاق بین النظرية و التطبيق»، به شیوه های اخلاقی، اخلاق تکوینی و تشریحی، و اخلاق نظری و عملی پرداخته

در موضوع جامعه ثابت و متغیر در فلسفه اسلامی مباحثی ارائه کرده و راهی جدید در این بحث باز نموده است. بررسی های نویسنده در جامعه شناسی ثابت و متغیر که در زبان های مختلف، فرهنگ ها و تمدن های گوناگون وجود داشته، این نتیجه را در پی دارد که این تحقیق گاه به صورت مبحث «میدانی» و گاه به صورت بررسی «مجرد» انجام گرفته و ایشان این مباحث را در سه فصل موضوعی تقسیم کرده است. ایشان در این فصل ها، مشکلات اجتماعی مانند عادات و تقلیدهای اجتماعی، عوامل مؤثر و ابعاد طبیعی و فرهنگی و اجتماعی آن را در جامعه یا نظام های سرمایه داری و دولتی مورد بررسی قرار داده و درباره دیدگاه های اسلام ناب محمدی اصیل مبتنی بر فکر اهل بیت (ع) سخن گفته است. همچنین نویسنده در این کتاب درباره حکمت و فلسفه مسائل مختلف شرعی در علم اجتماع سخن می گوید.

در این راستا، این کتاب به افکار یهودیت و مسیحیت و تأثیر آنها در زندگی فردی و اجتماعی اشاره نموده و عوامل انحراف آنها که در مدت زمان کوتاهی پس از به وجود آمدن ادیان اتفاق افتاده را بررسی کرده و یادآور می شود که تغییر و تحریف در این ادیان مانند باز نویسی آنها توسط دانشمندان یهودی و مسیحی از قرن پنجم تا نهم میلادی که دارای سند و مدارک غیر معتبر است، رخ داده است. اهمیت این کتاب چنان است که در دانشگاه های کشورهای عربی و مجامع آکادمی به عنوان کتاب درسی، تدریس می شود. کتاب دیگر با عنوان «نقد المذهب التجریبی» است

در ابتدا آثار علمی پدر بزرگوارتان را معرفی کنید و اینکه ایشان چه زمانی دست به قلم شدند؟

بیش از سه قرن است که فرزندان خاندان بابرکت شبیری خاقانی در راه خدمت به مذهب تشیع و علوم و معارف اسلامی فعالیت می کنند. در حال حاضر این مسئولیت بزرگ بر عهده آیت الله شیخ محمد شبیری خاقانی است. اجداد پدری ایشان تا هفت نسل، همه از عالمان و مجتهدان وارسته و مورد توجه و رجوع مردم و خواص و اهل علم بودند.

آیت الله شیخ محمد شبیری خاقانی در نوجوانی و در سن ۱۲ سالگی معمم شد. اولین استاد او آیت الله محمد طاهر آل شبیر خاقانی، مرحوم والدشان بود. وی همچنین نزد دایی اش شیخ علی زین الدین، کفایتین را تلمذ کرد. پدر، پس از پایان مقدمات و سطوح، در درس آیت الله خوئی، حضرت امام، میرزا باقر زنجانی، آقا میرزا هاشم آملی و آقای سید حسن بجنوردی در نجف شرکت کرد.

آیت الله شیخ محمد شبیری خاقانی از علمای صاحب قلم و اندیشه است که در مباحث فقهی، اصولی و موضوعات مختلف دینی، کتاب های زیادی نگاشته و در زمینه نگارش کتاب بسیار فعال و پرکار است. کتاب های ایشان در تیراژهای مختلف و به زبان های زنده دنیا ترجمه شده است.

آیت الله شیخ محمد شبیری خاقانی چهل و پنج سال پیش کتاب «علم الاجتماع بین المتغیر و الثابت» را نوشت. این کتاب «جامعه شناسی ثابت و متغیر» است. ایشان در این کتاب به صورت ابتکار

است. بررسی مکارم و رذائل اخلاق و آفت‌ها و آسیب‌های آن، بداخلاقی‌های رایج، اخلاق اجتماعی، تعادل صفات اخلاقی، اخلاق حسنه، اخلاق نیکو و اسلامی و... از موضوعات مهم بحث شده در این کتاب است.

مؤلف در این کتاب می‌گوید که ائمه (ع) نظریات را در قالب تطبیق بیان می‌کردند و نه به صورت نظریه، و این ممیزه اصلی افکار اسلامی با افکار غربی است. در فلسفه‌های غرب، نظریه طرح می‌کنند اما تطبیق دیده نمی‌شود؛ چون در بین آنها ملاک‌های واقعی درباره اخلاق وجود ندارد اما در اسلام، اصالت در ملاک‌های اخلاقی و ارزش‌های انسانی واقعی است.

«علم السیاسة» کتاب دیگر آیت‌الله شبیری خاقانی است. ایشان در این کتاب علاوه بر تعریف علم سیاست به اهداف و موضوع آن پرداخته و ارتباط سیاست با علوم مختلف را شرح داده و فلسفه و نظریه سیاسی و مذهب سیاسی را توضیح داده است. این کتاب پس از بررسی ریشه‌ای سیاست به سیر آن در تمدن‌های گذشته بشری پرداخته و به دنبال آن اندیشه سیاسی متفکرین آنها مورد بحث قرار گرفته است.

نویسنده در این کتاب به اندیشه سیاسی اسلام پرداخته و به موضوعات مهمی چون حکومت، بیعت، اجتهاد، آزادی، احزاب، حقوق انسان، قوانین و... اشاره کرده و به صورت روشن و دقیق متذکر شده است که تنها راه نجات تمسک به اندیشه سیاسی اسلام است که نشأت گرفته از تعالیم و سنت اهل بیت (ع) است.

نویسنده اشاره کرده است که سخنان و نامه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه معیار است و سیاست را به صورت حقیقی و ثابت مطرح کرده است و نه متغیر. وی اندیشه ماکیاولی را نقد می‌کند و اصول فکر سیاسی امیرالمومنین (ع) را طرح کرده است.

این اثر در دانشگاه‌های مختلف عربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در تیراژ بسیار تجدید چاپ شده است.

این کتاب‌های عربی، ترجمه هم شده‌اند؟
مؤسسه علمی - فقهی امام صادق (ع) که زیر نظر آیت‌الله شبیری خاقانی فعالیت می‌کند، در حال ترجمه آثار وی به چندین زبان است. البته به صورت فنی ترجمه می‌کنیم و نه تحت اللفظی؛ چون بین این دو تفاوت زیادی در نزد اهل تخصص وجود دارد و ترجمه‌ها باید دقیق باشند.

«الزواج و الطلاق فی رسالات السماء» کتاب دیگر آیت‌الله شبیری خاقانی است. مؤلف در این کتاب به قوانین ازدواج و طلاق در میان ادیان آسمانی پرداخته است. وی این قوانین را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده و فتوای علمای آنها را با هم مقایسه کرده و از هر گونه مقایسه استدلالی در فقه پرهیز نموده است تا از هدفی که بررسی موضوعی در زمینه مقایسه و مطالعات تطبیقی در مسائل فتوایی دارد، خارج نشود. این کتاب مورد استقبال جامعه‌شناسان و کارشناسان امور خانواده قرار گرفت و چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

کتاب «مدرک العروة» به قلم آیت‌الله شبیری

خاقانی، مجموعه‌ای دربردارنده مسائل و فروع مختلف فقهی از طهارت، صلا، صوم و... می‌باشد. در این مجموعه، مسائل عروة الوثقی به صورت استدلالی و به شیوه‌ای نوین مورد بررسی قرار گرفته و شامل نظریات آیت‌الله شبیری خاقانی است. تاکنون چهار جلد از این مجموعه به چاپ رسیده و بقیه در دست اقدام است.

آیت‌الله شبیری خاقانی در ایامی که در سوریه بود و دوره اول که بحث‌های خارج را شروع کرد، به نوشتن این مجموعه مبادرت ورزید.

این کتاب در ابواب فقه به نظریات فقهی از زمان شیخ طوسی، شهیدین، صاحب جواهر، محقق همدانی، تا دیدگاه‌های آیت‌الله خوئی و حکیم پرداخته و دیدگاه هر صاحب نظریه را با رعایت امانت علمی به اصل خود برگردانده است.

نویسنده در کتاب، به ارجاع مبنایی اشاره کرده است. ارجاع مبنایی نظریه گرانسنگ آیت‌الله شبیری خاقانی است و به این معنی است که هر نظریه را به صورت لفظی ملاحظه نکنیم و باید به مبدأ اعتباری فلسفی و مقولی آن برگردانیم.

دیدگاه آیت‌الله شبیری خاقانی نه در فقه، بلکه در تمامی علوم این است که اعلیت باید حفظ شود. از نظریات مهم ایشان نظریه اعلیت است. وی اعلیت را به صورت حسن التطبيق و معرفت به مصادر نمی‌داند بلکه از دیدگاه او حسن التطبيق و معرفت به مصادر، طریقی برای ابداع و ابتکار کبریات اصولی است و فروع فقهی مبتنی بر همان اصل عنوانی است؛ نه اینکه عکس باشد و نه اینکه اصل عنوانی را مقید به فروع فقهی کند. چون فروع فقهی مسائل استقرائی هستند و اصول جامع، مبتنی بر اصول فرعی نمی‌شوند. مبنای ایشان مبنای عنوانی است و نه مبنای معنوی؛ چون مدرسه عنوان و معنوی، دو مدرسه متقابل هستند. مدرسه عنوان مبتنی بر اصول مجرده می‌باشد که این اصول مجرده، ثابت و غیر قابل تغییر است و اگر این اصول ثابت باشد فروع هم ثابت می‌شود. اگر این اصول را به صورت ناظریت به فرد بدانیم، فردیت فرد متغیر است و لازمه آن این است که اصول هم متغیر بر فرد باشد و «ما یبیتنی علی المتغیر یكون متغیرا».

کتاب‌های دیگر آیت‌الله شبیری خاقانی را نیز نام ببرید.

کتاب «القرآن و الاصول الموضوعة العامة» به قلم آیت‌الله شبیری خاقانی به شیوه‌ای جدید و مدرن درباره قرآن و تفسیر نگاشته شده است. مؤلف ضمن بیان روش‌های مختلف تفسیری به شیوه‌های مختلف تفسیر قرآن در طول تاریخ اشاره کرده است. این مجموعه در چهار جلد به زبان عربی به چاپ رسیده و نویسنده ضمن گشودن فصلی به نام گفتگوهای قرآنی تلاش کرده است تا تمام ظرافت‌های تفسیر قرآن به کار گرفته شود و به تمام جوانب اختلافی پاسخ دقیق و شایسته دهد.

مؤلف بر مبنای ارجاع قرآن به اصول ثابت فلسفی اعتباری معرفتی تفسیر را نگاشته است. مبنای ایشان در تفسیر قرآن و اصول موضوعه این است که قرآن محرک، مفسر است نه اینکه مفسر بیاید و محرک قرآن باشد. مؤلف معتقد است که هر چه قدر انسان اصول موضوعه و ثابت داشته باشد می‌تواند در

قرآن غور کند و هر چه قدر مفسر در اصول موضوعه قدرت داشته باشد بهتر می‌تواند از قرآن استنباط کند.

«دراسات اصولیة» کتاب دیگر آیت‌الله شبیری خاقانی است. این کتاب متناسب با روش مکتب اصولی ابتکاری نوشته شده و نویسنده دیدگاه‌های اصولی قدیم و جدید را مورد بررسی قرار داده و آنها را به بوته تحلیل و نقد کشانده و دیدگاه‌های بدیع و نو ارائه کرده است. وی استنباط را به دو بخش جداگانه تقسیم کرده است، الف: استنباط عام که شامل همه علوم می‌شود از جمله، فلسفه تقلیدی، فلسفه جدید و جامعه‌شناسی. ب: استنباط خاص که مخصوص علم اصول است. این کتاب در چهارده جلد منتشر شده است که از اول مباحث لفظی تا پایان اجتهاد و تقلید است.

ایشان همچنین دو کتاب «فقه معاملات» و «ابتکار در مبنای اصولی» دارد. «ابتکار در مبنای اصولی» کتابی ۱۴ جلدی است که آیت‌الله شبیری خاقانی نظریات خاص خود را در آن مطرح کرده است.

آیت‌الله شبیری خاقانی در مجموع چند جلد کتاب تألیف کرده است؟

حدوداً ۱۲۰ جلد کتاب به قلم ایشان است.

ویژگی‌های قلم ایشان چیست؟
از ویژگی‌های قلم ایشان این است که جامع بین فرهنگ قدیم و حداثت عصر جدید است. آیت‌الله شبیری خاقانی قائل به نوآوری بر اساس اتکاء به سنت قدیم است؛ این ویژگی بارز آثار ایشان است و قلم و بیان روانی دارد.

درباره ویژگی‌های بیان آیت‌الله شبیری خاقانی هم بگویید.

ایشان مرتباً حقیقی است. آیت‌الله شبیری خاقانی به کسی که بخواهد به مرحله اجتهاد برسد، کمک می‌کند؛ از راه فهم، طلبه را رشد می‌دهد و تقویت می‌کند و در فقه، اصول و فلسفه شاگردپرور است. زمانی که خدمت ایشان درس می‌خواندم از شیوه طرح سؤال، علم‌افزایی این حقیر را تقویت می‌کرد.

آیت‌الله شبیری خاقانی در شبانه‌روز چه مقدار زمان خود را برای مطالعه و تحقیق صرف می‌کند؟

من ایشان را بی‌کار ندیده‌ام. پس از تهجد و نماز صبح، مطالعه و تحقیق را شروع می‌کند و تا ظهر ادامه می‌دهد؛ مرتب مشغول است و به تألیف و نوشتن اهمیت می‌دهد.

درباره خصوصیت تربیتی ایشان در خانواده بگویید.

در خانواده، هم پدر و هم دوست ما است و به مادر بسیار احترام می‌گذارد.

حاج آقا چند اولاد دارند؟

چهار پسر و دو دختر دارد. یکی از برادران ما شغل آزاد دارد اما بقیه در سلک روحانیت هستیم. دامادها حوزوی نیستند و در نجف سکونت دارند.

مهمترین درسی که از پدر گرفتید که می‌تواند برای مخاطبان و طلاب و جوانان مفید باشد، چیست؟

عمل ایشان خالصانه و بی‌ریا است و به اخلاق اهل بیت (ع) توجه دارد.



شوخی با موج دریا

مصطفی سلیمانی اروان شناس
دبیر بخش خانواده



[اسلحه انتقادگر درون] عزت نفس



محکم باز شد که با صورت خوردم زمین. قبل از این که فرار کنم با لگد زد توی کمرم: «پرو بازی در نیاری دیگه. خب؟ روی حرف منم حرف نزن.» و سرش را آورد نزدیک صورتم: «مفهوم شد؟». احساس کردم صورتم خیس شد. دستم را کشیدم روی صورتم. خونی خونی شد. چنگ زد توی موهام و گفت: «بگو غلط کردم. بگو مثل بچه آدم منتظر می‌مونم تا با هم بریم.» دستم را گرفتم روی دستش و گفتم: «باشه نمی‌رم. اصلاً هیچ وقت لب دریا نمی‌رم. فقط می‌مونم توی اتاقم.» مامانم خودش را رساند. زیر پیراهن آبی کشیف بابام را کشید. و صدایش را انداخت توی سرش: «چه خبرته مرد؟! زن بچه رو. گناه داره. اون که مُرد. می‌خوای اینم بمیره؟ این قدر زهرمار می‌کشی که می‌زنه به عقلم. ببین داری چه جور سرفه می‌کنی؟»

کمی خودم را دراز کردم سمت دیوار و با مایوی فسفری رنگم، خون صورتم را پاک کردم و جوروی که مامانم متوجه شود، چند بار حرکت کردم. قربان صدقه رفتن‌های مامانم شروع شد. خم شد و دست کشید روی صورتم: «خدا مرگم بده. نمی‌شه این جوروی بلبل زبونی نکنی تا حرص بابات در نیاد؟ مگه نمی‌بینی اعصابش ضعیفه. می‌زنه می‌میری، من بدبخت می‌شما!» دستش را پس زدم و گفتم: «برو با توأم قهرم. برو.» چند قطره اشک ریخت. شیشه خورده‌ها را از روی زمین جمع کرد و رفت. با پاهام، عقب عقبی در راهل دادم. لامپ را خاموش کردم و صورتم را گذاشتم روی بالش. گریه‌ام گرفته بود. یاد داشتم افتادم. اگر بود الان بغلم می‌کردم. اصلاً خودش بغلم می‌کرد. می‌آمد گوشه لپم را می‌کشید و می‌گفت: «من هم هم‌سن تو که بودم، همین کتک‌ها را خوردم.» سه سال از من بزرگ‌تر بود، اما مثل یک داداش خیلی بزرگ هوام را داشت. وقتی مُرد، من مدرسه بودم. از اورژانس بیمارستان زنگ زده بودند به گوشه بابام. بابام هم قبل از این که جنازه را تحویل سردخانه بدهد، زنگ زد به خانه: «دست مامانم را بگیر و بیارش بیمارستان.» توی اورژانس، مامانم غش کرد. صدای گریه بابام پیچیده بود توی راهرو. وقتی رسیدیم توی سالن، دیدیم پتوراروی صورت داداشم کشیده‌اند. بابا می‌گفت نشسته ترک موتور یکی از دوست‌هایش. لاستیک موتور ترکید. کوبیده‌اند به یک ماشین و هر دوشان در جا مُرده‌اند. موقع مراسم، مامانم لباس مجلسی و گل‌گلی‌اش را پوشید و چندبار کل کشید. آن موقع‌ها من هنوز با مداد می‌نوشتیم و معلممان خانم بود. به این خاطر، می‌شد بروم توی مجلس زنانه. یکی از زن‌ها در گوشم گفت: «به مامانم بگوزشته. بقیه می‌بینن. بره لباسش رو عوض کنه. مگه داره می‌روه مجلس عروسی؟» بعدش زن همسایه دستم را گرفت و گفت: «تو کاری نداشته باش. داداشت مُرده و مامانم حق داره قاطی کنه.» و آن موقع بود که من هم خیلی گریه کردم. ولی گریه مامانم

من ساده، باز هم حرف بابام را باور کردم. دیشب قول داد فردا ظهر هر طور شده خودش را می‌رساند، ولی نیامد. یک ساعت تمام، نزدیک نگهبانی، توی محوطه سوت و کور شهرک رژه رفتم. توی یک سال مأموریتش، این چندمین بار بود که سرکارم می‌گذاشت. طاقتم تمام شد و راه افتادم سمت خانه. از پشت پنجره می‌دیدم مامانم رفته سروقت بخچال و دارد قرص‌هایش را می‌ریزد کف دستش. به این فکر کردم که تقصیر خودم است. دیشب خودم خریدم کردم و گفتم: «اگه فردا نیای، خودم می‌رم!» بابا هم به جای این که تحویل بگیرد، اخم کرد. شیلنگ قلیان را زد زمین: «بی‌خود کردی! خودم هم باید باشم. تو که شنا بلد نیستی. نکنه می‌خوای مثل داداشت کله‌پاشی؟ مته این که یادت نمی‌آد اون دفعه کم مونده بود غرق شی!»

قهرم گرفت. پاشدم که بروم توی اتاقم. تا برسم گفتم: «مامان! به خدا اگه فردا بابا نیاد، خودم می‌رم. گفته باشم!» و در را کوبیدم به هم. یواشکی در را باز کردم و از لای در، بابا را زیر نظر گرفتم. چایی‌اش را از نعلبکی ریخت توی استکان کمر باریکش و رو به مامانم گفت: «گل بگیره این زندگی رو، که دارم الکی توش وُول می‌خورم، تا مثلاً به شما خوش بگذره. آخه دست و پا چلفتی! تو که نمی‌تونی شلوار خودتو درست و حسابی بالا بکشی، چه جور می‌تونی خودتو تودریا جمع و جور کنی؟! بی‌شعور، دارم بهت می‌گم خطرناکه. چرا توی مغزت نمی‌ره؟!» بعد آن چنان دستش را روی ابروها و چشم‌هایش کشید و چنگ زد به ریش‌هایش، که یکی از رگ‌های توی پیشانی‌م شروع کرد به پریدن. دوباره بابا را اورانداز کردم. نفسش را جوروی بیرون داد که اگر یک قاصدک روبه‌روش بود پرپر می‌شد. از روی شلوار گردی‌اش زانوش را خاراند. سرفه‌ای کرد. و یک تُف گنده انداخت روی قالی دست‌بافت مامان. جاش نبود. یعنی می‌ترسیدم یک دست کتک حسابی بخورم، و گرنه چُغلی‌اش را به مامانم می‌کردم. جوروی که من بشنوم داد کشید: «اون از داداشت، که با ماشین له و لورده شد، این هم از تو، که می‌خوای مارو توی شهر غریب بیچاره کنی.» مامانم سینی چایی را آورد و استکان‌ها را جمع کرد. یک قرص سفید با یک لیوان آب داد دست بابا. با گوشه چادرش، جای تُف بابا را چند بار سایید. بکهو سرش را کج کرد سمت من و با صدای آهسته گفت: «می‌گه میاد دیگه. بگیر بخواب.» در اتاق را سفت بستم. صدایش توی سرم پیچید. با مشت به در کوبیدم: «من دیگه بزرگ شدم. خودم بلدم دریا برم. همش که نباید منتظر بابا باشم.» صدای سرفه بابا آمد. چند ثانیه بعدش هم، یک چیزی محکم کوبیده شد به در و وقتی افتاد روی سرامیک، فهمیدم لیوان آبش بوده. یکی از شیشه خورده‌های لیوان از زیر در آمد تو. یادم افتاد باید در را قفل کنم، ولی بس که دست‌هام می‌لرزید، کلید جا نمی‌رفت. یک دفعه دستگیره در رفت پایین. در آن قدر

هیچ وقت تمام نشد. مجبور شدیم چندبار بپریمش دکتر. قرص و دارو می خورد که کم تر گریه کند.

دیدم سه تا قرص زرد و سفید و آبی کم رنگ را انداخت توی دهانش و لیوان آب را سر کشید. از دیوار کشیدم بالا. رفتم سروقت درخت نارنج و از گیل خانه همسایه. از لابه لای شاخه ها برای مامانم شکلک در آوردم. چندتایی بوس فرستادم. همسایه مان سفارش کرده بود هر روز چند تا از گیل بدهم به مامانم. می گفت برای تقویت اعصابش خیلی خوب است. ویتامین ب دارد. چندتا ریختم توی جیب هام و رفتم توی خانه. از گیل ها را ریختم روی آپن. گفتم آشپزخانه: «چرا این قدر آپن داغ است؟» و یکی از از گیل ها را گذاشتم دهانم. صدای مامانم درآمد: «بشور بخور.» هسته اش را توی سینک ظرفشویی تفت کردم: «می بینی مامان؟ حواست هست بابا دارد چه جوری مسخره بازی در می آورد.» مامانم داشت ریحان و پونه هایی را که از دشت کنار شهر کمان چیده بود، روی کابینت کنار پنجره پهن می کرد. نگاهی به ساعت بالای شومینه انداخت و گفت: «چه خبر از بابات؟» انگشت هاش را به هم گره زد و رفت سمت در حال و برگشت. همین طور که با سبزی ها و می رفت، یک چشمش به در حیات هم بود. صدای ماشین چمن زنی عباس آقامی آمد. گفتم: «این عباس آقا خوب از گرمانمی پزه ها.» رفتم دکمه کولر گازی را زدم. خودم را جلوی آینه دراز کنار حمام دیدم. موهام بلند شده بودند. یاد ناظم مدرسه افتادم که کارش گیر دادن به موهای بلند بود: «هر وقت موهای سرتان روی شقیقه ها و گوش هاتان بریزند، یعنی از مرز خودشان پیش روی کرده اند!» مامانم لنگ لنگان آمد سمتم. موهای حنایی اش را برد داخل روسری اش. انگشت هاش را کرد توی موهام: «کاش می تونستم تنهایی بفرستم بری شهرک بغلی، آرایشگاه.» با دست موهام را شانه کردم: «بزرگم دیگه. نمی دونم چرا بعضیا فکر می کنن من بچه ام.» و پاهام را کوبیدم به زمین و کلمه به کلمه با صدای بلند گفتم: «من دریا می خوام.» مامانم گره روسری اش را شل کرد و ایستاد روبه روی کولر گازی: «برو سر شهرک ببین حسین آقا اومده خونه؟ ازش بپرس از بابات خبر داره؟» رفت سراغ کشوی کابینت: «بیا این چند تا مغز گردو و بادوم توی راه بخور.» نیشم باز شد. سفت بغلش کردم. بدن چاقش داغ شده بود. گفتم: «الآن می رم سراغ حسین آقا تا ببرسم از بابا خبر داره یا نه.» دیدم. خانه حسین آقا، چند کوچه آن طرف تر از ما بود. صدای جیر جیرک و کولر گازی، روی مخم بود. وانت حسین آقا دم در بود. درشان را زدم. دختر کوچکش از لای در سرش را بیرون آورد و با یک صدای جیغ جیغی گفت: «کیه؟»

گفتم: «بابات هست؟»

حسین آقا آمد جلوی در. لباس کار تنش بود. روغنی و سیاه. نگاهی به سر تا پام انداخت و گفت: «سلام، پس چطور دریا رفتی؟»

گفتم: «منتظر بابامم. هنوز نیومده.»

زبانش را انداخت زیر لپش و با انگشت هاش شروع کرد به خاراندن ریش هاش: «امروز که نیم ساعت زودتر راه افتاد. گفت به تو قول داده ببرت دریا.»

گفتم: «نیومده که. سر کاریه. تازه مامانم نگرانشه.» با یکی از لکه های لباسش ور رفت و گفت: «البته ماشینش به پت پت افتاده بود. شاید گیر افتاده. صد دفعه بهش گفتم میزنش کن. بده ببینش.

به دنده ست دیگه. گوش به حرف نمی ده.»

تشکر کردم و خودم را بدو به خانه رساندم. مامانم داشت با عباس آقا خوش و بش می کرد. شنیدم که گفت: «این مرد، منو دیوونه کرده. اصلاً حواسش به هیچی نیست.» داد زدم: «عباس آقا صدای این دستگاره خیلی رو مخه. مگه چی می شه چمن بلند شن؟» رفتم نزدیکشان. رو به مامانم گفتم «حسین آقا اومده و قراره بابا هم بیاد.» مامانم دستم را گرفت که برویم سمت خانه. خودم را سفت گرفتم و گفتم: «نمیام.» یک سیلی محکم زد توی صورتم. عباس آقا هم دید. من هم مامانم را هل دادم. دلم می خواست بزمنش. عباس آقا خودش را انداخت وسط: «زشته پسر. ادب داشته باش.» صورتم را از هر دو شان برگرداندم و دیدم سمت خانه. تصمیم گرفتم به هر قیمتی شده بروم دریا. اصلاً دلم می خواست برای یک بار هم که شده تنهایی دریا بروم. ساک و وسایل شنام را برداشتم. نشستم روی جدول حیاط. زیر سایه درخت نارنج. مامان هم آمد نشست پیشم. دستش را روی سرم کشید. سرم را بردم پایین. نزدیک دمپایی انگشتی ام، دو حلزون به هم چسبیده، داشتند تکان می خوردند. برگ های پهن برایشان مثل یک پارک بود. با انگشتم تکانشان دادم. سریع خودشان را کشیدند توی لانه هاشان. هزار تایشه سیاه و ریز از روی دست و پای لختم بلند شدند. مامانم گفت: «خیلی دیر شده. کاش دوباره یه سر بری پیش حسین آقا ببینی بابات کجا مونده؟» نارنج له شده ای را از روی زمین برداشتم و پرت کردم توی حیاط خانه روبه رویی مان. هیچ وقت ندیدم هیچ آدمی توش رفت و آمد کرده باشد. گفتم: «چه بابا بیاد چه نیاد، من می خوام برم.» و دست مامانم را پرت کردم آن طرف. ساکم را برداشتم و از خانه زدم بیرون. داد زد: «به خدا اگه بابات بیاد ببینه خودت رفتی، می کشد.» خانم همسایه بغلی مان، که بیشتر وقت ها پشت پنجره است، خودش را انداخت وسط دعوی من و مامانم: «گوش بده به حرف مامانم.» جوابش را ندادم.

هنوز خیلی دور نشده بودم که دیدم مامانم دارد پشت سرم می دود. با آن هیکل چاقش بدجوری اذیت بود. سر جام ایستادم تا به من برسد. تار سید، دستش را داد به دستم و گفت: «باشه بریم. فقط اول برو به حسین آقا بگو مامانم نگرانه. بگو یه خبر از بابات بگیره.» گفتم: «مگه بابا چه ست؟! خب چهل دقیقه یک ساعت که چیزی نیست.» زل زد به چشم هام و گفت: «برو بگو. کاریت نباشه. آخه هر موقع می خواست دیر بیاد، به حسین آقا می گفت که بهمون خبر بده. می دونه من نگرانشم. اعصابم می ریزه به هم.» آب دهانم را قورت دادم و گفتم: «چشم!»

جیک ثانیه ای خودم را رساندم در خانه حسین آقا. از لای در، دیدم که داشت صورتش را تیغ می زد. فهمید پشت درم. گفت: «هنوز نیومده؟» گفتم: «نه هنوز. شاید جای دیگه، کاری برایش پیش اومده. مامانم گفت به شما بگم.» از پنجره گوشه حیاطشان، زل زد به در ورودی شهرک: «باشه. الآن با ماشین می رم یه سر و گوشه ای می دم. خودمم نگرانش شدم. احتمالاً ماشینش تو جاده مونده.»

برگشتم پیش مامانم: «حسین آقا رفت دنبالش. گفت شاید ماشینش به پت پت افتاده. آخه ترمزش مشکل داشته. احتمالاً رفته تعمیرگاه.» دستش را گرفتم و خودم را زیر کتفش انداختم تا راحت تر راه بروم. یک

قطره عرق از گوشه پیشانی اش راه افتاد و لیز خورد زیر چانه اش. گفتم: «ما می ریم دریا تا بابا تنبیه بشه. باشه؟» گفت: «چی بگم والا. دلم شور می زنه. بیاد ببینه نیستیم شاک می شه؟» گفتم: «هر روز که قرار نیست بریم. دیگه بزرگ شدم. نباید بهم گیر بدید.» مامانم برگشت سمتم. طوری نگاهم کرد که مجبور شدم چشم هام را بچرخانم یک سمت دیگر. انگشت هاش را جا کرد مابین انگشت هام: «چی می دونی از دل بابات؟! بعد از داداش هر دو مون دیوونه شدیم. می ترسه تو این شهر غریب، تو هم از دستمون بری.»

آب دهانم را قورت دادم. گفتم: «من بزرگ شدم دیگه.»

دستم را سفت تر گرفتم: «دریا گرگه. بزرگ و کوچیک نمی شناسه. بعدشم مگه چندسالته این قدر شاخ و شونه می کشی؟»

از حرفش خوشم نیامد. گفتم: «مامان جان! من دیگه بچه نیستم. هم سن و سالای من، خودشون شنا می کنن.»

گوشه مانتوش را کشید بالا و روی پیشانی اش مالید: «عزیزم! ما غیر از تو هیچکی رونداریم. اینو می فهمی؟»

دریا را که دیدم، دستش را فشار دادم: «مامان جان! برم یه نیم ساعت دیگه برگردم؟»

زبانش گیر کرد. گفت: «من رو توی این دل شوره ول می کنی به امون خدا که چی؟ خجالت نمی کشی؟» تیشترتم را در آوردم: «مامان من دیگه آماده شدم. بابا هم که هنوز نیومده.»

دنبالم راه افتاد: «باشه. غر نزن. با هم بریم. اما اگه بابات گیر داد، خودت جوابش رومی دی.»

بدون این که نگاهش کنم، گفتم: «باشه، خودم جوابش رومی دم. بدقولی کرده، حقه شه.»

راهمان را کج کردیم سمت دریا. ساحل دریا پشت شهرک بود و کلاً پنج دقیقه با خانه مان فاصله داشت. بدو رفتم جلو و زنجیر پشت در را باز کردم. به هیچ جا قفل نبود و فقط لازم بود از دور میله های باریک در، بازش کنم. شن و ماسه های ساحل، ریخته بودند روی آسفالت و اگر چند قدم دیگر می رفتم جلو، می شد دمپایی ام را در بیاورم. یک نگاه دزدکی به مامانم کردم. برگشته بود و داشت در ورودی ساحل را نگاه می کرد. نصف بیشتر فکرش، پیش بابا بود. ساکم را انداختم روی زمین و دست به سینه منتظر رسیدن مامانم شدم. اگر بابا بود، از همان صدمتری، گیر دادن هاش را شروع کرده بود: «مواظب باش. ندو. پات زخم نشه. حواست به سنگ ها باشه. خیلی جلونی. آب بالاتر از زانو هات نره. گنده تر از تو غرق شدن.»

بالآخره مامانم رسید. نشست روی نیمکت زنگ زده کنار ساحل. داد زد: «خب برو شنا کن زود بریم.» حواسم نبود که زل زده ام به قیافه اش. لب هاش را کج و معوج کرد و گفت: «مگه نمی خواستی شنا کنی؟ خب برو دیگه.» حس کردم یک چیزهایی کم است. مثلاً چند تا تذکر بدهد یا اصلاً خودش هم تا لب دریا باهام بیاید. ابرو هاش را کشید توی هم و گفت: «نری برمی گردیم.» آب دهانم را قورت دادم. دور و برم را نگاه کردم. برگشتم سمت دریا. احساس کردم دریا با همه ماهی ها و شن هاش، مال من است. یاد ناخدای یک چشم قصه های بابابزرگم افتادم. می گفت همیشه

پیاده روی می کردند. صدای موج دریا می آمد. از کنار دیوار دویدم توی خیابان ساحلی. چند تا لامپ، نزدیک ساحل، روشن بودند. صدای خوردن موج ها به هم دیگر را خیلی دوست داشتم. آرام زنجیر را باز کردم و رفتم نشستیم جایی که مامانم ظهر نشسته بود. همه جا تاریک بود و فقط از روی کف سفید موج ها، می شد دریا را ببینم. یکهو گریه ام گرفت. بعدش، چند تا داد بلند کشیدم. تیشترتم را کندم و مایوی بابام را پوشیدم. شل و ول بود و از پام می افتاد. مجبور شدم بندش را بالای شکمم گرهش بزنم. رفتم جلو. چشم هام را بستم و با کف دست هام کوبیدم روی آب. موج ها تندتند پشت هم می آمدند و خودشان را می زدند به پاهام. چندبار جاخالی دادم. لجن ها و گل و لای، می پیچیدند لای انگشت های پاهام. من هم پرتشان می کردم جلوتر. برگشتم و ساحل را نگاه کردم. صدای بابام آمد: «آب نباید بالاتر از زانوهات بره.» مایور را کشیدم بالاتر. آب تا زیر گلوام بالا آمده بود و وقتی موج می زد، تا نزدیکی های دماغم هم می رسید. خندیدم. آب پرید توی گلوام. شروع کردم به سرفه کردن. هیچ کس توی ساحل نبود. زیر پام خالی شد و با سر رفتم توی آب. شروع کردم به تکان دادن خودم، ولی فایده ای نداشت. پام از زمین جدا شده بود و هر جا دست می بردم آب بود. حسابی گریه ام گرفته بود. اگر بابام پیشم بود حتما زودی بیرونم می کشید. صدایش را شنیدم: «هر وقت زیر پات خالی شد، با دست هات آب رو هول بده پایین و پاهات رو فتری بزنی به زمین.» داد زدم: «بابا!» و چند قُلپ آب خوردم. پاهام را فتری زدم به زمین و آب را هل دادم پایین. آمدم روی آب. چشمم افتاد به چراغ دم ساحل. ساکم کنار ساحل جا مانده بود. دوست داشتم بابام بود و می دید که آب از زانوهام هم بالاتر رفت.

تا صدف جمع کنم. کمی هم جلوی ساحل دویدم. صدف ها را دادم به مامانم. ریختشان توی جیبش. شروع کرد به خشک کردن سرم. صدای زنجیر در آمد. عباس آقا بود. مامانم را صدا کرد. آمد نزدیک مامانم و در گوشش حرفی زد. داشتم کله ام را از توی تیشترتم در می آوردم که یکهو مامانم بی حال، ولو شد روی زمین. دویدم سمتش و خودم را انداختم روش. جوابم را نداد. به عباس آقا گفتم: «به مامانم چی گفتمی؟» رفت سمت دریا و با کف دست، یک مشت آب پاشید روی صورت مامانم. از داد و بیدادهای مامانم فهمیدم بابام تصادف کرده و توی بیمارستان است. توی راه خدا خدا کردم که بابام سالم باشد. به عباس آقا گفتم: «بابام چش شده؟» رفت سمت پذیرش و از دور گفت: «حواسست به مامانم باشه ها.» زدم زیر گریه. چند سال پیش هم، این جمله را خاله ام بهم گفت. همان روز اولی که داداشم مُرد و مامانم کل می کشید. با گریه دویدم سمت پذیرش. دوباره پرسیدم: «عباس آقا بابام مرده؟» اخمش را گذاشت توی هم و گفت: «زبونت رو گاز بگیر بچه. مردن چیه؟ می خوای دستی دستی بابتو بکشی؟» فهمیدیم بابام توی بخش مراقبت های ویژه است. دکتر می گفت اول ایست قلبی کرده. بعد، ماشین از دستش ول شده. کوبیده به نرده کنار جاده. بابا را از پشت پنجره اتاق دیدیم، ولی نشد برویم پیشش. هوا که تاریک شد، برگشتیم خانه. بساط قلیان و سیگار بابا توی هال بود. دعا کردم کاش زودی خوب شود، حتی اگر دوباره با لگد بزند توی کمرم. رفتم توی اتاقش. حوله و مایوش، از توی ساک نیمه بازش معلوم بودند. ساک را برداشتم و یواشکی از خانه زدم بیرون. زن همسایه و شوهرش داشتند توی کوچه

توی دریا زندگی می کرده. یعنی بیشتر عمرش را. تیشترتم را کندم و انداختم روی یکی از سنگ های گنده. رفتم جلوتر. موج آب آمد روی انگشت های پاهام. اگر بابام بود می گفت: «چرا مثل گربه یواش یواش کف پاهات را می گذاری توی آب؟» من هم می گفتم: «می ترسم زیر پاهام خالی شود.» دوباره می گفت: «بیا جلوتر. حواسم هست.» من هم ترسم می ریخت. برگشتم به مامانم نگاه کردم. زُل زده بود به من. خیلی خوب بود که گیر نمی داد، ولی خوب نبود که این همه ناراحت بود. حالم را می گرفت. داد زدم: «مامان برم جلوتر؟» دست هاش را گرفت دور دهانش: «نه. نری جلوتر.» نشستیم و چند مشت آب به شکم پاشیدم. نیم خیز شد و گفت: «تورو خدا مراقب باشی ها. خیلی جلوتر.» داشت می شد عین بابام. سر جام ایستادم. نور خورشید مثل یک خطِ دراز افتاده بود روی آب. بعد از چند قدم، زیر پام خالی شد. این پا و آن پاشدم. مامانم روسری اش را کشیده بود جلو و برای صورتش سایبان درست کرده بود. داد زد: «زهر مار. چرا وایسادی؟ یه ذره آب بازی کن که زود بریم. الان بابات میاد.» عینک شنام را به چشم هام زدم. رفتم جلو. آب تا قوزک پاهام می رسید. گفتم: «مامان! خورشید خیلی داغه. به قول بابا، انگار دارن با ذره بین پوستمو می سوزونن.» دوباره دست هاش را گرفت دور دهانش: «می خوای بیام پیشت؟» گفتم: «نه» و یک قدم برداشتم جلوتر. صدای بابام آمد: «آب نباید بالاتر از زانوهات بره.» چند قدمی برگشتم سمت ساحل. به مامانم اشاره کردم: «مامان من اینجام.» مامانم دست تکان داد: «آفرین. جلونرو مامان.» توی نیم ساعتی که لب ساحل بودیم، فقط رسیدم چند مشت آب روی سر خودم بریزم و چند

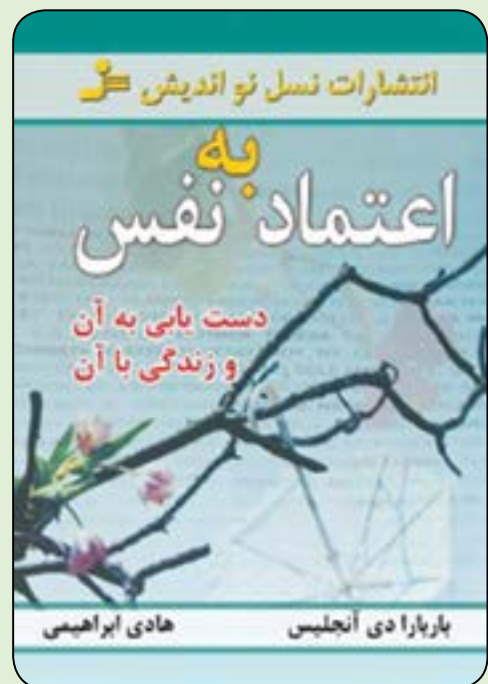
معرفی کتاب



ایجاد اعتماد به نفس به زبان آدمیزاد
نویسندگان: کیت برتون و برینلی پلتز
مترجم: زینب شاهدی
انتشارات: هیرمند



رمز اعتماد به نفس
نویسندگان: کتی کی و کلیر شیب من
مترجم: مهسا ساسی شیرازی
انتشارات: نوین



اعتماد به نفس؛ دستیابی به آن و زندگی با آن
نویسنده: باربارا دی آنجلس
مترجم: هادی ابراهیمی
انتشارات: نسل نواندیش



حانیه نجفی:

بایدها و نبایدهای انتقادگر درون پیشنهاداتی برای بهتر شدن نیست

در گفت‌وگوی پیش رو، حانیه نجفی، کارشناسی ادیان و عرفان، کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گرایش زن و خانواده، به بیان دقیق بزرگ‌ترین سلاح انتقادگر درون، تشریح نکات مبهم آن، توضیح عوارض و پیامدها و همچنین ارائه چند مثال ملموس برای درک این موضوع پرداخته است.

چرا انتقادگر درون می‌تواند با توسل به «بایدها» و «ارزش‌ها»ی ذهنی فرد، عزت نفس او را تخریب کند؟

به این دلیل که فرد، موقعیت‌ها و شرایط را، به شکل واقعی‌شان نگاه نمی‌کند، بلکه بر اساس داده‌های پیشین و توقعات و انتظارات دیگران و خودش تفسیر می‌کند. یعنی در ذهن فرد، انتظارات و توقعات، به شکل «بایدها» و «نبایدها» وجود دارند و به شکل دستاویزی برای صدای منفی درونی، فرد را از واقعیت موجود غافل می‌کنند و عزت نفسش را از میان می‌برند. در واقع، هر زمان که فرد به بایدها و نبایدهای ذهنی‌اش بی‌اعتنایی کند، با احساس گناه مواجه می‌شود و انتقادگر درونی، کار خودش را با همین احساس گناه پیش می‌برد و احساس گناه هم چیزی جز خودتخریبی نیست.

وقتی که بایدها و نبایدهای ذهنی فرد، از طرف دیگران به او تحمیل می‌شود، نقش انتقادگر درون کجاست؟

در این شرایط، فرد خودش را دائماً در معرض سرزنش‌ها و قضاوت‌های دیگران می‌بیند، و برای این‌که از این وضعیت خلاص شود، تلاش می‌کند تا خودش را مطابق با خواسته‌های آنان تنظیم کند. در نتیجه، یک لیست بلندبالا از اوامر و نواهی دیگران جمع‌آوری می‌کند و خودش را به ورطه فراموشی می‌سپارد. بازنگری‌های او در مورد خودش، کاملاً بر مبنای نظرات دیگران است و انتقادات صدای منفی درونی، حول برآورده شدن توقعات دیگران اتفاق می‌افتد.

گاهی اوقات، بایدها و نبایدهای ما، تکلیف‌هایی است که خودمان بر خودمان بار می‌کنیم. در این شرایط، چرا باز هم شاهد سقوط عزت نفسمان هستیم؟

در شرایط کمال‌گرایی، فرد اهداف سنگین و مطلق را برای خودش تعریف می‌کند. و همین موضوع باعث می‌شود که در غالب اوقات از خودش راضی نباشد. وقتی توقع فرد از خودش بالاست، دائماً برای خودش بایدها و نبایدهای سنگین و طاقت‌فرسا تعریف می‌کند و به رقابت با خودش می‌پردازد. اما از آن جایی که برآورده کردن آن توقعات، بسیار سخت است، از

خودش ناراضی می‌شود، خودش را نمی‌بیند و به جدل با خودش می‌پردازد و عزت نفس خودش را از دست می‌دهد.

آیا بایباندیش بودن، یک امر معقول و منطقی نیست؟ آیا معقول نیست که ما برای خودمان بایدها و نبایدهایی را تعریف کنیم و انتظار داشته باشیم که بر مبنای آن‌ها حرکت کنیم؟

اگر بایباندیشی، ناشی از «انعطاف‌ناپذیری» باشد برای فرد مشکل ایجاد می‌کند. خیلی از بایدها و نبایدهای ذهنی ما، ناشی از روش تربیتی ما و برآمده از سخت‌گیری والدینمان هستند؛ یعنی ما برای کسب رضایت آن‌ها، خودمان را به رنج می‌اندازیم. گاهی نیز انعطاف‌ناپذیری ما درونی است. یعنی ما از برخی جزم‌اندیشی‌ها و تعصبات رنج می‌بریم، چون نمی‌خواهیم دورشان بریزیم. ما به برخی موضوعات باور پیدا کرده‌ایم و با این‌که می‌دانیم اشتباه هستند، هم‌چنان برای اثبات و انجامشان اصرار می‌کنیم.

آیا نمی‌توانیم بایدها و نبایدهایی که انتقادگر درون برای فرد تعریف می‌کند را به شکل مثبت تعبیر کنیم؟ مثلاً آن‌ها را پیشنهاداتی برای بهتر شدن ورشد ببینیم؟

جنس بایدها و نبایدهایی که انتقادگر درون برای فرد تعریف می‌کند، از جنس پیشنهاداتی برای بهتر شدن نیست. زبان انتقادگر درون، از جنس سرزنش و تخریب است. و بایدها و نبایدهایی را تعریف می‌کند که تحمیلی و نامناسبند.

بایدها و نبایدهایی که انتقادگر درون تعریف می‌کند، نمی‌تواند به نوعی تعیین‌کننده چارچوب‌های درونی فرد باشد و راه او را برای زندگی منسجم‌تر راحت کند؟

بایدها و نبایدهایی که صدای منفی درونی تعیین می‌کند، نوعی احساس تقصیر را در فرد ایجاد می‌کند که موجب ناامید شدن او از زندگی می‌شود و نتیجه‌ای جز پرخاشگر شدن فرد به دنبال ندارد. انتقادگر درون، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های انسان‌ها با یکدیگر، از فرد می‌خواهد که پا جای پای دیگران بگذارد. به اوامر و نواهی آن‌ها پایبند باشد. و سبکی را برای زندگی انتخاب کند که خوشایند بقیه باشد.

به نظر می‌رسد ما خیلی از اوقات، مایل به شنیدن کلمات انتقادگر درونمان هستیم، چون آن‌ها را به نوعی محرک درونمان می‌دانیم. ما این‌طور فکر می‌کنیم که انتقادگر درون، بر نقاط ضعفی دست می‌گذارد که مرتفع شدنشان می‌تواند انگیزه زیادی به ما بدهد.

اشتباه کار همین جاست و ما بسیاری از اوقات، خودمان را با همین ادبیات و بر اساس همین حساب و کتاب ذهنی جلو می‌بریم. یعنی با این اندیشه که این انتقادات، به کارمان می‌آیند و نکات خیلی راهگشایی توی خودشان دارند، وارد گود می‌شویم، اما در نهایت می‌بینیم که این امر و نهی‌ها، نتیجه‌ای جز تمرد روحی‌مان ندارند.

آیا فردی که یک انتقادگر درون بسیار جدی دارد، می‌تواند با توجه به این انتقادات، برای خودش یک شخصیت و چارچوب خاص بسازد؟

چنین افرادی نمی‌توانند عملکرد خودشان را بدون قضاوت ببینند؛ همیشه از خودشان متوقع هستند و در نهایت هم به این نتیجه می‌رسند که زیاد خوب نیستند! آن‌ها بعد از هر خطا و اشتباه، موجودیت و حقیقت وجود خودشان را زیر سؤال می‌برند و دست به تحقیر و سرزنش خودشان می‌زنند. و واضح است که در حالت تحقیر، شخصیت فرد فرو می‌ریزد و جایی برای رشد و چارچوب‌سازی پیدانمی‌کند.

آیا مصداقی وجود دارد که با توجه به آن بتوان ردپای انتقادگر درون را پیدا کرد؟

کلمات و خواسته‌های انتقادگر درون، خارج از وسع و ظرفیت درونی فرد است و عموماً حول نظرات و علایق و سلیقه دیگران می‌چرخد. فرد را به هم می‌ریزد و موج سنگینی از فشار روانی را در او ایجاد می‌کند. و در کنار همه این‌ها، او را از وجود خودش شرم‌منده و خجالت‌زده می‌کند. فردی که صدای منفی درونی پررنگی دارد، خودش را آن‌چنان که باید دوست ندارد. می‌تواند ساعت‌ها در مورد عیب‌ها و ایرادات خودش صحبت کند، اما تمرکز بر نقاط مثبت خودش ندارد. و در نهایت با عزت نفس بسیار پایین، به گوشه‌انزوا و افسردگی فرو می‌رود. خطاب‌های نازیبایی که فرد نسبت به خودش دارد، او را در ورطه احساس حقارت شدید گرفتار می‌کند.

اسلحه انتقادگر درون

محمدسهیلی‌راد
(کارشناس ارشد روان‌شناسی)

بزرگ‌ترین ابزار انتقادگر درون

صدای منفی درونی، از هر ابزاری برای حمله علیه فرد استفاده می‌کند؛ اما این ابزار، در واقع اسلحه اوست. انتقادگر درون با توسل به ابزارهای مختلف، تلاش می‌کند که عزت نفس فرد را بکشد. خطرناک‌ترین و کاری‌ترین ابزار مورد استفاده او، ارزش‌های زندگی فرد هستند. انتقادگر درون، به قوانینی که از ابتدای کودکی در فرد نهادینه شده‌اند و به عنوان ارزش‌ها و بایدهای او مطرح هستند حمله می‌کند و آن‌ها را بر ضد خود فرد به کار می‌گیرد. در نتیجه، فرد ناگهان خودش را در مقابل خودش می‌بیند و جنگ درونی اش آغاز می‌شود. اُفتِ عزت نفس، نتیجه جنگ فرد با خودش است و این دقیقاً همان چیزی است که صدای منفی درونی دوست دارد اتفاق بیفتد.

کار انتقادگر درون، مقایسه وضعیت کنونی فرد، با وضعیتی است که در آینده باید داشته باشد. در این حالت، انتقادگر، با چنگ‌زدن به ارزش‌ها و قوانین زندگی فرد، وضعیت کنونی اش را قضاوت و تحقیر می‌کند. او با دیدگاه منفی، شروع به تجزیه و تحلیل و نقد فرد می‌کند. و در نهایت، این طور نتیجه می‌گیرد که سبک زندگی فرد اشتباه بود و انتخاب‌های بسیار بدی داشته است. انتقادگر درون با قضاوت‌های تند و تیز و نقدهای غیر منصفانه، فرد را به این جمع‌بندی می‌رساند که بی‌کفایت است و هرگز نمی‌تواند به آن چیزی تبدیل شود که باید باشد. قضاوت‌های صدای منفی درون، به قدری بی‌رحمانه است که حتی وقتی فرد در انجام یک کار خاص هم بهترین است، بهترین بودن او به چشم نمی‌آید و بلکه تقیب می‌شود. به عنوان مثال، در ذهن فرد، یک «باید» و «ارزش» شکل گرفته است که طبق آن، در هیچ شرایطی قطع ارتباط با دیگری، شایسته و درست نیست! انتقادگر درون، از این وضعیت برای کنترل و سرکوب فرد استفاده می‌کند. یعنی به محض این که می‌بیند فرد تصمیم گرفته برای خودش ارزش و اهمیت بیشتری قائل باشد، شروع به دست و پا زدن می‌کند. تلاش می‌کند به باوری که فرد در زمینه ذهنش دارد دسترسی پیدا کند و با شگردهای مختلف اجازه ندهد که فرد خودش را از روابط سمی و آزاردهنده خارج کند. صدای منفی درونی، ارزش درونی فرد را به یاد او می‌آورد.

به او می‌گوید که «به باور تو، در هیچ شرایطی قطع ارتباط با دیگری، شایسته و درست نیست! تو به این معتقد هستی که باید در هر موقعیتی، با دیگران بسازی؛ حتی اگر مجبور باشی در این راه، رنج‌هایی را متحمل شوی. پس جان زن و به دنبال بهانه نباش.» و اگر باز هم با سماجت فرد در قطع ارتباط مواجه شود، به ترفندهای پیچیده تری دست می‌زند. مثلاً به او می‌گوید که «تو خودخواه شده‌ای! توانایی صبوری برای ساختن یک رابطه را نداری. نمی‌توانی از دیگران حمایت کنی و برای نجات خودت، دیگران را زیر پاهایت له می‌کنی. تو خودت را در اولویت قرار می‌دهی و با این رویه هیچ وقت به هیچ‌جا نمی‌رسی، چون بویی از انسانیت نبرده‌ای!»

در حقیقت، انتقادگر درون با حمله به باورهای بنیادین شخص، به او برچسب می‌زند. گاهی او را احمق خطاب می‌کند، و گاهی به او نسبت خودخواه بودن می‌دهد. نتیجه‌ای که صدای منفی درونی می‌گیرد، در نهایت، چیزی جز اثبات شکست خورده بودن و بازنده بودن فرد نیست. و خلاصه اتفاق این است که «انتقادگر درون، با شمشیری از باورهای درونی فرد، او را از پای درمی‌آورد!» صدای منفی درونی، بایدهای قدیمی و کهنه فرد را علم می‌کند و مثل پتک روی سرش می‌کوبد. آموزش‌های والدینش را به یادش می‌آورد و به نوعی، او را مجبور می‌کند که به آن‌ها پایبند بماند.

هدف انتقادگر درون، رشد نکردن فرد و سقوط اوست و برای رسیدن به این خواسته، از هیچ موقعیت و فرصتی نمی‌گذرد. مثلاً اجازه نمی‌دهد که قدرت خلاقیت فرد رشد کند. به او گوشزد می‌کند که پرداختن به یک کار تازه و موقعیت جدید بیهوده است و عواقب جبران‌ناپذیری دارد، و با همین دستاویز، بایدهای پوسیده را به او قالب می‌کند. یک سبک زندگی آزاردهنده برای فرد تعریف می‌کند و او را مجبور می‌کند که از خواسته‌ها و آرزوهایی که دارد چشم‌پوشد. و در واقع، کاری می‌کند که فرد، به چیزی غیر از خودش تبدیل شود.

تشریح بایداندیشی انتقادگر درون

انتقادگر درون در یک فرد با عزت نفس پایین، با

چند «باید» ساده، راه هرگونه تحرک و عمل را از فرد می‌گیرد و زندگی را به کامش تلخ می‌کند. به عنوان مثال، در یک فرد، که برخلاف والدینش، درس و تحصیل را نیمه‌کاره رها کرده و به بازار آزاد روی آورده است، این گونه خودنمایی می‌کند: «والدین تو، درس خوانده و تحصیل کرده هستند. تو که یک نسل، بعدتر از آن‌ها هستی، و طبیعتاً باید از آن‌ها یک سر و گردن بالاتر می‌بودی، اما حتی نتوانسته‌ای خودت را به قد و قواره آن‌ها برسانی! پرداختن به هر کاری جز درس و تحصیل، به معنی مشغول شدن به امور بیهوده است و تو در این کار استادی! اگر می‌خواهی درست زندگی کنی و از خودت راضی باشی درس بخوان و راهی را برو که می‌دانی سخت است، اما نتیجه می‌دهد.» و به این ترتیب، فرد را وادار به انجام کاری می‌کند که دوست ندارد. فرد را با خودش غریبه می‌کند. کاری می‌کند که احساسات درونی اش را سرکوب کند و ارزشی برای خود کنونی اش قائل نباشد. انتقادگر درون، با این فرد کاری می‌کند که دیگر از انجام کارش لذت نبرد. شغلش را درست پیگیری نکند و برای پیش بردش تلاش نکند. صدای منفی درونی، بر سر فرد فریاد می‌زند که باید فرد موفق باشد و در این دنیا کاره‌ای شود! و تأکید می‌کند که با رویه‌ای که در پیش گرفته، هیچ وقت آرزوی موفق شدنش تحقق پیدا نخواهد کرد!

انتقادهای بی‌امان انتقادگر درون، در نهایت باعث می‌شود که فرد، از تأیید خودش دست بکشد. علاقه شخصی خودش را زیر پا بگذارد. به دنبال بایدهایی که از قبل در ذهنش کاشته شده بودند حرکت کند. و خودش را طبق انتظارات دیگران تعریف کند و برای برآوردن توقعات آن‌ها تلاش کند. و اتفاقاً در همین موقعیت است که عزت نفس فرد ویران می‌شود. به کارهایی غیر از آن چه که خوشحالش می‌کنند مشغول می‌شود و از موفقیت و خلاقیت، فرسنگ‌ها فاصله می‌گیرد.

صدای منفی درونی، با فرد کاری می‌کند که «از این جا مانده و از آن جا رانده» شود. او اجازه نمی‌دهد که فرد باورهای تازه‌ای برای خودش تعریف کند و ارزش‌های جدیدی را دنبال کند. و با جنگ‌های بی‌پایانی که در سرش راه می‌اندازد، او را از چشم خودش هم می‌اندازد.

پیش‌نیازهای فکری کمبود عزت نفس (قسمت دوم)

مریم تقی‌لو
کارشناس مدیریت خانواده

۳. تفکر بی‌ارزشی و بی‌خاصیتی: در این مکانیسم فکری، فرد خودش را به منفی‌ترین شکل ممکن قضاوت می‌کند. او خودش را بی‌ارزش و ناتوان توصیف می‌کند و معتقد است هیچ نقطه مثبتی در خودش ندارد؛ نمی‌تواند از پس هیچ چیزی بر بیاید؛ و درونش آن قدر پوچ است که باید از وجود خودش شرم‌منده باشد. این باور را غالباً والدین و مراقبین فرد از کودکی در وجود او می‌کارند. به عنوان مثال، آن قدر از او انتقاد می‌کنند که دیگر نمی‌تواند هیچ خوبی و قوتی را در خودش ببیند. او را گاه و بی‌گاه تنبیه می‌کنند و طوری رفتار می‌کنند که از خودش ناامید شود. گاهی والدین، فرزند را تا آن جایی ارزش می‌کنند که به طردش روی می‌آورند و احساس بی‌خاصیت بودن را مثل یک لکه ننگ درونی، در شخصیتش تثبیت می‌کنند. برخی از افراد، در کودکی مورد سوءاستفاده و تجاوز قرار می‌گیرند. ارزش‌ها و حرمتشان هتک می‌شود و این موضوع، آن قدر در درونشان ادامه‌دار می‌شود که نمی‌توانند خودش را از اسارتش رها کنند. بعضی از والدین هم، بدون در نظر گرفتن توان و موقعیت کودک، مسئولیت‌هایی را روی دوش او می‌اندازند که نمی‌تواند از پسشان بر بیاید. و در نتیجه، به خاطر ناکامی‌ها و شکست‌های متوالی، انگ بی‌ارزشی به خودش می‌زند. در این حالت، باور بی‌خاصیتی و بی‌ارزشی، به شکلی عمیق و جدی در فرد رسوخ می‌کند و افسار افکار و احساساتش را به دست می‌گیرد. فردی که به تفکر بی‌ارزشی و بی‌خاصیتی دچار شده، بدون این که وضعیت خودش را به طور دقیق بررسی کند، به قضاوت خودش می‌نشیند و بدون آگاهی و اشراف، در مورد خودش و توانایی‌هایی که دارد اظهار نظر می‌کند. چنین فردی، حتی برای اثبات بی‌خاصیتی‌اش به خودش، برای خودش شرط‌های دست‌نیافتنی و ناممکنی می‌گذارد، تا بعد از ناکام شدن، راحت‌تر خودش را قضاوت کند. در واقع، فرد به عمد خودش را در موقعیتی گیر می‌اندازد که لاجرم در آن موقعیت‌ها بی‌خاصیت خواهد بود. در واقع، بازی‌ای که فرد با خودش راه می‌اندازد، در ظاهر این طور به نظر می‌رسد که گویا می‌خواهد خودش را به خودش اثبات کند؛ مثلاً می‌گوید «اگر بتوانم فلان کار را انجام بدهم، معلوم می‌شود که بی‌ارزش نیستم»، اما حقیقت این است که او از خیلی قبل‌تر

متقاعد شده که بی‌ارزش است و با این بازی، فقط می‌خواهد از زیر بار تغییر کردن فرار کند. بسیاری از اوقات، افراد ترجیح می‌دهند خودش را کم و بی‌ارزش بدانند، تا حداقل برای بالارزش کردن خودش مجبور به جنگیدن و تلاش نباشند. او با تفکراتی که دارد، خودش را کاملاً مغرضانه قضاوت می‌کند و با همین طرز تفکر، تمام حوادث و وقایع اطرافش را نیز مغرضانه تفسیر می‌کند.

فیلترهای فکری

این غرض‌ورزی‌ها، لزوماً آگاهانه نیستند و با توجه به فیلترهایی انتخاب می‌شوند که در سیستم فکری فرد وجود دارد. این فیلترهای فکری را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. اولین فیلتر فکری، بر این مبنا و اساس کار می‌کند که فرد، تمایل دارد همه چیز را به شکل منفی ببیند و تفسیر کند. او به قدری خودش را در امور منفی غرق کرده است که از میان تمام امور، فقط چیزهای منفی را می‌بیند. او در بررسی و تحلیل شخصیت خودش، تنها بر روی اشتباهات و خطاهایی که مرتکب شده است متمرکز می‌شود، و تنهایی تواندا اشتباهات خودش را ببیند و یک تصویر کاملاً بدبینانه از خودش بسازد؛ و در تشریح هویت خودش، تنها می‌تواند بر عیوب و نقایص خودش متمرکز باشد و حتی آن‌ها را بسیار اغراق‌آمیزتر از چیزی که هستند ببیند. چنین روحیاتی باعث می‌شود که او در تعامل با دیگران، فقط به انتقادات آن‌ها اعتنا کند و به عبارتی، فقط منتظر و پذیرای شنیدن نکات منفی از زبان آن‌هاست.

۲. دومین فیلتر فکری، که مبنای تفکر صحیح را از فرد می‌گیرد، این است که فرد نتواند بر نکات مثبت خودش متمرکز شود و به نوعی، تلاش کند تا امور و اتفاقات مثبت را به حداقل برساند. او این کار را با دست‌کم گرفتن موفقیت‌ها و انکار قابلیت‌هایش انجام می‌دهد. او نسبت به هر چیز مثبتی که در مورد خودش می‌شنود گارد دارد و در حقیقت، گوش‌شنوایی برای شنیدن تعریف و تمجیدها و تحسین‌های دیگران ندارد.

۳. سومین فیلتر فکری که اجازه نمی‌دهد فرد درست فکر کند، این است که اشتباهات خودش را تعمیم می‌دهد و انتقاداتی که می‌شنود را بسط می‌دهد. به عنوان مثال، می‌گوید «همیشه بی‌فایده‌ام» و یک انتقاد از سمت دیگران را با قید

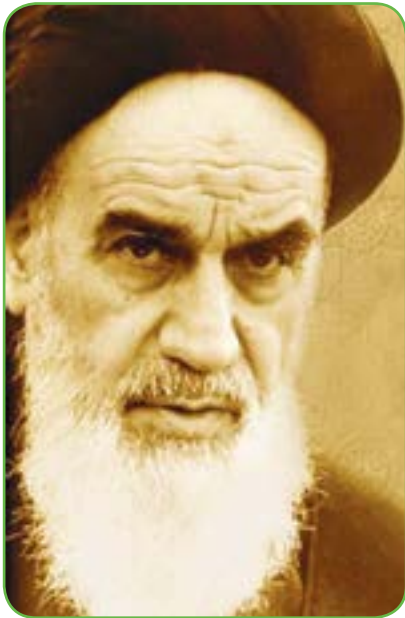
«همیشه»، به سایر رفتارهای خودش هم نسبت می‌دهد و یا مثلاً می‌گوید «هرگز موفق نبوده‌ام» و تحسین بقیه را با قید «هرگز»، از خودش دفع می‌کند. فرد در این سیستم فکری، به یک اشتباه نیاز دارد تا خودش را به کل بی‌خاصیت ببیند.

فردی که در تفکر بی‌ارزشی و بی‌خاصیتی گیر افتاده است، از وجود خودش شرمگین و خجالت‌زده است. او آن قدر نسبت به خودش بی‌اعتماد است که نمی‌تواند درست تصمیم‌گیری کند و در نتیجه، عزت نفس کافی برای مواجهه با شرایط واقعی زندگی را نخواهد داشت. از تجربه موقعیت‌های تازه فرار می‌کند که مبادا دوباره شکست را تجربه کند و در نتیجه، با اجتناب‌هایی که رقم می‌زند، خودش را به طور جدی‌تر در چرخه باطل بی‌خاصیتی گیر می‌اندازد.

فردی که خودش را بی‌خاصیت می‌بیند، کسانی را برای دوستی و همراهی انتخاب می‌کند که بی‌ارزشی‌اش را تأیید کنند. مثلاً کسانی که برای اثبات خودش، نیاز دارند کسی را برای تحقیر کردن داشته باشند، یا کسانی که به نظر، بالارزش‌تر از او می‌آیند و می‌شود در حضورشان از بی‌ارزشی خودش حرف بزند و از خودش بد بگوید، و به این ترتیب، کاری کند که آن‌ها هم او را فرد بی‌ارزشی ببینند. چنین فردی، حتی موقعیت‌ها و شرایط عالی اجتماعی و شغلی را هم پس می‌زند، چون نمی‌تواند ارزشمندی خودش را ببیند. او مایل است یک موقعیت پایین را قبول کند تا با راحتی بیشتری ویژگی‌های مثبت خودش را انکار کند و راه را برای پیشرفت خودش بندد و بر بی‌خاصیت بودنش مهر تأیید محکم‌تری بزند.

در نهایت، فردی که با پیش‌داوری بی‌خاصیت بودنش زندگی می‌کند، به افسردگی دچار می‌شود. منزوی شدن، شرمندگی او را نسبت به خودش بیشتر می‌کند و باعث می‌شود که فیلترهای منفی فکر او، بیشتر از هر وقت دیگری به ذهنش هجوم ببرند و دیدگاهش را نسبت به خودش منفی‌تر کنند. وقتی نگرانی فرد از خودش بیشتر می‌شود و بیشتر در مورد ارزش خودش به تردید می‌افتد، عزت نفس کم‌تری هم خواهد داشت و رفتارهای بعدی‌اش را هم با همین سطح از عزت نفس انتخاب خواهد کرد و در نتیجه، در یک دور باطل، دوباره خودش را بی‌خاصیت‌تر قلمداد خواهد کرد.

تشریح بی نهایت



لزوم مراقبت مردم از اعمال مسئولان

«همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پاپم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است. اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواستہ بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل می کند، بازاری باید اعتراض کند؛ عرض بکنم که کشاورز باید اعتراض کند؛ معممین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواستہ، می خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلوی او را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است. آن وقت هم باید بگیرند، اما حالا کار مهم است. حالا اساس، اساس وجهه اسلام است.»

(صحیفه امام، ج ۸، ص ۵)

تفاوت رژیم سلطنتی با نظام جمهوری

«جمهوری یک مطلب صحیحی است؛ برای این که هر مملکتی وقتی وقتی قرار دادند، خود این تا چهار سال، پنج سال، بعد از چهار سال و پنج سال، باز ثانیاً باید قرار بدهند. دیگر برای نسل های آتی ارثی نیست، که یک کسی چنانچه پسرش هم هر چه باشد باید بشود! حالا که رضا خان شد، بعدش محمدرضا باشد، و بعد هم باز «رضا»، و بعد هم باز محمدرضا، و بعد هم رضا و همین طور ادامه پیدا کند! و لهذا اصلاً منطقی نیست سلطنت به این معنایش.»

(صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۲۰)

تکلیف آیندگان بر عهده خودشان است نه، من و تو!

«تکلیف صد سال بعد را من و تو نمی توانیم تعیین کنیم. ما حق داریم برای خودمان؛ مثل این است که ما یک نفر را فرض بفرمایید که وکیل کنیم از جانب آن آدمی که مرده! نیامده است، یا آن آدم هایی که رفته اند! به من چه ربط دارد؟ این اصلاً یک رژیم غیر منطقی بوده است. حالا هم هر جا باشد غیر منطقی است، و لو انگلستان باشد، انگلستان هم حالا سلطنتی است. البته آن سلطنتی که آنها می کنند سلطنت این طوری نیست که ماهامی کنیم؛ لکن مع ذلك یک مسئله غیر منطقی است.»

(صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۲۱)

حکومت اسلام، حکومت قانون است!

«در اسلام حکومت حکومت قانون است. حتی حکومت رسول الله، حکومت امیر المؤمنین - سلام الله علیه - حکومت قانون است. یعنی قانون آنها را سر کار آورده است... قانون حکومت می کند در مملکت اسلامی؛ غیر قانون هیچ حکومتی ندارد.»

(صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۸۱)

نقش فرهنگ در ذلت یا عظمت یک ملت!

«بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود؛ برای اینکه بزرگترین مؤسسه ای است که ملت را یا به تباهی می کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می کشد. برنامه های فرهنگی تحول لازم دارد، فرهنگ باید متحول بشود.»

(صحیفه امام، ج ۷، ص: ۴۷۳)

حکومت و دولت سالم در گرو تفاهم بین دستگاه حاکمه با ملت است!

«اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع الأسف در رژیم های شاهنشاهی، و بخصوص در رژیم اخیر، آن معنا عکس بود. یعنی دستگاه حاکمه، همه دستگاه حاکمه، در یک قطب واقع شده بود، و ملت هم در یک قطب. آن دستگاه حاکمه کوشش می کرد که با ارباب و با فشار و با آزار و شکنجه و حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند. و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می کرد که مالیات نپردازد؛ از زیر بار همه چیز در برود؛ هر چه بتواند کارشکنی کند برای دولت، و از این جهت می شکاف بین مردم و دولت حاصل می شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه یک امر به خیال خودش مستقلی بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت. ملت هم به آن هیچ اعتماد نداشت، آن را دشمن خودش می دانست.»

(صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۳۰)

در نظام جمهوری هم اگر حکومت میراثی باشد با سلطنتی فرقی نخواهد داشت!

«اگر جمهوری میراثی باشد، منطقی نیست، منطقی آن است که کار دست خود ملت باشد. ملت یک کسی را می آید انتخاب می کند، آن هم انتخاب آزاد می کند، و یک کسی را رئیس جمهور قرار می دهد، ملت اختیار دارد که یک کسی را برای خودش رئیس جمهور قرار بدهد، بعد که چهار سال گذشت، باز همین ملت است و همین بساط، باز یکی دیگر را قرار می دهند، یا اگر این آدم خوبی بود، همین را قرار می دهند.»

(صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۲۱)

تمام مفاسد و مصالح از خود حکومتها سر چشمه می گیرد!

«آدمی که خودش امین نیست جنس خودش را طالب است؛ می رود سراغ اشخاصی که نظیر خودش باشند، چنانچه اشخاص امین باشند، آنها می روند سراغ پیدا کردن اشخاصی که همجنس خودش باشند. و لهذا از حکومتها سر چشمه می گیرد مفاسد و سر چشمه می گیرد مصالح. حکومت عدل، تمام مصالح کشور را تأمین می کند به اندازه قدرت. و حکومت ظلم، تمام بدبختی ها را برای یک ملتی ایجاد می کند.»

(صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۳۵)